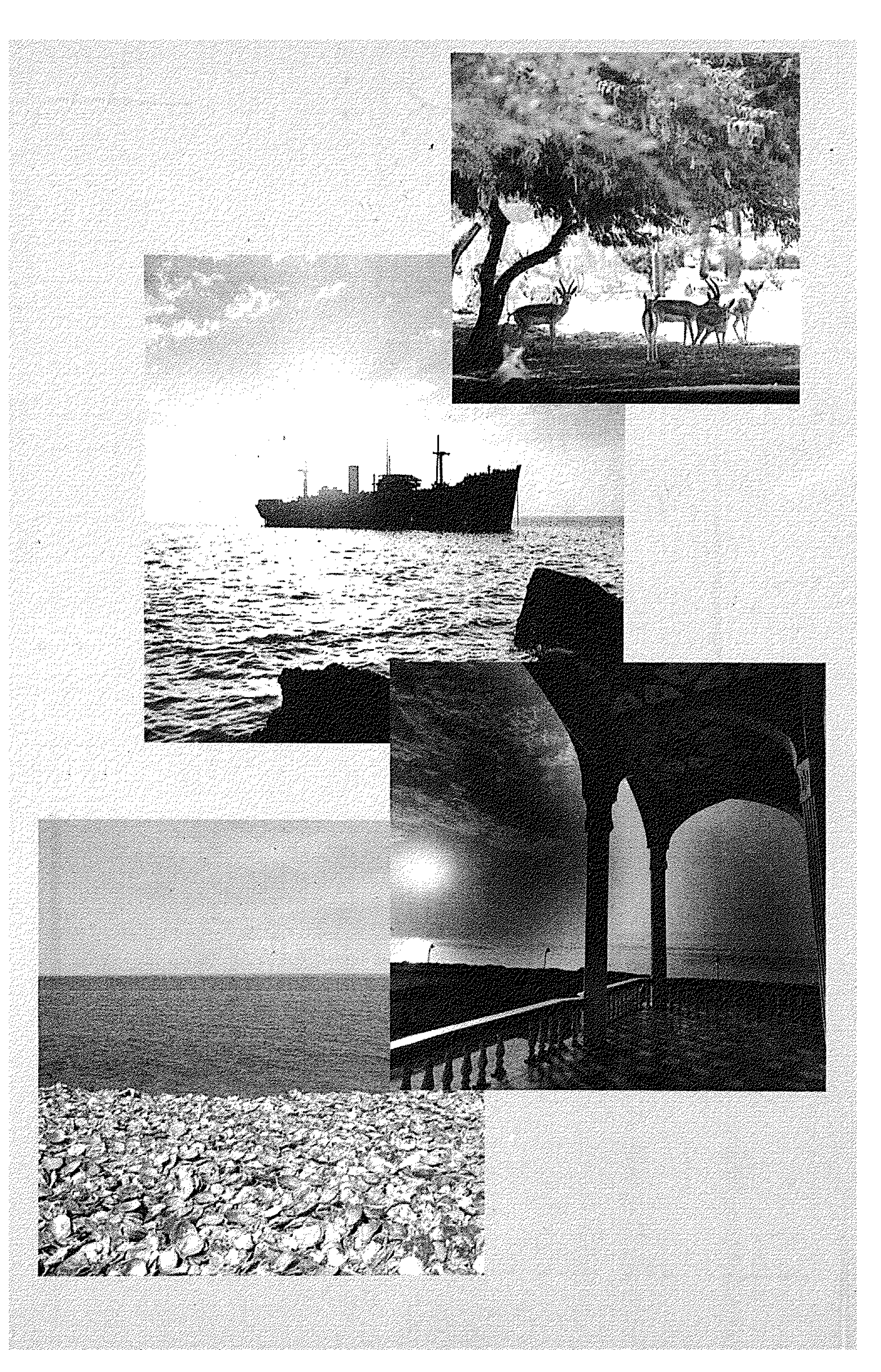


کیش

ایرج افشار سیستانی



مجموعه ایرانشناسی

جزیره کیش

مروارید خلیج فارس

پژوهش و نگارش
ایرج افشار سیستانی

انتشارات هیرمند
۱۳۷۷

۹۵۵	**افشار سیستانی ، ایرج، ۱۳۱۹ -**
/۷۳۴	جزیره کیش مروارید خلیج فارس / پژوهش و نگارش ایرج افشار
ج۴۷ ۶الف	سیستانی .ـ تهران : هیرمند ، ۱۳۷۷.
	۱۴۲ص.: مصور .ـ (مجموعه ایرانشناسی)
	کتابنامه:ص. ۱۲۳ - ۱۲۶.
DSR	۱. کیش. الف. عنوان.



جزیره کیش مروارید خلیج فارس

از ایرج افشار سیستانی

حروفچینی : معرفت

فیلم و زینگ : لیتوگرافی قاسملو

چاپ اول، ۱۳۷۷

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

چاپ : چاپخانه حیدری

انتشارات هیرمند : تهران ـ صندوق پستی ۴۵۹ - ۱۳۱۴۵ تلفن و دورنویس : ۶۰۱۶۶۸۶ ـ ۶۴۶۱۰۰۷

عضو هیئت مؤسس شرکت سهامی پخش و توسعه کتاب ایران (پکا)



شابک ۴ ـ ۱۱ ـ ۵۵۲۱ـ۹۶۴ ISBN 964-5521-11-4

فهرست

عنوان　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　صفحه

بخش دوم ـ جزیرهٔ کیش، مروارید خلیج فارس

بخش سوم: فهرست‌ها

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار

خدا داند که چه زیبایی ای کیش　　چراغ روشن دلهایی ای کیش

به عمران تو کوشد غیرت و عشق　　که رمز عزت فردایی ای کیش

میان این همه مرجان فقط تو　　نگین ناب این دریایی ای کیش

کسی که عشق را فهمید با توست　　گمانم سمبُل رویایی ای کیش

روا باشد که ایران بر تو نازد　　زبس پر گوهر و والایی ای کیش

همیشه دشمنانت مات باشند　　که تیر دیدگانهایی ای کیش

چه غم از غم که با لطف خداوند　　یقین در هر کجا با مایی ای کیش

«عبدالرضا مدرس‌زاده»

جزیرهٔ کیش با پهنه‌ای حدود ۹۱ کیلومتر مربع، در شمال خاوری خلیج فارس و در ۱۷ کیلومتری کرانهٔ آن، افتاده است.

جزیرهٔ کیش از جایگاه استراتژیک و ژئوپولیتیک ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نه‌تنها در بخش میانی خلیج فارس افتاده و در سر راه کشتیهایی که رهسپار بندرها و جزیره‌های باختر خلیج فارس می‌باشند قرار دارد، بلکه دارای دریایی آرام و کرانه‌های زیباست و در گذر زمان از مراکز مهم بازرگانی

دریای پارس بوده است.

جزیرهٔ کیش تا اواخر دوران شکوفایی بندر سیراف اهمیت چندانی نداشت، به دنبال یک رشته حوادث تاریخی و اقتصادی مورد لحاظ قرار گرفت و از اوایل سدهٔ ۱۲ م، اندک اندک جایگزین سیراف شد و به کانون بازرگانی و بندری دریای پارس تبدیل گشت.

از اوایل سالهای ۱۳۵۰ هـ. ش، جزیرهٔ کیش مورد بازدید کارشناسان ایرانی و آمریکایی قرار گرفت و با توجه به جایگاه استراتژیک مناسب آن، به عنوان مرکز بین‌المللی «توریستی ـ بازرگانی» انتخاب شد. تأسیسات جهانگردی طراحی و آماده شدند و بدین ترتیب این جزیره بار دیگر اهمیت جهانی گذشتهٔ خود را بازیافت.

از آن‌جا که در سالهای اخیر، آبادسازی و گسترش در ایران، آهنگی خوش و ترنمی دلنواز یافته است، جزیرهٔ کیش که به مروارید دریای پارس سرشناس شده است، همنوا با چنین آهنگی به رشد و شکوفایی خود ادامه داده، به‌طوری که از ۱۳۷۳ هـ. ش، تاکنون در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، جهانگردی، و . . . پیشرفت چشمگیری داشته است.

کتاب جزیرهٔ کیش و دریای پارس، نوشتهٔ اینجانب به کمک شرکت مسافرتی گالی‌تور و سازمان عمران کیش تهیه و در ۱۳۷۰ هـ. ش، چاپ و نشر شد. از آن‌جا که این کتاب جزو مآخذ ایران‌شناسی است، و بیشتر مورد استفادهٔ پژوهندگان، استادان، نویسندگان و . . . قرار می‌گیرد، در سفر به جزیرهٔ کیش و شرکت در کنگرهٔ خلیج فارس در ادب پارسی (۳۱ اردیبهشت ـ ۲ خرداد ۱۳۷۵ هـ. ش) سازمان منطقهٔ آزاد کیش، از من خواست که به منظور شناساندن جزیرهٔ کیش، جایگاه آن در خلیج فارس، گسترش صنعت جهانگردی و آشنا ساختن مردم ایران و جهان، به‌ویژه مسافرانی که به کیش وارد می‌شوند، با نقاط جهانگردی و دیدنی جزیره و مسائل فرهنگی، بازرگانی و اجتماعی آن، کتابی به نام «کیش مروارید خلیج فارس» تهیه نمایم، از این‌رو

اقدام به شناساندن آن نمودم که نتیجهٔ آن، دفتر حاضر است.

کیش مروارید خلیج فارس، چهلمین (جلد ۵۷) اثر نگارنده در زمینهٔ ایران‌شناسی است، که حاصل سالها بررسی و پژوهشهای میدانی و کتابخانه‌ای نویسنده است، امید است تا اندازه‌ای گویای جایگاه اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، طبیعی و اقتصادی آن باشد.

از سازمان منطقه آزاد کیش و مدیریت محترم ماهنامه گران‌سنگ مناطق آزاد که عکس و برخی آگاهیهای مربوط به جزیره کیش را در اختیارم گذاشته و در پاره‌ای موارد همکاری نموده‌اند ، سپاسگزارم.

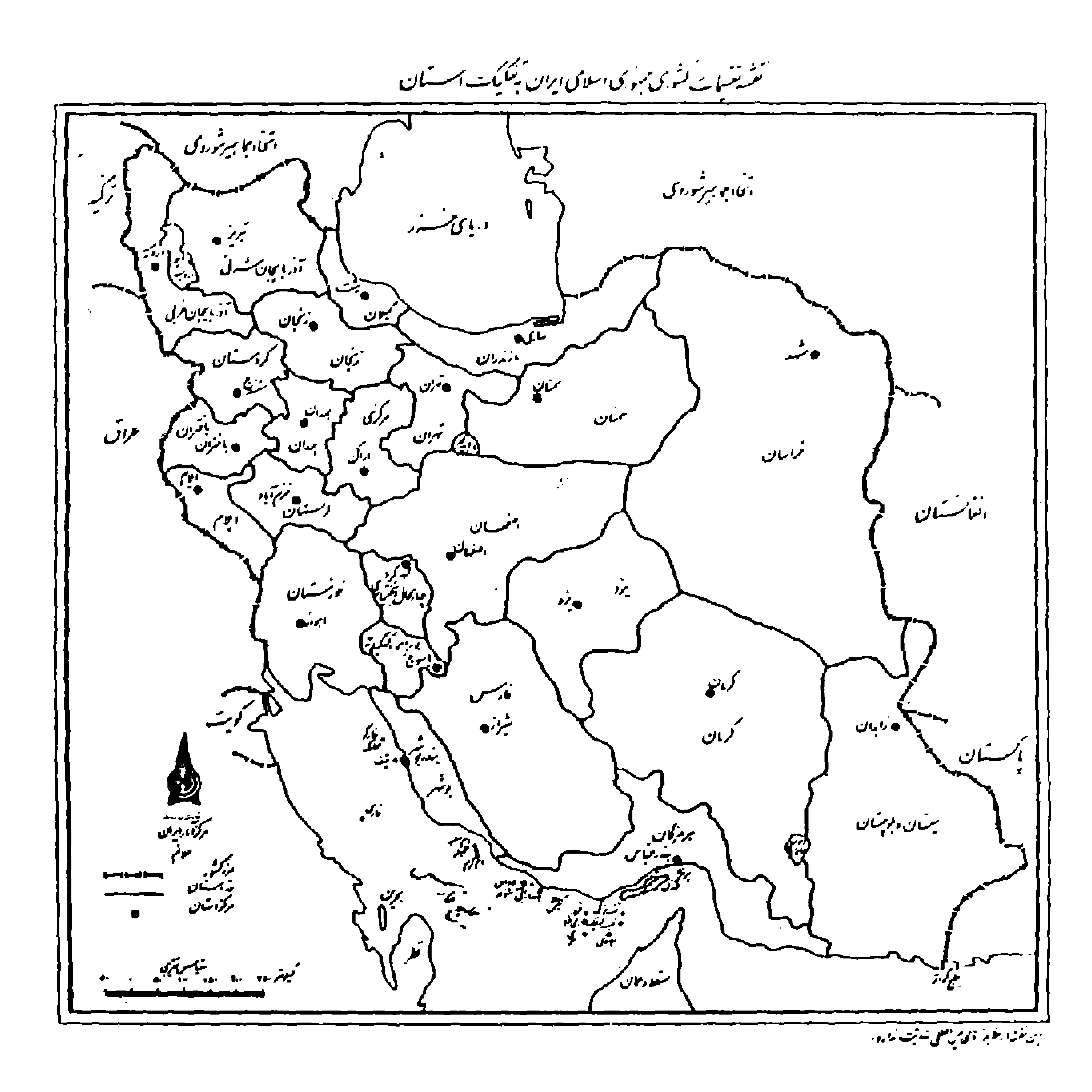
از دست‌اندرکاران خدمات نشر، به ویژه مدیران و کارکنان سخت‌کوش حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی سپاسگزارم.

از جناب آقای حمید باقرزاده، مدیر فرهنگ‌دوست انتشارات هیرمند که امکانات چاپ و نشر این کتاب را فراهم فرموده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم.

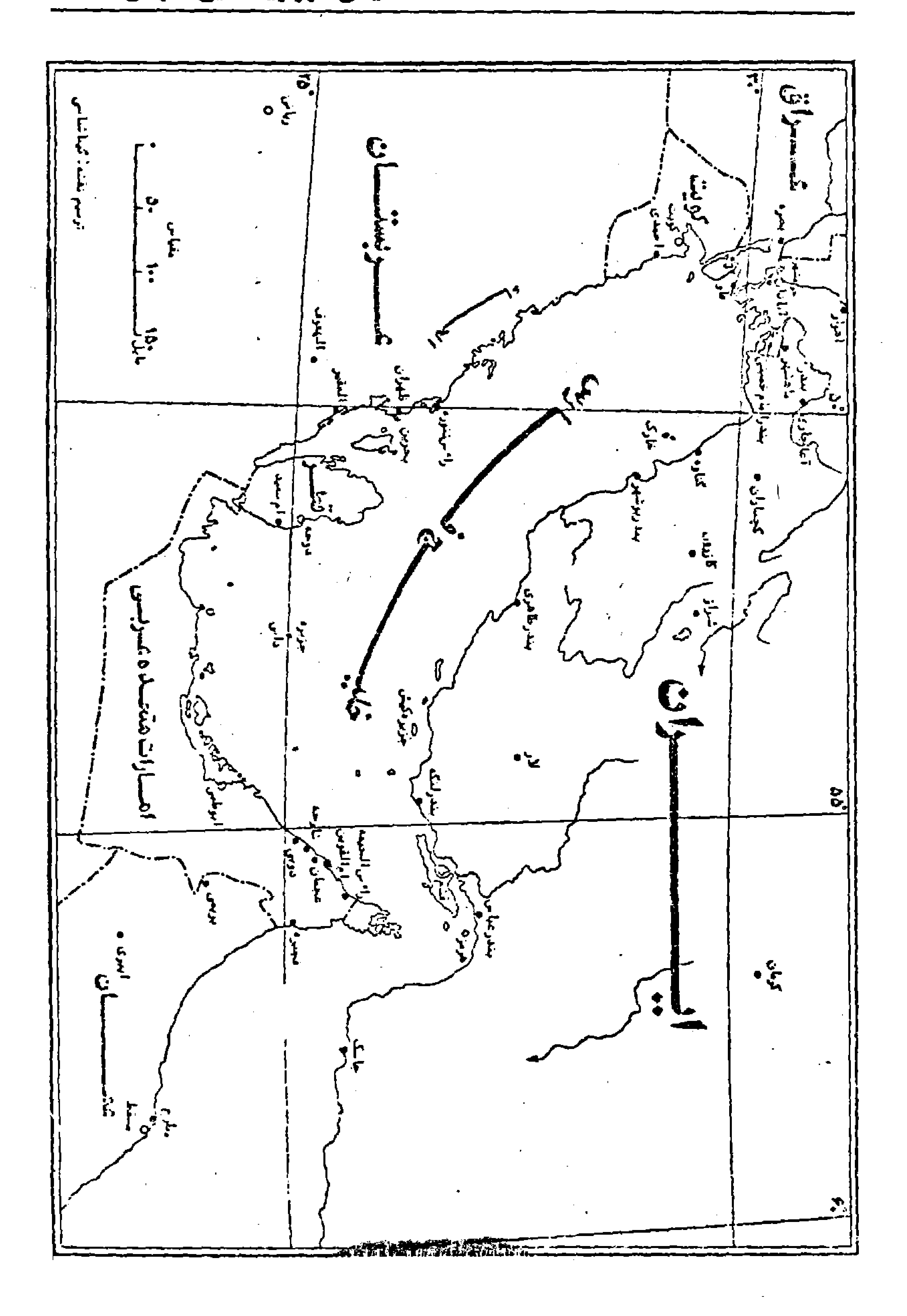
ایرج افشار «سیستانی»
تهران ۱۳۷۵ هـ. ش

۱

نگاهی به خلیج فارس


نقشهٔ تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران به تفکیک استان
اتحاد جماهیر شوروی
ترکیه
دریای خزر
تبریز
آذربایجان شرقی
آذربایجان غربی
زنجان
گیلان
مازندران
تهران
سمنان
مشهد
خراسان
کردستان
همدان
مرکزی
اراک
باختران
عراق
ایلام
لرستان
اصفهان
یزد
کرمان
خوزستان
اهواز
فارس
شیراز
بوشهر
افغانستان
پاکستان
زاهدان
سیستان و بلوچستان
هرمزگان
بندرعباس
کویت
بحرین
قطر

نقشهٔ ایران



نقشهٔ جزیرهٔ کیش، ۱۳۴۱ ه. ش

فصل اول

جایگاه جغرافیایی و طبیعی، استراتژیک و ژئوپولیتیک

۱ـ جایگاه جغرافیایی

خلیج فارس دریای نیم‌بسته‌ای است که با پهنه‌ای حدود ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع، در جنوب باختری آسیا، در ۲۳ الی ۳۰ درجه پهنای شمالی و ۴۸ الی ۵۶ درجه درازای خاوری افتاده است. درازای کرانه‌اش از دهانهٔ فاو تا بندرعباس ۱۳۷۵ کیلومتر و پهنای آن، ۱۸۵ تا ۳۳۳ کیلومتر است. ژرفای خلیج فارس در بخشهای خاوری ۵۰ تا ۸۰ متر و در بخشهای باختری ۱۰ تا ۳۰ متر است. ژرفترین نقطهٔ خلیج فارس، گودالی به ژرفای ۹۳ متر در ۱۵ کیلومتری جنوب جزیرهٔ تُنب بزرگ است.[۱]

آب خلیج فارس دارای غلظت زیاد نیست و به دلیل نبود جریانهای دریایی، چندان شور نمی‌باشد و در پیوستنگاه رودها، شیرین است و تنها در تنگهٔ هرموز، به دلیل وجود جریانهای دریایی شور می‌شود. اندازهٔ نمک در خلیج فارس بین ۳۸ تا ۷۰ در هزار و در نواحی کم ژرفا، بین ۶۰ ـ ۲۰۰ در هزار اندازه‌گیری شده است.[۲]

۲ـ آب و هوا

آب و هوای خلیج فارس گرم و مرطوب است. درجهٔ حرارت در تابستان ۳۲ تا ۳۴ درجهٔ سانتی‌گراد و در زمستان در شمال ۱۵ و در تنگهٔ هرمز ۲۱ درجهٔ سانتی‌گراد می‌باشد، و در ژرفای ۲۰ تا ۴۰ متری، دمای آب ۲۱ درجه است.[۳] بیشترین گرما ۵۲/۶۷ درجهٔ سانتی‌گراد است. میانگین گرمای سردترین ماههای خلیج فارس در دی ماه ۱۵ درجه است. کمترین گرمایی که تاکنون در این منطقه گزارش شده، ۱/۵ درجه است، که در آبادان و خرمشهر دیده شده و جز موارد استثنایی، هیچ‌گاه آب یخ نمی‌بندد.[۴]

باران سالانه به‌طور میانگین در بوشهر ۲۸۰، در جاسک ۱۲۰، در خرمشهر ۲۱۰، در بصره ۱۷۰، در کویت ۱۲۰ و در بحرین ۷۴ میلی‌متر است.

رطوبت هوا در سال غیر از کرانه‌های خوزستان، بیش از ۲۲ درجه است. در بوشهر در مرداد، درجهٔ گرماسنج مرطوب تا ۲۷ درجه و در روی دریا تا ۳۷ درجه می‌رسد.[۵]

۳ـ رودها

رودهایی که به خلیج فارس می‌ریزند بیشتر از نواحی خشک می‌گذرند و مواد آویزان زیادی به بستر خود در خلیج فارس می‌برند. اندازهٔ پیش روی خاک را در هر سال ۵۰ متر تخمین زده‌اند.[۶]

اروندرود، کارون، کرخه، دیاله، زاب، جراحی، مُند، دالکی و میناب بزرگترین و پُرآب‌ترین رودهایی هستند که به خلیج فارس می‌ریزند.[۷]

٤ـ جزیره‌ها و بندرها

بزرگترین جزیره‌های خلیج فارس، عبارت‌اند از: بحرین، قشم، هرموز، لارک، هنگام، خارگ، کیش، لاوان، بوموسی، فارور، تُنب بزرگ، و . . .

مهمترین بندرهای خلیج فارس، عبارت‌اند از: امام خمینی (بندر شاهپور)، ماه‌شهر، دیلم، گناوه، ریگ، بوشهر، طاهری، عسلویه، لنگه، خمیر، عباسی، بصره، کویت، رأس‌الخیمه، شارجه، دوبی، ابوظبی، دُوحه، و . . . [۸]

۵ـ جایگاه استراتژیک و ژئوپولیتیک

جایگاه استراتژیک خلیج فارس جنبه‌های گوناگونی دارد. حساسیت این منطقه برای باختر و خاور، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سبب کوششی برای استقرار پایدار کشورهای بزرگ شده است. این پدیدهٔ سیاسی، ناشی از سقوط ژاندارم منطقه و نبودن جانشینی به جای آن بوده است. به هرحال کانون سیاست جغرافیایی خلیج فارس، زیر تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته و به صورت یک مرکز آتشفشانی درآمده که مناطق اسلامی را از کرانه‌های مدیترانه تا شاخ افریقا و سرزمین مراکش تا قلب افریقا و از کرانه‌های اقیانوس هند تا خاور دور را تحت تأثیر قرار داد و به ویژه ممالک اسلامی جهان بیش از دیگر کشورها تأثیر پذیرفتند.

۶ـ نقش خلیج فارس در آسیای مرکزی

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به استقلال پانزده جمهوری آن کشور، از جمله جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز، که مرزهای شمالی ایران را در بر می‌گیرند، انجامید. برچیده شدن امپراتوری شوروی که همواره دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس و دریای مُکران را برای خود هدفی عمده می‌شمرد،

یک تهدید مهم نظامی استراتژیک را از مرزهای شمالی ایران دور ساخت.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین کشور منطقهٔ خلیج فارس که دارندهٔ کرانهٔ بسیار دراز در خلیج فارس، دریای مُکران (دریای عمان) و اقیانوس هند است، می‌تواند به عنوان مهمترین و مناسبترین گذرگاه دریایی کشورهای تازه استقلال یافته، که همگی محصور در خشکی می‌باشند، درآید.

خلیج فارس، منطقهٔ بسیار مهم استراتژیک است که خاورمیانهٔ عربی و غیر عربی را به هم پیوند می‌دهد و ایران تنها کشوری است، که نه‌تنها مرزهای شمالی خلیج فارس را در حاکمیت خود دارد، بلکه پل استراتژیک خاور و باختر و عضو اکو است. بنابراین نقش جمهوری اسلامی از نظر پیوند بین این جمهوریها و منطقهٔ خلیج فارس بسیار مهم است.

نقش دیگر ایران که دروازهٔ آسیای مرکزی و قفقاز است، برقراری رابطهٔ میان این جمهوریها با دریای آزاد است، چون کوتاه‌ترین راه بین ترکمنستان و ازبکستان با دریای پارس، از طریق راه‌آهن مشهد، سرخس، تجن به خلیج فارس، دریای مکران و اقیانوس هند میسر است.[۹]

پی‌نوشتهای فصل اول

۱ـ جعفری، عباس. شناسنامهٔ جغرافیای طبیعی ایران، ص ۵۶

۲ـ حافظ‌نیا، محمدرضا. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگهٔ هرمز، ص ۱۶ـ۱۷

۳ـ همان کتاب، ص ۱۷

۴ـ گنجی، محمدحسن. آب و هوای خلیج فارس، سمینار خلیج فارس، جلد اول، ص ۲۳ ـ ۲۴

۵ـ جلالی، محمدعلی. صنعت ماهی در خلیج فارس، ص ۴

۶ـ میرزا طاهری، رضاحسین. حفاظت محیط زیست در خلیج فارس، مجموعهٔ مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، ص ۶۸۲

۷ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ هندورابی و دریای پارس، ص ۲۹

۸ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ کیش و دریای پارس، ص ۳۸ ـ ۴۳

۹ـ افشار سیستانی، ایرج. سخنرانی مورخ ۱۳۷۵/۳/۱ در کنگرهٔ خلیج فارس در ادب پارسی، جزیرهٔ کیش.

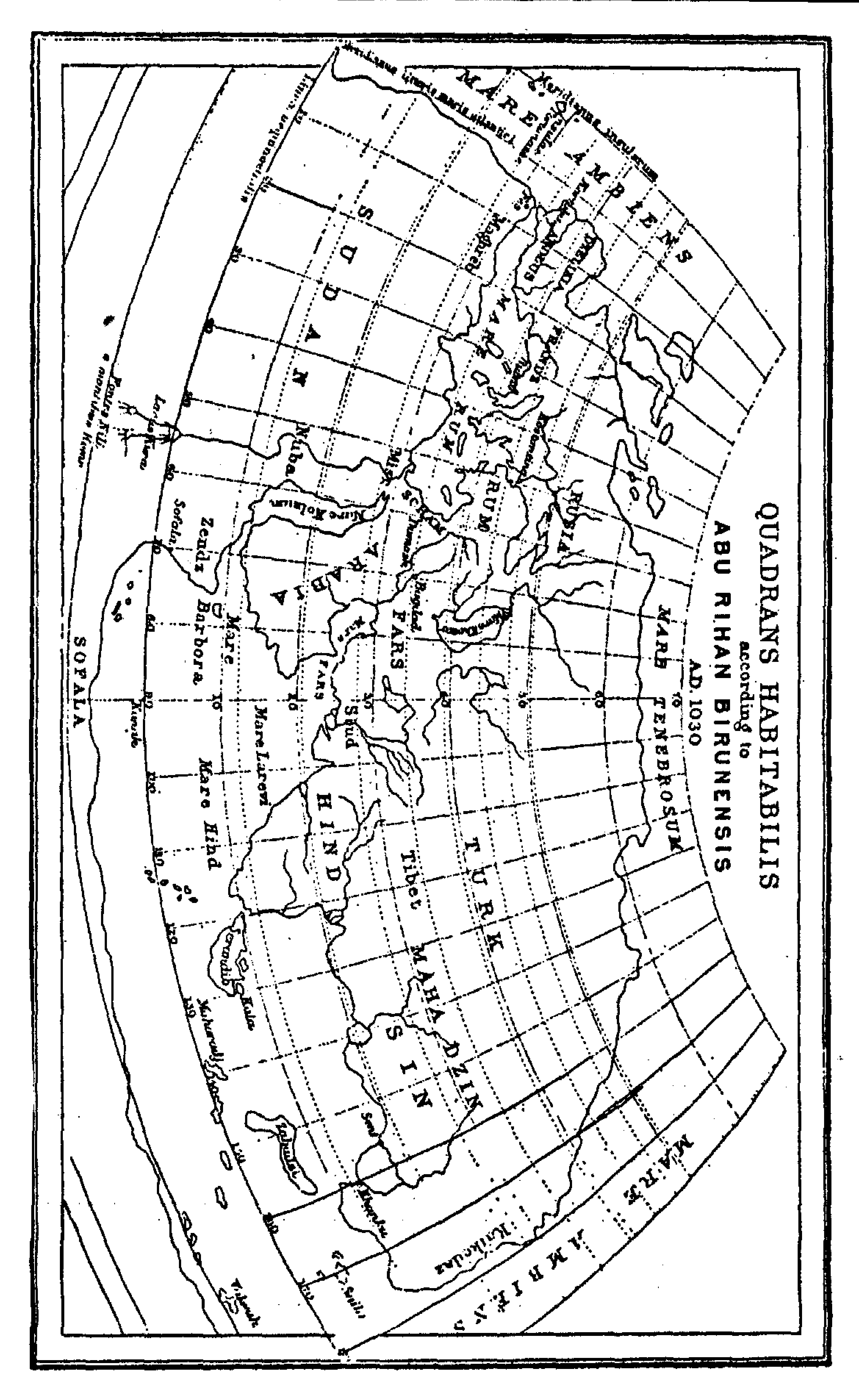
فصل دوم

پیشینهٔ نام خلیج فارس

از دوران باستان تا امروز در همهٔ آثار تاریخی و جغرافیایی، آبهای جنوب ایران از پیوستنگاه اروندرود تا تنگهٔ هرموز به نام خلیج فارس شناخته شده است. تاریخ و جغرافی‌نگاران و باستان‌شناسان تاکنون از این دریا به نامهای: خلیج فارس یا خلیج‌العجم و دریای پارس یاد کرده‌اند.

بر پایهٔ نوشتهٔ نویسندگان یونانی، از جمله استرابون، یونانیان، نخستین مردمی بودند که به این دریا، نام «پرس» و به سرزمین ایران «پارسه» و «پرسپولیس» یعنی شهر یا کشور پارسیان داده‌اند.

تاریخ‌نگاران و دانشمندان یونانی پیش از میلاد، در شرح سرگذشتها تا سدهٔ هفتم (پ.م) یعنی اواخر حکومت عیلام و ایجاد حکومت ماد و روی کار آمدن هخامنشیان، خلیج فارس را به همین نام می‌خواندند. پس از میلاد مسیح نیز، تاریخ و جغرافی‌نگاران یونانی، رومی، یهودی و مصری از دریای جنوبی ایران به نام دریای پارس یا خلیج پارس نام برده‌اند.



دریای پارس در نقشهٔ ابوریحان بیرونی، ۱۰۳۰ م.

موسی خورنی، جغرافیادان سدهٔ ۵ پ. م ، به دورانهای اشکانی و ساسانی اشاره کرده و خلیج فارس را دریای پارس و جزو حکومت ایران خوانده است.

در آثار تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی، هرجا به مناسبتی نامی از این دریا به میان آمده، خلیج‌الفارسی، بحرالفارسی، خلیج فارس، و بحر فارس نوشته شده است.

تاریخ و جغرافی‌نگارانی چون ابن‌فقیه، استخری، مسعودی، ابن‌حوقَل و دهها تن دیگر، از آبهای جنوب ایران به نام دریای پارس یاد کرده‌اند.

جهانگردان اروپایی، چون تاورنیه، که از سدهٔ ۱۶ م، به ایران آمده‌اند، از دریای جنوبی ایران به نام خلیج فارس یاد کرده‌اند.

تاریخ‌نگاران دوران قاجاریه، چون محمد ابراهیم کازرونی، رضاقلی‌خان هدایت، لسان‌الملک سپهر، در تدوین شرح حوادث کشور، دریای جنوب ایران را خلیج فارس نامیده‌اند.

تاریخ‌نگاران عرب، چون جرجی زیدان، قدری قلعجی، نوفل مصری و علی حُمیدان، در تأیید پیشینه تاریخی خلیج فارس و نام آن، جُستارهایی در آثار و نشریه‌های عربی به چاپ رسانده‌اند و از آن، به نام خلیج فارس یاد کرده‌اند.

در فرهنگهای آلمانی، فرانسوی، امریکایی، ترکی، خلیج فارس به همین نام نوشته شده است و بیشتر بیگانگان، به‌ویژه انگلیسیها دربارهٔ خلیج فارس مطلب نوشته‌اند. انگلیسیها به لحاظ جایگاه ویژه‌ای که در این منطقه داشته‌اند، بیشتر کوشیده‌اند تا حقیقت پنهان ماند و نام ساختگی و نادرست را به جای نام اصیل و درست خلیج‌فارس به‌کار برند.

به علاوه داستان تغییر نام خلیج فارس در سالهای اخیر نیز از ترفندهای

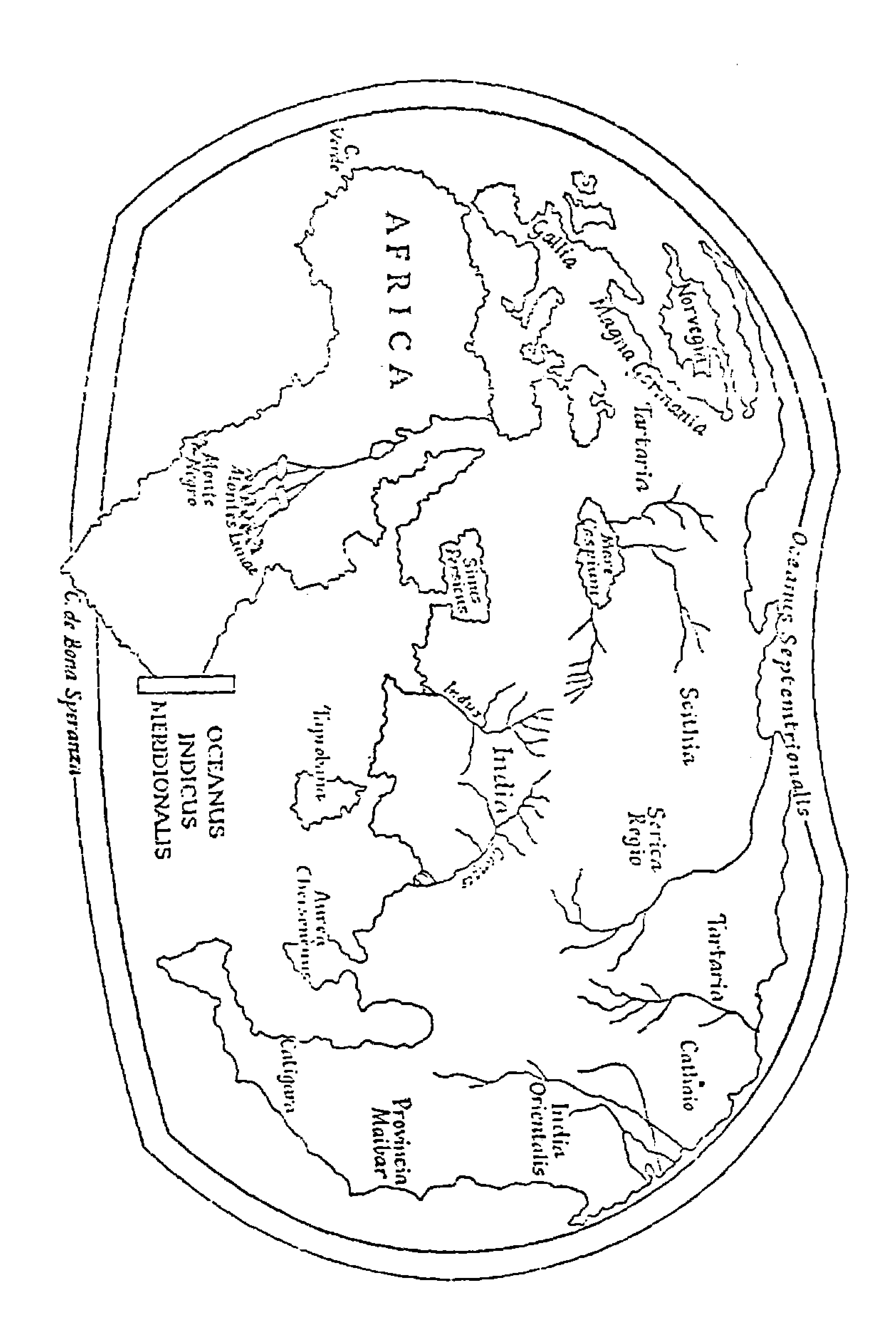
همان بازیهای پنهانی سیاست بود، که خوشبختانه پذیرای جهانیان قرار نگرفت.

لُرد بلگریو، که از ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ م، کارگزار انگلستان در خلیج فارس بود، و با ایران و ایرانی دشمنی داشت، نخستین کسی بود، که آشکارا واژهٔ خلیج عربی را به جای نام درست و اصیل خلیج فارس جعل کرد و آن را با زیرکی ویژه‌ای به کار برد.

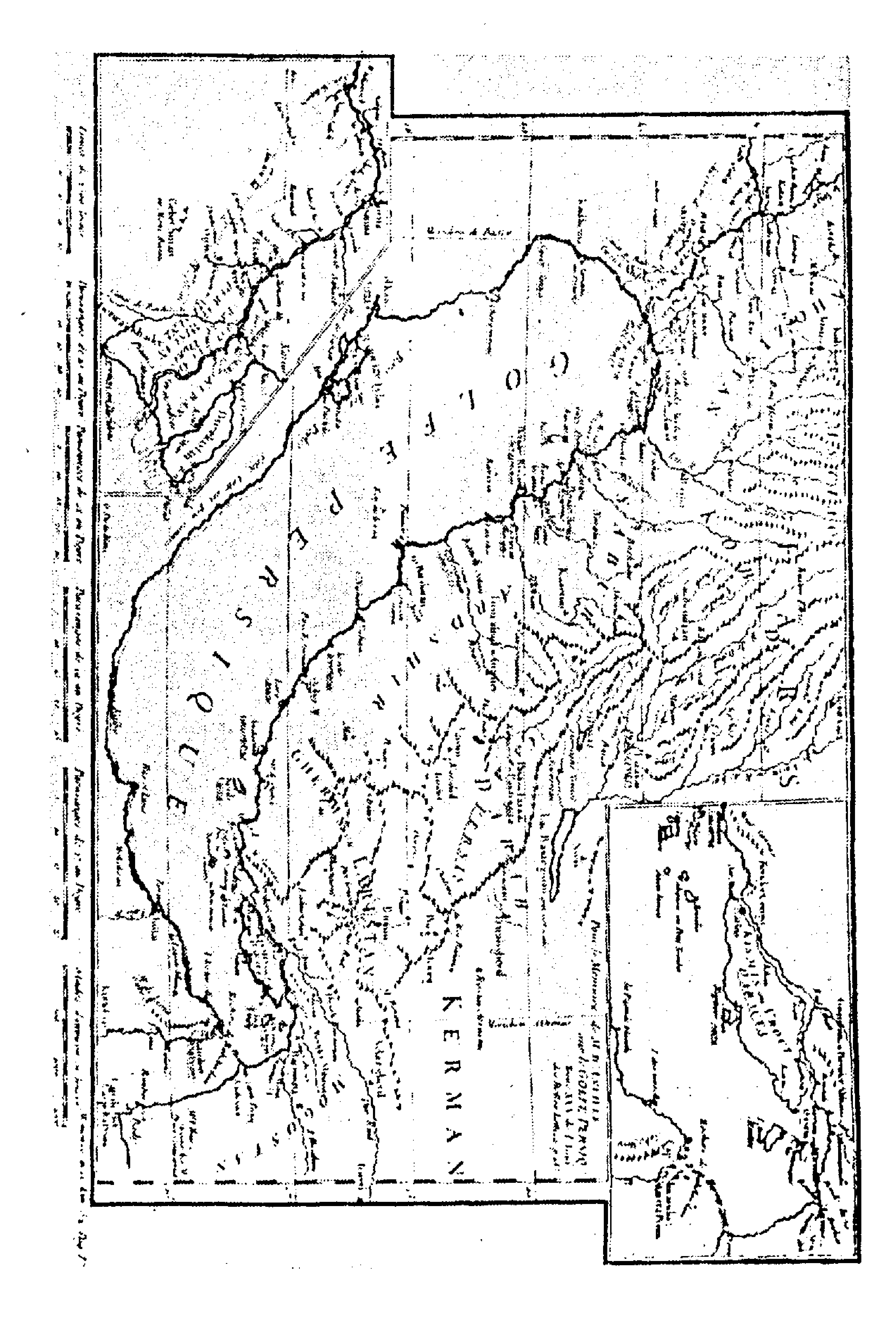
با این حال بعضی از تاریخ‌نگاران و سیاستمداران، چون لُرد کُرزُن، لُرد لانس‌دان، آرتورهاردینگ، آرنولد ویلسن، دنیس رایت، فردهالیدی و پارسونز، در کتابها، مقاله‌ها و سخنرانیهای خود، از این دریا به نام خلیج فارس یاد کرده‌اند.

از ۱۵۰۷ تا ۱۵۶۰ م، در همهٔ موافقت‌نامه‌هایی که بین پرتغالیها، اسپانیاییها، هلندیها، انگلیسیها، فرانسویها، بلژیکیها، آلمانها، و . . . با ایران و شیخ‌نشینهای خلیج فارس بسته شده، همه‌جا از نام درست خلیج فارس استفاده شده است.

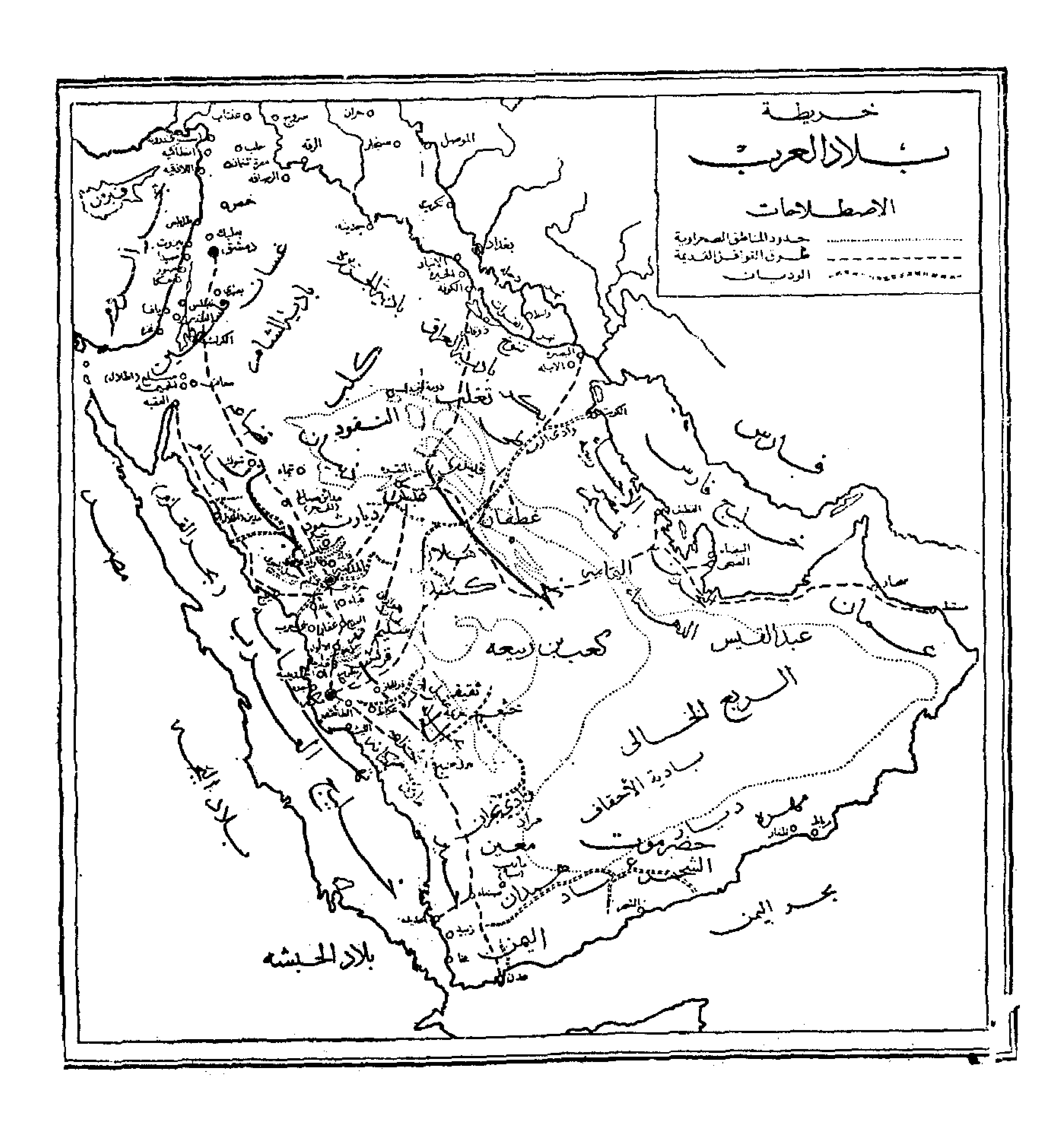
عامل دیگری که قابل توجه است، پهنهٔ آبهایی از خلیج فارس است، که بر پایهٔ اصول و موازین حقوق بین‌الملل، زیر حاکمیت و یا نظارت جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲ م) در پیش‌نویس جدید قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای مکران، علاوه بر دریای سرزمینی (۱۲ مایل دریایی) ۱۲ مایل نیز جهت منطقهٔ نظارت درنظر گرفته شده است، که با توجه به جزیره‌های متعلق به ایران، می توان گفت که بخش بزرگ آبهای خلیج فارس در حاکمیت و نظارت جمهوری اسلامی ایران است. (سخنرانی ۱۳۷۵/۳/۱ نگارنده در کنگرهٔ خلیج فارس در ادب پارسی، جزیرهٔ کیش)



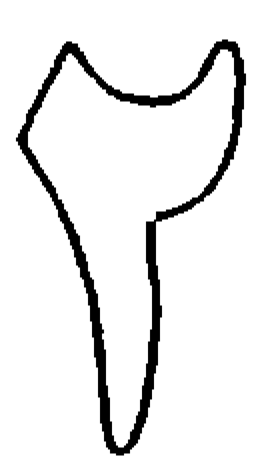
خلیج فارس در نقشهٔ جهانِ هنریکوس مارتلوس، ۱۴۹۲ م.



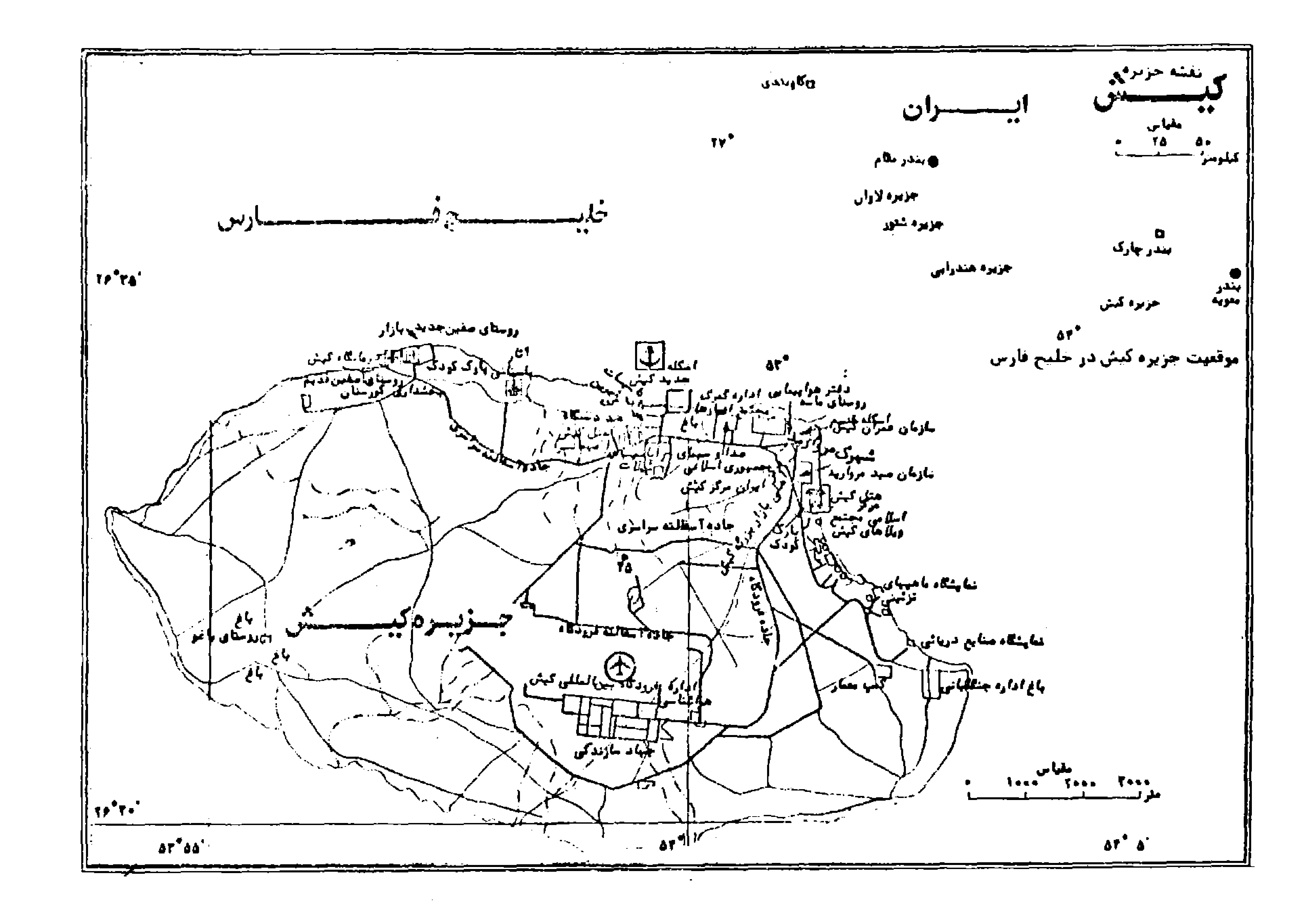
نقشهٔ خلیج فارس، دانویل، نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۸ م.



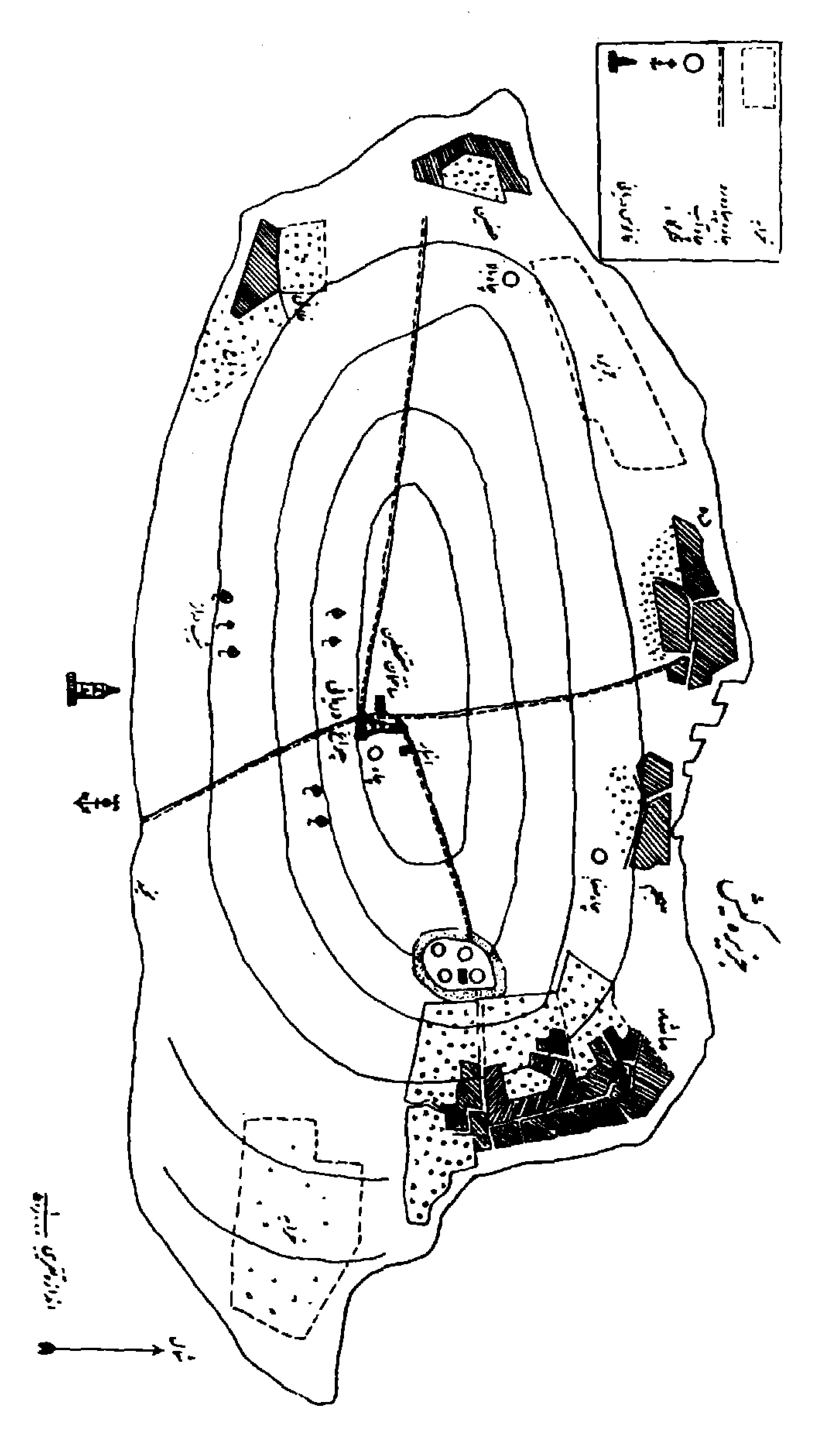
خلیج فارس و خلیج عرب (دریای سرخ) در نقشهٔ سرزمینهای عربی، استانبول، ۱۲۳۸ ه. ق



جزیرهٔ کیش مروارید خلیج فارس



نقشهٔ خلیج فارس از مؤسسه گیتاشناسی



نقشهٔ جزیرهٔ کیش، ۱۳٦۹ ه. ش

فصل اول

جایگاه جغرافیایی و طبیعی

۱ـ جایگاه جغرافیایی، اندازه و پهنه

جزیرهٔ کیش با پهنه‌ای حدود ۹۱ کیلومتر مربع، در ۱۷ کیلومتری کرانهٔ جنوبی ایران، در ۲۶ درجه و ۳۳ دقیقه و ۱۵ ثانیه پهنای شمالی و ۵۴ درجه و یک دقیقه و ۳۰ ثانیه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد.

این جزیره از سوی شمال به آبادیهای گِرزه و کلات، از شمال باختری به جزیرهٔ هندرابی، از جنوب خاوری به جزیره‌های فارور و سوری (سیری) و از جنوب به جزیره‌ها و کرانه‌های امارات عربی متحده محدود است.

درازای جزیرهٔ کیش را ۱۵ و پهنای آن را ۷ کیلومتر تخمین زده‌اند. بلندترین نقطهٔ آن، از سطح آب دریاها ۴۵ متر است. فاصلهٔ هوایی جزیره تا تهران ۱۰۵۲ کیلومتر است. فاصلهٔ دریایی کیش تا خرمشهر ۴۲۰، تا کویت ۳۹۰، تا خارگ ۲۹۰، تا بوشهر ۲۷۵، تا قطر ـ دوحه ۱۶۰، تا بوموسی ۷۰، تا لنگه ۶۵، تا شارجه ۱۰۵، تا قشم ۱۶۵، تا بندرعباس ۱۷۰، تا جاسک ۲۶۰،

تا چابهار ۴۲۰، تا عمان ـ مسقط ۳۷۰ مایل دریایی است.

جایگاه جزیره‌ای کیش با منظرهٔ طبیعی آن، چشم‌انداز ویژه‌ای بدان بخشیده، که در آن پیوندی از آمیزش رنگهای طبیعی دریا و خشکی و طبیعت را می‌توان دید. از این‌رو جزیرهٔ کیش به دلیل جایگاه جغرافیایی خود، از یک‌سو، و جایگاه جزیره‌ای‌اش از سوی دیگر، دارای توان بالقوهٔ طبیعی باارزش برای کوشش در امر جهانگردی است.

۲ـ جایگاه ژئوپولیتیک، استراتژیک و نظامی

جزیرهٔ کیش به دلیل داشتن لنگرگاه نگهداری شده از بادها و توفانهای دریایی، برای پایگاه دریایی و کارهای نظامی مناسب است،[۱] زیرا در بخش میانی خلیج فارس افتاده و در سر راه کشتیهایی که رهسپار بندرهای بوشهر، امام خمینی، ماهشهر، خرمشهر، آبادان و بصره هستند، قرار دارد و از جایگاه ژئوپولیتیک و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است.

۳ـ توپوگرافی و شکل ناهمواریها

جزیرهٔ کیش از نظر پستی و بلندی، سرزمینی هموار است. بلندترین نقطهٔ آن، که در خاور جزیره می‌باشد، حدود ۴۵ متر از سطح آب دریا بلندی دارد. از این‌رو جهت کرانه‌ها با شیب ملایمی به دریا به پایان رسیده است.

سطح جزیره کیش دارای بریدگیهای کم‌ژرفایی می‌باشد که ناشی از فرسایش آبهای روان به هنگام بارانهای تند زمستانی است. از نظر مورفولوژی[۲] کرانه‌ای، می‌توان در جزیرهٔ کیش دو تیپ جدا از هم، یعنی کرانه‌های سنگی و صخره‌ای افتاده در باختر و شمال، و کرانه‌های هموار ماسه‌ای در جنوب و خاور جزیره را تشخیص داد. پیدایی این دو تیپ

کرانه‌ای، بیشتر ناشی از جریان موجهای دریایی و جهت جریان این موجها است.[۳]

٤ـ زمین‌شناسی

در نقشه‌های زمین‌شناسی شرکت ملی نفت ایران، جنس سنگهای تشکیل‌دهندهٔ آهکهای خارگ با سن پلیوسن پایانی گزارش شده، که در حقیقت برابر کنگلومرای بختیاری در نواحی جنوب ایران است. بستگی این کنگلومرا و آهکهای خارگ به صورت بین انگشتی بوده، که در بخش پایین با یک دگرشیبی مشخص می‌شود، که زیر اثر چین‌خوردگیها و بالاآمدگی زاگرس در فاز نهایی آلپ است.

بیرون‌زدگی و رخنمون نهشته‌های موجود در جزیرهٔ کیش، در حقیقت زیر پدیدهٔ گنبدهای نمکی انجام یافته است. به‌طور کلی گنبدهای نمکی در اثر دو عامل اختلاف وزن و نیروی تکتونیکی، نقش اصلی را ایفا کرده است.

گنبدهای نمکی در خلیج فارس، جزایر کوچکی را به‌وجود آورده که نهشته‌های دوران سوم را، بدون داشتن جهت ویژه‌ای بریده است، به‌طوری که در محلهای گوناگون، چون قله، پهلو و محور طاقدیس‌ها و ناودیس‌ها دیده می‌شود. سطح‌های برخورد این گنبدها با نهشته‌های دوران سوم از نوع «دیاپیریک» بوده، از این‌رو می‌توان سن آنها را از ژوراسیک، پیشین‌تر دانست.

از نظر پالئوژئوگرافی یا جغرافیای دیرینه، پیش از حرکت نمک و ایجاد بالاآمدگی، نهشته‌های ریزدانه رسوب‌گذاری می‌شده است، که نمایندهٔ یک محیط ژرف است. با حرکت لایه‌ها به سوی بالا و کم شدن ژرفای دریا، محیط رسوب‌گذاری نیز دستخوش تغییر شده، و رسوبهای آهکی کم‌ضخامت همراه با بازمانده‌های دوکفه‌ای‌ها و مرجان‌ها، که نشانگر ته‌نشست‌های سدی در

ریف‌های (آهکهای مرجانی) کناره‌ای است، جایگزین می‌شود.

جنس رسوبهای اخیر، از آهک ماسه‌ای تا ماسه‌های آهکی فسیل‌دار متغیر است و به دلیل شکافهای بسیار، وزن مخصوص پایین، خاصیت جذب آب بالا و لایه‌بندی نازک، مصالح مناسبی برای استفاده در عملیات ساختمانی نمی‌باشد.[۴]

وجود لایه‌های نمکی در بین آهکهای مرجانی، سبب شوری آبهای زیرزمینی می‌شوند. در بخشهای مرکزی جزیره، برون‌زدگیهای سنگی که در حال از بین رفتن هستند، دیده می‌شود.

۵ـ زلزله

بر پایهٔ نقشهٔ خطر زمین لرزه در ایران (مهاجر ـ اشجعی ۱۳۶۴ هـ . ش) ضریب 0.15 g برای دورهٔ بازگشت ۵۰ ساله و ضریب 0.25 g برای دورهٔ بازگشت ۵۰۰ ساله پیشنهاد شده است. این ضریب‌ها به ترتیب برای تخمین اثر زلزله، مبنا (DBE) و شدیدترین حالت احتمالی (MPE) است.

نقشهٔ زلزله‌خیزی و گسلهای ایران (ورهرام ـ تقی‌زاده، ۱۹۸۲ م) بزرگی زلزله‌های گذشته را ۵/۵ ـ ۵ و یا ۶ ـ ۵/۵ ریشتر (فاصلهٔ تقریبی ۲۰ کیلومتر) گزارش داده است.

همین‌طور نقشهٔ اولیهٔ مرکزها و فاصله‌های کانونی زلزله‌ها (بربریان، ۱۹۷۳ م) بزرگی زلزله را در این منطقه بین ۵ و ۶ و بدون محاسبهٔ ژرفای کانونی ارائه کرده است.

به هر حال بایسته است، محاسبه‌های ساختمانها، بر پایه «آیین‌نامهٔ طرح ساختمانها در برابر زلزله ـ بهمن ۱۳۶۶ هـ . ش» که توسط مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن تهیه شده است، صورت گیرد.

در این آیین‌نامه، جزیرهٔ کیش در منطقه، با خطر نسبی بالا، توصیف گردیده است.[۵]

۶ـ خاک

در بخشی از خاکهای جزیرهٔ کیش، که در محل پروژهٔ اسکلهٔ دریا پای مورد بررسی مهندسان مشاور خدمات مکانیک خاک قرار گرفته است، به دو لایه، به شرح زیر برخورد شده است:

۶ـ۱ـ لایهٔ ۱

این لایه، ماسه به رنگهای قهوه‌ای روشن، خاکستری روشن و سفید است، که سیلت و رُس نیز در آن، دیده شده است. ذرات تشکیل‌دهندهٔ لایهٔ ماسه‌ای بیشتر از جنس ذرات خُرد شدهٔ صدفها و جانوران دریایی است.

هنگام عملیات حفاری به میان لایه‌هایی برخورد شده که جنس آن ۱۰۰ درصد صدف بوده است. لایه اوّل در کلیهٔ گمانه‌ها دیده شده و تا ژرفای حفاری شده وجود داشته است. تنها در یکی از گمانه‌ها در ژرفای ۱۹ متری به لایهٔ چسبنده برخورد شده است.

در محل اسکلهٔ دریا پای، برخلاف دیگر نقاط در جزیرهٔ کیش[۶] لایه‌های کورال و سیمانی شدهٔ ماسه‌ای به مراتب کمتر و در ژرفای پایین‌تر وجود دارد.

ضخامت لایهٔ کورال در بخشهای بالایی ۳۰ سانتی‌متر گزارش شده است. در جای دیگر، به میان لایهٔ رُسی از ژرفای ۹ الی ۱۱/۱۵ متری برخورد شده است. با توجه به آزمایش رخنهٔ استاندارد (SPT) زاویهٔ سایش درونی لایهٔ نخست در خشکی، برابر ۳۹ درجه به دست آمده است.

۶-۲-لایهٔ ۲

جنس این لایه، لای (سیلت) پلاستیک است. در سیستم طبقه‌بندی یونیفاید بیشتر MH / CH , MH نامگذاری می‌شود. رنگ آن، خاکستری مایل به سبز دیده شده است و از لحاظ سفتی، سخت گزارش شده است.[۷]

به‌طور کلی خاک جزیرهٔ کیش از یک گونه سنگ صخره‌ای شکننده (کوکینا) ترکیب شده است. این سنگ صخره‌ای در بخش مرکزی جزیره به صورت یک کلاهک افتاده و ترکیبهای آن، از یک گونه ترکیب شن و ماسه و صدفهای دریایی است، که بیشتر شکاف‌دار بوده و ضخامت این لایه صخره در مرکز جزیره در ۲۰ متری است، که این ژرفا در کنار دریا حدود ۳ الی ۴ متر می‌رسد.

لایهٔ زیرین این صخره از یک گونه رسوبهای رسی تشکیل شده است. در بعضی نقاط در محدودهٔ جزیره، یک پوستهٔ خاک به ضخامت حدود ۲۰ تا ۷۰ سانتی‌متر در روی لایه‌های صخره‌ای قرار دارد.

خاکهای جزیره کمی شور و قابلیت هدایت الکتریکی آن، بیشتر از ۲ و حتی کمتر از ۱ می‌باشد و اندازهٔ قلیایی آن، نسبتاً شور و بیشتر از ۸، است.[۸]

۷-آب و هوا

جزیرهٔ کیش جزو نواحی گرم و مرطوب است و اندازهٔ رطوبت هوای آن، به نسبت بالاست. میانگین بیشترین دمای سالانه ۲۶ تا ۳۰ درجهٔ سانتی‌گراد و میانگین کمترین دما ۲۱ درجهٔ سانتی‌گراد گزارش شده است. بیشترین درجهٔ حرارت ۴۹ و کمترین آن، در آذر، دی، و بهمن بین ۲ تا ۷ درجهٔ سانتی‌گراد است.

میانگین فشار هوای سالانه ۱۰۰۷ میلی‌بار و میانگین نم نسبی ۷۶ درصد

است، که در تابستان به ۸۲ درصد می‌رسد. میانگین بارندگی سالانه در این جزیره ۱۵۰/۷ میلی‌متر است، که ۸۲ درصد در زمستان، ۱۰ درصد در پاییز و ۸ درصد در تابستان و بهار ریزش می‌کند.

بادهای محلی جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از: باد شمال، باد سهیلی، باد نشی، بادهای نزدیک کرانه.

ساعتهای آفتابی جزیرهٔ کیش در سال، به ۳۱۸۳ تا ۳۲۰۰ ساعت می‌رسد. بیشترین ساعتهای آفتابی در ماههای گرم و کمترین آن، در ماههای سرد سال است.[۹]

۸ـ منابع آب

جزیرهٔ کیش از دیرباز به داشتن آب آشامیدنی شیرین سرشناس بوده است. یکی از علل تداوم زندگی در این جزیره، چاههای آب شیرین آن، بوده است، در حالی که بسیاری از جزیره‌ها، چون تُنب، فارورگان، و . . . به دلیل نداشتن آب شیرین، سبب نبود اسکان انسانها شده‌اند.

شیوه‌های سنّتی تأمین آب جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از: آبهای سطحی انبار شده در برکه‌ها، که بیشتر در گذشته معمول بوده است، و آبهای زیرزمینی، مانند: چشمه، کاریز، و چاه. در حال حاضر استفاده از برکه و کاریز به دلیل وجود دستگاههای آب شیرین‌کن، از میان رفته است. ولی آثار آنها نشان می‌دهد که ساکنان محلی و پیشین این جزیره در دوران شکوفایی اقتصادی، همهٔ تکنیک و شیوه‌های معمول زمان خود را برای نگهداری جایگاه و تداوم زندگی خود، برای تأمین آب، به‌کار بسته‌اند. در گذشته آب مورد نیاز دوبی و ابوظبی از جزیرهٔ کیش تأمین می‌شده است. به علاوه ۳۰۰ لنج غواصی، که در پیرامون جزیره به صید مروارید اشتغال داشته‌اند، آب مصرفی خود را از کیش

تهیه می‌کردند.

کندن کاریز در جزیرهٔ کیش، از ماهرانه‌ترین روشهای استفاده از آبهای زیرزمینی بوده است، زیرا با وجود نبودن شیب کافی در سطح جزیره، مردم آن، توانسته‌اند از این راه نیز به انبارهای آب زیرزمینی دست یابند.

کاریزهایی در جزیرهٔ کیش وجود دارد که جز چهار رشتهٔ اصلی، بقیه از بهم پیوستن ۴ ـ ۵ چاه به‌وجود آمده‌اند. درازای کاریزهای اصلی ۱۰۰۰ تا ۲۳۰۰ متر می‌رسد. همهٔ کاریزهای این جزیره در حال حاضر غیرقابل استفاده و بدون آب هستند.

در گذشته در آبادی قلایی، که در باختر جزیره افتاده بوده، کاریزی وجود داشته، که دارای آب شیرین و جاری بوده و به مصرف آبیاری می‌رسیده است، ولی این کاریز در ۱۳۲۰ هـ . ش، هنگام بازدید تیمسار علی رزم‌آرا از جزیرهٔ کیش، خشک بوده است.

در سالهای اخیر ۵ دستگاه آب شیرین‌کن، هریک به ظرفیت ۱۴۰۰ متر مکعب در شبانه‌روز در جزیره نصب شده‌اند. این دستگاهها از نوع MED یا چند اثری بوده، و به روش تبخیر عمل می‌کنند.[۱۰]

۹ـ پوشش گیاهی و زندگی جانوری

۹ـ۱ـ پوشش گیاهی

پوشش گیاهی جزیرهٔ کیش از گونهٔ درختی و بوته‌ای است. درختان جزیره، عبارت‌اند از: کُنار، لور یا انجیر معابد، خرما، کهور، سُمر، چریش، گز، گل ابریشم، کرت، و . . . در سالهای اخیر گونه‌های اهلی، مانند: انار، لیمو و انگور نیز در جزیرهٔ کیش به عمل آورده‌اند.

گیاهان جزیره هالوفیتی می‌باشند که با شوری سازگارند و رویش خوبی

دارند. تا کنون ۳۹ خانواده، ۸۹ جنس، و ۱۰۴ گونهٔ گیاهی در جزیرهٔ کیش شناسایی و گردآوری شده است.

۹-۲- زندگی جانوری

در آبهای پیرامون جزیرهٔ کیش ماهیان خوراکی و غیر خوراکی بسیاری به سر می‌برند، که عبارت‌اند از: قباد، راشکو، حلوا سفید (زبیدی)، شوریده، حلوا سیاه، شهری، شانک، هاوور (هوور)، کوشک، سرخو، میش ماهی، هامور، سنگسر، سُبیتی، خارو، دختر ناخدا، گوازیم، گیش، مومغ، اره ماهی، بمبک، لقمه، اسب ماهی.

جزیرهٔ کیش دارای گونه‌های بسیار ماهی تزیینی (اکواریم) است، که برخی نمونه‌های آن، مانند امپراتور در جهان کمیاب‌اند.

خزندگان جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از: مار قیطانی، مار جعفری، سوسمار، مارمولک، لاک‌پشت عقابی، لاک‌پشت سبز، لاک‌پشت سرخ و لاک‌پشت چرمی.

برخی از گونه‌های پرندهٔ جزیره، عبارت‌اند از: اگرت کرانه‌ای، حواصیل خاکستری، حواصیل سبز، باکلان گلو سیاه، باکلان نوک سرخ دریایی، کبوتر دریایی کوچک، عقاب ماهیگیر، بحری، هوبره، صدف خور، سلیم خاکستری، خرچنگ خور، امپلیک، اسکوای قطبی، کاکایی، پرستوی دریایی، کبوتر چاهی، قمری، بلبل خرما، چک‌چک، پره سر زیتونی، سُهرهٔ خاکی، و . . .

پستانداران جزیره از گونه‌ها و راسته‌های گوناگون تشکیل می‌شود. بعضی از این جانوران، عبارت‌اند از: موش سیاه، موش خانگی، جربیل، خرگوش وحشی، راسو، آهو، خارپشت، خفاش میوه‌خوار، و . . .

پی‌نوشتهای فصل اول

۱ـ رزم‌آرا، علی. جغرافیای نظامی ایران ـ جزایر ایران در خلیج فارس، ص ۳۹ ـ ۴۰

۲ـ ریخت‌شناسی

۳ـ رهنمایی، محمدتقی. جزیرهٔ کیش، مجموعهٔ مقالات سمینار جغرافیایی، شمارهٔ ۳، ص ۲۸۴

۴ـ مهندسین مشاور خدمات مهندسی مکانیک خاک و مطالعات زمین‌شناسی، زلزله، ژئوتکنیک . . . جزیرهٔ کیش، ص ۷ ـ ۸

۵ـ همان کتاب، ص ۸ ـ ۹

۶ـ محل بندرگاه اصلی، اسکلهٔ تفریحی، محل نیروگاه گازی در کنار آب شیرین‌کن.

۷ـ مهندسان مشاور خدمات مهندسی مکانیک . . . همان کتاب، ص ۹ ـ ۱۰

۸ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ کیش و دریای پارس، ص ۶۰ ـ ۶۱

۹ـ همان کتاب، ص ۶۴ ـ ۶۹

۱۰ـ همان کتاب، ص ۷۸ و ۸۴

فصل دوم

پیشینهٔ تاریخی، نام و آثار باستانی

۱ـ نام جزیرهٔ کیش

این جزیره از روزگاران کهن تا امروز، به نامهای: کیش، کاتنا یا کاتیا یا کاتائا، کامتینا، کیان، گیان، اریان، اوآراکتا، قیس، قیس ملکان، دولت‌خانه، سیراف، قیش، گیس، کیس، kis کیس، kais کیس، کِسشون، فین، قیس کبیره، هرموز و کیژ، سرشناس بوده است.

نامهای بسیاری که تا امروز بر جزیرهٔ کیش نهاده شده است، بازگوکنندهٔ جایگاه استراتژیک و ژئوپولیتیک این جزیرهٔ ایرانی است. در زیر به بررسی این نامها، می‌پردازیم:

۱ـ۱ـ کیش

کیش، نامی باستانی و کهن است، زیرا شهری به همین نام در خاور بابل وجود داشته و در ۴۵۰۰ پ.م، خاندانی نیرومند در آن‌جا فرمانروایی می‌کرد.

ظاهراً هیچ‌گونه پیوندی بین شهر سومری کیش در بین‌النهرین میانی و جزیرهٔ کیش وجود ندارد، ولی با توجه به نامگذاری کیش بر یکی از جزیره‌های کهن و سرشناس دریای پارس و همانندی آن، با نام شهر باستانی بین‌النهرین، می‌توان گفت که این همنامی بی‌ارتباط نبوده و به نظر می‌آید، که در دورانی کهن به دلیل کوچ مردمانی از ساکنان نخستین یا بعدی شهر باستانی کیش از بین‌النهرین به خلیج فارس، نام این شهر بر جزیره‌ای که امروز کیش خوانده می‌شود، نهاده شده است.[1]

جورج کامرون، در کتاب ایران در سپیده‌دم تاریخ، ضمن شرح فرمانروایان شهر کیش، می‌نویسد:

«گویند که مِسکِنگاشِر، پایه‌گذار دودمان (شاهان کیش)، تازه به دریا فرود آمد و از کوه بالا رفت که شاید به خلیج فارس و بلندیهای عیلام، اشاره داشته باشد».[2]

بعکس مهاجرت مردمانی از جزیرهٔ کیش در خلیج فارس، به شهری در بین‌النهرین و نامگذاری آن شهر به نام کیش نیز امکان دارد.

بروسوس، تاریخ‌نگار بابلی که در حدود ۲۵۰ پ.م، کتاب خود را نوشته است، از نژادی از مردم غول‌پیکر در کیش و بین‌النهرین نام برده که در زیر فرمان شخصی به نام اوآنس بوده‌اند، که از خلیج فارس درآمده و با خود، هنر کشاورزی، فلزکاری و نوشتن را همراه آورده است.[3]

پیش از این که هخامنشیان به خلیج فارس دست یابند، این منطقه زیر فرمانروایی عیلامیان بود. ویرانه‌های شهر عیلامی لیان (ریشهر کنونی) در جنوب شهر بوشهر، یادآور چیرگی عیلامیان بر دریای پارس از هزارهٔ ۳ پ.م، به بعد است. هیئت باستان‌شناسی فرانسوی به سرپرستی پزارد، آجر نبشتهٔ عیلامی هزارهٔ ۳ پ.م، از دوران پادشاهی «شوتروک ناخونته» را پیدا کرده است.

از آن‌جا که خلیج فارس در مسیر راه دریایی شوش و کشور عیلام به شبه قارهٔ هند است، پادشاهان عیلام، ساختمان دژ و بناهای مناسبی را، در بندرها و جزیره‌های آن، لازم تشخیص داده بودند.[۴]

نامهای کیش، خارگ، لنگه، چارک، جاسک، لارک و کِشم (قشم) از روزگار عیلامیان به‌جا مانده است.[۵]

۱ـ۲ـ کیان

بعضی از نویسندگان، نام پیشین کیش را کیان نوشته‌اند. تیمسار حسینعلی رزم‌آرا نوشته است:

«نام قدیم کیش، کیان بوده و دارای سوابق تاریخی مفصلی است. این جزیره مرکز ارتباطات بازرگانی بین هندوستان ـ ایران و بین‌النهرین و بزرگترین مرکز بازرگانی خلیج فارس بوده است».[۶]

رزم‌آرا در جای دیگر، می‌نویسد:

«افسانه‌ای گوید: کیکاوس هنگامی که به فارس رفت، تختش در سیراف فرود آمد، از این‌رو احتمال دارد نام کیان، از نام سلسلهٔ کیانیان گرفته شده باشد».[۷]

۱ـ۳ـ گیان

اقبال یغمایی، نویسندهٔ کتاب خلیج فارس (۱۳۵۲ هـ. ش) ضمن گفتاری دربارهٔ جزیرهٔ کیش، می‌گوید:

«کیش، که در زمان باستان آن را گیان می‌گفتند، به سبب موقع خوب آن، دیرزمان بر سر راه و لنگرگاه کشتیهای هند و غرب بوده و اعتبار تمام داشته است».[۸]

۱-٤-کامتینا

آریان، تاریخ‌نگار یونانی از جزیرهٔ کیش به نام «کامتینا» یاد کرده و بر این باور بود، که در روزگار اسکندر مقدونی، هنگامی که نیارخوس در خلیج فارس به سیر و سفر پرداخت، این جزیره ویژهٔ الهه‌های ونوس و مرکوری بوده است.[۹]

۱-۵-اوآراکتا

این جزیره به نام اوآراکتا نیز خوانده می‌شده است. اعتمادالسلطنه ضمن شرح سفر نیارخوس به خلیج فارس، می‌نویسد:

«از جزیرهٔ هرموز گذشته به جزیرهٔ آبادی موسوم به اوآراکتا که جزیرهٔ کیش باشد رسیدند. در این جزیره تاکستان و نخلستان، و . . . بود. گویند در این جزیره قبر یکی از سلاطین بزرگ است موسوم به اریتره، که از سلاطین ایران بوده...».[۱۰]

چنین به نظر می‌رسد که نیارخوس از هرموز به جزیرهٔ کِشم رفته است و بایستی اوآراکتا یا آراراکتا، نام جزیرهٔ کِشم آن روزگار و جزیرهٔ قشم امروزی باشد.

۱-۶-کاتئا

در روزگار باستان جزیرهٔ کیش را، کائتا یا کاتیا یا کاتائا می‌نامیدند. اعتمادالسلطنه در کتاب تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، نوشته است:

«کاتئا، اسم جزیرهٔ کیش است در خلیج فارس».

دکتر احمد مستوفی، می‌نویسد:

«در کرانه‌های شمالی، نئارخ جزیرهٔ کیش را دیده و به انتظار نعمتی فراوان وارد آن شده . . . آرین، کیش را kataia *ضبط کرده است».*[۱۱]

۱ـ ۷ـ اریان

بعضی از پژوهشگران، از جمله ابوالحسن دهقان، از جزیرهٔ کیش در روزگار مقدونیان به نام «اریان» یاد کرده‌اند:

«جزیرهٔ کیش در زمان سیاحت نیارکوس، آباد بوده و او این جزیره را اریان نامیده است».[۱۲]

۱ـ ۸ـ قیس

تاریخ‌نگاران عرب از جزیرهٔ کیش به نام قیس یاد کرده‌اند. ابن‌بلخی در فارس‌نامه، نوشته است:

«عثمان‌بن ابی‌العاص ثقفی، برادرش حکم‌بن ابی‌العاص را با لشکر از عبد قیس، ازد، تمیم، بنی ناجیه و غیر ایشان بفرستاد و جزایر بنی‌کاوان بستدند و اصل این جزایر، جزیرهٔ قیس بود و آن را جزیره قیس نگفتندی، اما چون عرب آن را بستدند، بنی‌عبد قیس نام نهادند».[۱۳]

منظور ابن‌بلخی از قیس، همان جزیرهٔ قشم است، ولی سرویلیام اوزلی دربارهٔ نامگذاری قیس بر این جزیره، بر پایهٔ یک افسانه، آن را به پسر بیوهٔ تنگدستی به نام قیس نسبت داده است.[۱۴]

میرزاحسن حسینی فسایی، نویسندهٔ کتاب فارس‌نامهٔ ناصری، می‌نویسد:

«این جزیره را در قدیم کیش می‌گفتند . . . و چون پسران قیصر،

ناخدای سیرافی، جزیره را آباد کردند، جزیرهٔ کیش را به مناسبت قیس، پسر بزرگ قیصر، جزیرهٔ قیس گفتند».[۱۵]

در نامگذاری کیش، افسانه‌هایی در آثار تاریخی و جغرافیایی، چون تاریخ وصاف، تنسوخ‌نامه، عرایس‌الجواهر، و . . . آمده است، ولی نام این جزیره در همهٔ متون فارسی و برخی عربی،کیش یاد شده و واژهٔ قیس، شکل عربی کیش است. بنابراین، قیس نام شخص نیست، بعضی‌ها خواسته‌اند پدری برای قیس بسازند و آن را «قیس‌بن عماره» نوشته‌اند، که این نامگذاری درست نیست.[۱۶]

۱ـ ۹ـ قیس ملکان

از جزیرهٔ کیش، روزگاری به نام قیس ملکان یاد شده است. رضاقلی‌خان هدایت، نگارندهٔ کتاب تاریخ روضة‌الصفای ناصری، ضمن اشاره به جزیره‌های خلیج فارس، از این جزیره به نام قیس ملکان نام برده است.[۱۷]

۱ـ ۱۰ـ دولت‌خانه

این جزیره در زمان حکمرانی اتابکان فارس بر خلیج فارس، دولت‌خانه خوانده می‌شد. اتابک ابوبکر سعد زنگی، سپاهی از کُرد، لُر و شول به سرداری صلاح‌الدین محمود لُر با کشتی به جنگ سیف‌الدین ابانصر علی‌بن کی‌قباد، حکمران جزیرهٔ کیش فرستاد. سیف‌الدین در این نبرد کشته شد و در چهارم محرم ۶۲۸ هـ. ق، جزیرهٔ کیش به دست سپاه اتابک ابوبکر افتاد. این پیروزی بر توانمندی و مقام اتابک افزود و او کیش را «دولت‌خانه» نامید و این نام در دوران اتابکان فارس، نام رسمی جزیرهٔ کیش بود.[۱۸]

۱-۱۱- سیراف

ابن‌بطوطه از جزیره کیش به نام سیراف نیز یاد کرده است:

«از خنج‌بال به جزیرهٔ قیس (کیش) رفتیم که سیراف نامیده می‌شود. این جزیره در ساحل بحر هند که متصل به دریای یمن و فارس می‌باشد، قرار گرفته و جزو کشور فارس شمرده می‌شود».[۱۹]

ابن‌بطوطه به غلط نام سیراف را به کیش داده است، زیرا شهر پیشین سیراف، بندری در کرانهٔ دریای فارس بوده و جزیرهٔ کیش یکی از جزیره‌های درون خلیج فارس است، و چون ساکنان کیش را مردمان و بزرگان فارس، به‌ویژه بزرگان سیرافی تشکیل می‌داده‌اند و بنا به گفته‌ای این جزیره را سیرافی‌ها آباد کرده بودند، از این‌رو ممکن است خود سیرافی‌های ساکن جزیرهٔ کیش، این نام را برای این جزیره از نام بندر سیراف، زادگاه خود گرفته و انتخاب کرده باشند.[۲۰]

۱-۱۲- قیش

از جزیرهٔ کیش به نام قیش نیز یاد شده است. حمدالله مستوفی در نزهةالقلوب از کیش به نام قیش، یاد کرده است:

«ولایات بصره و خوزستان و فارس و شبانکاره و کرمان، و ... را میل به جانب غرب باید کرد تا روی به قبله درست آید و مکران و هرموز و قیش و بحرین را روی به مغرب مطلق باید کرد».[۲۱]

۱-۱۳-گیس

نورزادهٔ بوشهری در کتاب نظری به ایران و خلیج فارس، از این جزیره و شهر کیش به نام گیس، یاد کرده است.[۲۲]

۱-۱۴-کیس kis

در گذشته این جزیره را کیس می‌خواندند. برابر شرحی که توران شاه، سلطان هرموز (در گذشته ۷۸۰ هـ. ق) نوشته است، به این جزیره کیس نیز می‌گفتند.

> «*سلطان کسیراس (شیراز) فوراً قوایش را آماده ساخت و به سوی جزیرهٔ کیس پیش رفت . . .*».[۲۳]

یاقوت حموی در برگزیدهٔ مشترک خود، از جزیرهٔ کیش به نام کیس یاد کرده است:

> «*جزیرهٔ کیس (به سین بی‌نقطه) در وسط دریاست میان عمان و فارس، جزیره‌ای است خوش منظر، پر از بستانها و نخلها*...».[۲۴]

۱-۱۵-کَیس kais

از میانهٔ سدهٔ ۶ هـ. ق، به بعد، جزیرهٔ کیش، مانند دیگر نواحی خلیج فارس در مسیر مسافرتهای کنجکاوانهٔ سیاحان اروپایی قرار گرفت. نخستین مسافر اروپایی، بنیامین‌بن جناح، خاخام یهودی ساکن شهر تودلا در اسپانیاست. که در عین حال به تجارت اشتغال داشته است. وی سفر خود را به خاور، در ۱۱۶۴ م، آغاز کرده و این سفر تا ۱۱۷۳ م، به درازا کشیده است.

بنیامین پس از بازگشت به اسپانیا به هنگام سفر دریایی از بصره به عدن از

کیش عبور کرد. وی در سفرنامهٔ خود، از خلیج فارس به نام خلیج کیش و از جزیرهٔ کیش به نام کیس kais، یاد کرده است:

«کَیس، جزیره‌ای بود در میان خلیج کیش که اهالی آن، به کشاورزی اشتغال نداشتند، زیرا در آن‌جا رودخانه‌ای وجود نداشت و فقط یک چشمهٔ آب موجود بود».[۲۵]

۱-۱۶-کِسشون

سه سده پس از بنیامین، جهانگرد دیگر اروپایی به نام هانس شیلت برگر از اهالی باویر آلمان، جزیرهٔ کیش را دید و در یادداشتهای خود، از آن یاد کرد. وی در کتابی که دربارهٔ کیش و دیگر جزیره‌های خلیج فارس جُستارهایی بیان داشته است، از جزیرهٔ کیش به نام «کسشون»، یاد کرده است:

«هرگموز (هرموز) درکنار دریای پارس در محلی واقع بود که از آن‌جا به هندوستان بزرگ سفر می‌کنند و کسشون (کیش) نزدیک دریای پارس آن‌جا که مروارید می‌روید، قرار دارد».[۲۶]

۱-۱۷-فین

حاج‌میرزا حسن حسینی فسایی، در فارس‌نامهٔ ناصری، از جزیرهٔ کیش به نام فین یاد کرده است.[۲۷]

۱-۱۸-قیس کبیره

بعضی‌ها جزیرهٔ کیش را به نام جزیرهٔ قیس کبیره نیز خوانده‌اند. محمدعلی خان سدیدالسلطنهٔ کبابی در سفرنامهٔ خود، از جزیرهٔ لاوان (شیخ شعیب) به نام جزیرهٔ لار یاد کرده و آن را بین سیراف و جزیرهٔ قیس کبیره (کیش) دانسته

است:

«در منزل فرامرزی، جلد هفتم کتاب معجم‌البلدان یاقوت حموی ملاحظه شد. کتاب مزبور طبع مصر بود، در سنهٔ ۱۳۲۴، صفحهٔ ۳۱۴، عبارت ذیل نگاشته شده است: جزیرهٔ اللار، آخره راء ـ جزیرة بین سیراف و قیس کبیره . . . مقصود جزیرهٔ شیخ شعیب (لاوان) است».[۲۸]

۱ـ ۱۹ـ هرموز

بعضی از نویسندگان از جزیرهٔ کیش به نام هرموز یاد کرده‌اند. محمدآبادی باویل، نویسندهٔ کتاب ضرائف و طرائف، به نقل از انجمن آرا، می‌نویسد:

«کیش، قیس: نام جزیره‌ای است در دریای پارس، جواهر و آلات فاخر و مروارید و قطعه و بالشهای زردوز از آن‌جا آرند و این جزیره را هرموز . . . خوانند».[۲۹]

نهادن نام هرموز بر جزیرهٔ کیش درست به نظر نمی‌رسد، شاید در روزگاری که ملوک هرموز با ملوک کیش جنگیدند و بر آن دست یافتند، نام زادگاه خود، یعنی هرمز را بر جزیرهٔ کیش نهاده باشند، چنان که قیس، پسر قیصر، ناخدای سیراف، پس از دست یافتن بر کیش، نام آن را به قیس تغییر داد.

۱ـ ۲۰ـ کیژ

از جزیرهٔ کیش به نام کیژ نیز یاد شده است. ناصرخسرو قبادیانی، که از جزیرهٔ کیش دیدن کرده است، این جزیره را «کیش» نامیده است.[۳۰]

۲ـ پیشینهٔ تاریخی

جزیرهٔ کیش از نظر تاریخی دارای اهمیت بوده، زیرا نه‌تنها پیش از اسلام مرکز بازرگانی ایران و دریای پارس به‌شمار می‌رفته، بلکه مرکز پیوند بازرگانی بین هندوستان، ایران، و بین‌النهرین بوده است.

در ۲۳ هـ . ق، جزیرهٔ کیش همراه دیگر شهرها و روستاهای کرانهٔ شمالی خلیج فارس به دست عربها افتاد.

با رخ دادن زلزلهٔ ۳۶۶ یا ۳۶۷ هـ . ق، در سیراف، این بندر از اهمیت و شکوفایی افتاد و بزرگان و بازرگانان سیراف به جزیرهٔ کیش کوچ کردند. آخرین کوچ آنها به کیش در ۴۴۸ هـ . ق، روی داد.

ابن‌بطوطه نبشته است، زمانی این جزیره (کیش) سیراف نیز نامیده می‌شده، که دلیل آن، رخنهٔ اعتبار بازرگانان و بزرگان سیراف است، که به آن‌جا آمده بودند.

ابن‌بلخی جزیرهٔ کیش را تابع کورهٔ اردشیر خُره دانسته و وصاف نیز حکمرانان این جزیره را که به بنی‌قیصر سرشناس بوده‌اند، از فرزندان یکی از ناخدایان سیرافی پنداشته که پس از ماجراهای بسیار، بر این جزیره دست یافتند. در کتابی به نام قرآن السعدین نوشته شده که در آغاز تشکیل حکومت در کیش، خاندان بنی‌قیصر، حکومت جزیرهٔ کیش را در دست داشتند.

به هر حال جزیرهٔ کیش سالها در دست خاندان بنی‌قیصر بود و کم‌کم به توانایی آنان افزوده شد. همواره در صدد بودند که بر بخشی از کرانه‌های خلیج فارس دست یابند، تا این که اتابک سنقر (۵۸۸ ـ ۵۴۳ هـ . ق) حکومت نواحی کرانه‌ای خلیج فارس را به آنان واگذار کرد.

با آغاز حکومت ملک‌سلطان‌ابن ملک قوام‌الدین‌ابن ملک تاج‌الدین‌ابن ملکشاه‌ابن ملک جمشید، فرمانروایی بنی‌قیصر رو به ناتوانی نهاد و اتابک

ابوبکر (۶۵۸ ـ ۶۲۳ ه. ق) با کمک سیف‌الدین ابانصر علی‌ابن کی‌قباد، حکمران جزیرهٔ هرمز، در ۶۲۶ ه. ق، به فرمانروایی بنی‌قیصر پایان داد.

در ۶۲۸ ه. ق، چون سیف‌الدین از تعهدات خود سر باز زد، اتابک ابوبکر با کمک صلاح‌الدین محمود لُر، بار دیگر به جزیرهٔ کیش حمله کرد. سیف‌الدین در این جنگ کشته شد و جزیرهٔ کیش به دست اتابک ابوبکر افتاد و نام دولت‌خانه به آن داد.[۳۱] از این زمان، جزیرهٔ کیش زیر نظر اتابکان فَارس اداره می‌شد.

در ۶۷۱ ه. ق، محمود، حاکم قلهات، جزیرهٔ کیش را گشود، ولی اتابک مظفرالدین ابوبکر با کمک سوغانجاق، بار دیگر بر آن دست یافت. در روزگار پادشاهی غازان‌خان، ملک اسلام جمال‌الدین در کیش فرمانروایی داشت. این جزیره از ۶۹۸ تا ۷۰۱ ه. ق، همه ساله هفتصد هزار دینار به ابراهیم‌ابن محمد طیبی، سرشناس به ملک اسلام جمال‌الدین، حکمران فارس واگذار شد.

حدود ۷۲۸ ه. ق، قطب‌الدین تهمتن (۷۴۷ ـ ۷۱۸ ه. ق) حکمران هرموز، جزیرهٔ کیش را گرفت و از این تاریخ، جزیرهٔ کیش تابع هرموز شد.

جزیرهٔ کیش در سده‌های ۵ ، ۶ و ۷ ه. ق، آباد، پرجمعیت، مرکز سیاسی، بازرگانی و کشتیرانی دریای پارس و بندرگاه کشتیهای چین، هند، بصره، بغداد، و . . . بوده است. در داستانها و سرودهای سدهٔ ۷ ه. ق، نام کیش بارها تکرار شده است.[۳۲] در یکی از سرودهای سعدی، آمده است:

یکی پیر درویش در خاک کیش
چه خوش گفت با همسر زشت خویش

بندر هرموز که از نظر بازرگانی جانشین جزیرهٔ کیش شده بود، حدود ۷۰۰ ه. ق، از اعتبار افتاد و مردم آن، به جزیرهٔ جرون مهاجرت کردند و آن‌جا را به یادگار وطن اصلی خود، هرموز نام نهادند.

جزیرهٔ هرموز از آغاز سدهٔ ۸ هـ. ق، مقام کیش و هرموز پیشین را در بازرگانی دریای پارس به دست آورد، این جایگاه را تا ۱۵۰۶ م / ۹۱۲ هـ. ق، دارا بود.

پرتغالی‌ها بیش از ۱۰۰ سال آمد و شد کشتیها را در دریای پارس پاسبانی می‌کردند. آثاری از آنان در جزیرهٔ کیش وجود دارد. با آغاز سدهٔ ۱۷ م، توانایی و فرمانروایی آنان رو به درماندگی نهاد، زیرا از یک‌سو صفویه در ایران بر سر کار آمد و از سوی دیگر پای انگلیسیها به آبهای دریای پارس باز شده بود.

در نوامبر ۱۶۱۶ م / ۱۰۲۶ هـ. ق، ادوارد کنوک از سوی شرکت هند خاوری، از بندر سورات هندوستان به بندر جاسک وارد، و در مارس ۱۶۱۷ م، به دربار صفوی رسید، شاه‌عباس، او را به گرمی پذیرفت و به وی اجازه داد در اصفهان و شیراز تجارتخانه‌ای باز کند.

تلاشهای کمپانی هند خاوری، انگلستان را در برابر پرتغالیها قرار داد. در ۱۶۰۲ م / ۱۰۱۱ هـ. ق، بحرین و ۱۳ سال بعد، بندرعباس و در ۱۶۱۹ م / ۱۰۲۹ هـ. ق، رأس‌الخیمه توسط ایرانیان از دست پرتغالیها خارج شد.[۳۳]

در ۱۶۲۱ م / ۱۰۳۱ هـ. ق، حکومت ایران به جزیرهٔ قشم حمله کرد و آن‌جا را از دست اشغالگران پرتغالی و اسپانیایی درآورد. در نهم فوریهٔ ۱۶۲۲ م، سپاه ایران به کمک چهار فروند ناو انگلیسی بر کرانه هرموز گام نهاد و سرانجام در ۲۱ آوریل ۱۶۲۲ م، هرموز و سپس جزیره کیش را به دست آوردند.[۳۴]

جزیرهٔ کیش در روزگار ناصرالدین‌شاه قاجار به پاداش ساختمان قلعهٔ تبر فارس، به تیول به علی‌خان قوام‌الملک شیرازی واگذار شد. وی بعدها آن را به محمدرضاخان بندرعباسی (سطوت‌الملک) فرمانفرمای لنگه دو هزار روپیه فروخت.[۳۵]

در ۱۳۱۹ هـ. ش، یک دستگاه فانوس دریایی و هوایی در بلندترین نقطهٔ جزیرهٔ کیش بود، که با این فانوس و فانوس دیگری که در کرانهٔ بوشهر نصب گردیده بود، کشتیها و هواپیماهایی که در خلیج فارس تردد داشتند، راهنمایی می‌شدند.[۳۶]

در ۱۳۲۰ هـ. ش، پادگانهایی در جزیره‌های هنگام، قشم و کیش ایجاد و نیروی دریایی در آنها مستقر شده بودند.[۳۷]

پس از جنگ جهانی اول، عمران و آبادی در جزیره‌های خلیج فارس کاهش یافت و جزیرهٔ کیش که از مراکز بازرگانی و کشتیرانی در دورانهای گذشته بود، به خرابه‌ای تبدیل گشت. رشد جمعیت آن نیز متوقف شد و کشتیهای بخاری در کرانه‌های آن، لنگر نمی‌انداختند.

در ۱۳۴۰ هـ. ش، در روزگار نخست‌وزیری دکتر منوچهر اقبال، جزیرهٔ کیش به مبلغ نه میلیون ریال از بازماندگان محمد رضاخان سطوت‌الممالک بستکی خریداری شد و مقرر گردید که جزیره را با ایجاد ساختمان و تأسیسات جهانگردی، برای بازدید ایرانگردان و جهانگردان آماده سازند.

طرح بزرگ منطقهٔ توریستی جزیرهٔ کیش با الگو قرار دادن جزیره‌های هاوایی و کرانه‌های جنوبی دریای مدیترانه، با هزینهٔ زیادی آغاز و پس از اجرای فاز ۱ و نیمی از فاز ۲، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هـ. ش، ناتمام ماند.

جهانگردان و کارکنان بیگانه، چند هفته پیش از انقلاب اسلامی، جزیره را ترک گفتند و محمود منصف، سرپرست جزیره توانست در آخرین لحظه‌ها با هواپیمای خصوصی از ایران بگریزد. او نخست به ابوظبی و سپس به انگلستان پناه برد.

در ۱۸ اسفند ۱۳۵۸ هـ. ش، شورای انقلاب اسلامی ایران، با تصویب

لایحهٔ قانونی معافیت از حقوق و عوارض گمرکی در جزیرهٔ کیش، عملاً سرفصل تازه‌ای در جهت آغاز تلاشهای بازرگانی و شکوفایی منطقهٔ محروم جنوب کشور گشود. اما مشکلات سالهای نخستین پس از انقلاب اسلامی، موجب شدند که این لایحهٔ قانونی تا سالها به اجرا درنیاید.

بر پایهٔ مصوبهٔ ۷۰۳۸۶ ـ ۱۰ آذر ۱۳۶۱ هـ. ش، هیئت وزیران، به سازمان عمران کیش اجازه داده شد تا در زمینه‌های سیاحتی، بهره‌برداری از آبزیان پیرامون جزیره و صنایع دستی و نیز امور صید صنعتی به فعالیت بپردازد و با وجود تعیین خط‌مشی اجرایی و صدور مجوز لازم، سازمان به سبب محدودیتهای اجرایی، در انجام گامهای‌اساسی ناتوان ماند.

با تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی قانون قبلی شورای انقلاب، در ۱۱ تیر ۱۳۶۵ هـ. ش، توسط هیئت وزیران و اعطای اختیارات لازم به سازمان عمران کیش، وضعیت جزیره دگرگون گشت. سازمان عمران کیش شروع به بهبود تشکیلات خود و راه‌اندازی تأسیسات، بهره‌گیری از امکانها و نگاهداری از آنها کرد.

بر پایهٔ مصوبهٔ ۳۵۵۴۸ / ت ۳۴۱ ـ ۲۰ تیر ۱۳۶۸ هـ. ش، هیئت وزیران در خصوص ورود و خروج کالا و نیز صادرات مجدد و تولید برای صادرات، جزیرهٔ کیش را به عنوان منطقهٔ کاملاً آزاد تجاری ـ صنعتی تثبیت و اعلام کردند. از این زمان به بعد، جزیرهٔ کیش رو به عمران و آبادی نهاد.[۳۸]

در سالهای اخیر گامهای بسیار بلندی در راه بازسازی و نوسازی مجموعهٔ سیاحتی ـ تفریحی جزیره برداشته شده است. کاخ‌ها و بناهای متروکِ در حال ویرانی، بازسازی شده‌اند. مهمانسراها، ویلاها، بازارها، مراکز تفریحی، بیمارستان، دانشگاه و تالار ساخته شده و با ایجاد تأسیسات زیربنایی توزیع آب شیرین، برق، مخابرات و خدمات گستردهٔ حمل‌ونقل زمینی، هوایی،

دریایی، جزیرهٔ کیش با سرعت زیاد به سوی دوران شکوه گذشتهٔ دور خود، گام برمی‌دارد.[۳۹]

۳ـ آثار باستانی

۳ـ۱ـ شهر پیشین کیش

یاقوت حمومی، نویسندهٔ معجم‌البُلدان، از شهر کیش به خوبی یاد کرده است:

«شهری که در جزیرهٔ کیش ساخته شده بسیار زیبا و اطراف آن را عمارات عالی و باغهای دلگشا احاطه کرده است وکشتیهایی که بین هندوستان و خلیج فارس رفت‌وآمد می‌کنند، در آن‌جا توقف می‌نمایند. چند آب انبار بزرگ برای ذخیره کردن آب باران و پنج بازار معمور در آن‌جا معمور است».

زکریا قزوینی، نویسندهٔ کتاب آثار البلاد و اخبارالعباد، درباره شهر کیش، می‌نویسد:

«مرکز جزیره شهری است با ساختمانهای تازه و بسیار خوش‌منظر و زیبا، باروی مستحکم دارد. باغات میوهٔ زیاد در پیرامون شهر هست».[۴۱]

اسماعیل نورزادهٔ بوشهری، در کتاب نظری به ایران و خلیج فارس، که خرابه‌های شهر پیشین کیش را دیده است، می‌نویسد:

«شهر قدیم گیس در سمت شمالی این جزیره واقع شده و تپه‌های زیادی از آثارخانه‌های آن و ستونهای سنگی در اطراف آنها اکنون باقی مانده است و حکمران این جزیره بر سواحل عمان و خلیج فارس فرمانروایی داشته و تا اواخر سدهٔ ۸ هـ. ق، جزیرهٔ کیش شهرتی زیاد دارا بوده، بعدها این جزیره رو به ویرانی گذارده و جزیرهٔ هرموز رو به ترقی و آبادی نهاد».[۴۲]

بازماندهٔ شهر پیشین کیش در میانهٔ کرانهٔ شمالی جزیره در همان محلی که تاریخ‌نگاران بدان اشاره کرده‌اند، قرار دارد. آثار این شهر در حال حاضر به صورت پشته‌های بزرگی از بناهای سنگی با ملاط ساروج و گچ دیده می‌شود، پهنهٔ آثار شهر ۳ کیلومتر در یک کیلومتر تخمین زده می‌شود.

بناها از قلوه‌سنگهای شنی ساخته شده و روی بعضی از دیوارها پوشش گچی دیده می‌شود. بلندی برخی از ساختمانها به بیش از ۶ متر می‌رسد که دلیل بر وجود پایه‌های بسیار است. با توجه به ابزارها و شیوهٔ معماری بنا، گمان می‌رود این آثار از اواخر دوران ساسانی و اوایل دوران اسلامی باشد.

خرابه‌های این شهر یادآور بزرگی و اقتصاد شکوفایی جزیرهٔ کیش در دوران شکوفایی آن می‌باشد، که در اثر زلزله ویران شده است. هنوز امکان بازسازی برخی از آثار تاریخی در کنار لنگرگاه شهر وجود دارد.

سعدی از جزیرهٔ کیش و از شهر پیشین آن، دیدن کرده و از بزرگی آن روز جزیره، یاد نموده است. وی در جوانی و همزمان با حکومت سعدبن زنگی، سفر سی سالهٔ خود را آغاز کرد و به بغداد رفت و در مدرسهٔ نظامیهٔ آن، دانش اندوخت و سپس به درس دادن پرداخت.

پس از این سفر دراز و به دست آوردن تجربه، با کوله‌باری از اندوخته‌های علمی، در روزگار پادشاهی پُر از امنیت و آسایش اتابک ابوبکر و ولیعهدش سعدبن ابوبکر به شیراز بازگشت. در این زمان سرزمین پارس را غم از آسیب دهر، نبود و در پناه این امنیت و آرامش بود، که

سعدی آنک به قدم رفت و به سر باز آمد
مفتی ملّت اصحاب نظر بازآمد

و در این هنگام بود، که خونریزیها و سختگیریهای خان مغول پایان یافته بود و در دوران درخشان اتابک ابوبکر، کشور آسوده و در امان بود.

چو باز آمدم کشور آسوده دیدم
پلنگان رها کرده خوی پلنگی

چــنین بــود در عــهد اول کــه دیـدم
جهانی پرآشوب و تشویش و رنگی
چنین شـد در ایـام سـلطان عـادل
اتــابک ابــوبکر ســعدبن زنگــی

سعدی در این سفر از کیش هم بازدید کرده است، اما بایستی این دیدار هنگام بازگشت او بوده باشد، زیرا بازگشتش همزمان با توانمند شدن ابوبکر سعدبن زنگی بوده است. چنان که گفته شد، ابوبکر در پنجمین سال حکومت خود، بندرها و جزیره‌ها و کرانه‌های خلیج‌فارس را جزو قلمرو خویش کرد.

سعدی ضمن دیدن جزیرهٔ کیش، با یکی از بازرگانان شهر پیشین کـیش دیداری داشته است. از آن‌جا که این بازرگان فرد مال‌دوست و پول‌پرستی بود، در پاسخ بازرگان، که از وی درخواست کرد سخنی گوید، چنین سرود:

آن شنیدستی که در اقصای غور
بار سـالاری بـیافتاد از ستور
گفت چشم تنگ دنیادوست را
یا قناعت پر کند یا خاک گور

۳ـ۲ـ بندرگاه حریره

نزدیک کرانه، آثار باستانی بزرگ بندرگاه شهر حریره بـه هـمان صـورت نخستین دیده می‌شود، که با چندین راهرو و دهانه و پلکان سنگی به دریا راه دارد. این بنا دارای پشتیبانهای نیم دایرهٔ بیرونی است.

امکان بازسازی این بندرگاه وجود دارد، زیـرا لنگـرگاه شـهر حـریره بـه صورت پیشین با کانالهای ورودی و خروجی جداگانه، هنوز شکل نخستین خود را نگاهداشته‌اند. اما به دلیل استفاده از سنگهای آهکـی و مـرجـانی در ساختمان آن، به دلیل فرسایش شدید فیزیکی و شیمیایی، تا اندازهٔ زیادی از بین رفته است.

۳ ـ ۳ ـ کاخ حریره

کنار ساختمان بندرگاه، بنای دیگری وجود دارد، که مردم محل به آن، قصر حریره گویند. وصاف نیز از این قصر یاد کرده است:

«قصر ایوان ملک جمشید در جزیرهٔ کیش با دوری راه از نابند پدیدار است و به شیوهٔ ایوان نابند ساخته شده . . .».

و نیز اشاره می‌کند:

«بنی‌قیصر بنایی رفیع بساختند و آن را آفریدو نامیدند».

۳ ـ ٤ ـ آب‌انبارهای پیشین

شماری آب‌انبار بزرگ مستطیل شکل، که همانند آنها در بندر سیراف است، با دیوارهای سنگی که با ملاط ساروج ساخته شده‌اند، وجود دارند. این آب انبارها در آخر آبگیرهای طبیعی در ژرفای زمین با ابزارهای محکم ساخته شده‌اند، که می‌توانستند برای زمان زیادی آبهای روان را انبار کنند. بازسازی ساختمان آب‌انبارهای پیشین جزیرهٔ کیش و نگهداری ساختمان نخستین آنها به عنوان یک یادمان تاریخی، دارای ارزش بسیار است.

۳ ـ ۵ ـ مسجد

بازماندهٔ یک مسجد پیشین نیز در شهر کیش دیده می‌شود. ستونهای سنگی آن، شکسته شده و دیوارهای آن، در پیرامون پراکنده‌اند.

۳ ـ ۶ ـ سفال

در سراسر محوطهٔ باستانی شهر کیش، سفالهای گوناگون بسیار وجود دارد، که از سدهٔ ۴ تا ۷ هـ. ق، می‌باشند. رایج‌ترین آنها، تکه‌های سفال سِلادُن، یعنی سفال سخت به رنگ سبز تیره یا روشن با نقشهای اژدها، ماهی و گلهای تزیینی، که از دوران صفویه به بعد به‌کار برده شده است.

اسگرافیاتو، یعنی سفال با نقش کنده، و ظرفهای لعاب‌دار زیادی با نقشهای سیاه آبی بر زمینهٔ نخودی نیز پراکنده است.

۳ ـ ۷ ـ درختان باستانی

در جزیرهٔ کیش درختان کهور و لور (انجیر معابد) ۵۰۰ ـ ۶۰۰ ساله وجود دارند. درخت کهور ۶۰۰ ساله‌ای در شهر پیشین ماشه، در نزدیکی هتل شایان، در محل پیشین باغ سالم دریابر، از بزرگان جزیره برپاست. درخت لور ۵۰۰ ـ ۶۰۰ ساله‌ای در شهر حریره و در درّهٔ پرتغالیها وجود دارد.[۴۳]

پی‌نوشتهای فصل دوم

۱ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ کیش و دریای پارس، ص ۱۳۳
۲ـ کامرون، جورج. ایران در سپیده‌دم تاریخ، ص ۲۲
۳ـ دورانت، ویل. تاریخ تمدن، مشرق‌زمین گاهوارهٔ تمدن، جلد اول، ص ۱۴۴
۴ـ افشار سیستانی، ایرج. نگاهی به بوشهر، جلد اول، ص ۲۱
۵ـ حامی، مهندس احمد. خلیج فارس و بندرهای جنوب، ماهنامهٔ بندر و دریا، شمارهٔ ۱۲، شهریور ۱۳۶۶، ص ۴
۶ـ رزم‌آرا، تیمسار حسینعلی، جزایر خلیج فارس، سمینار خلیج فارس، جلد اول، ص ۶۷
۷ـ همان مقاله، ص ۷۱
۸ـ یغمایی، اقبال. خلیج فارس، ص ۸۴
۹ـ ویلسن، سرآرنولد. خلیج فارس، ص ۱۱۰
۱۰ـ اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. مرآة‌البلدان، ص ۴۶۸
۱۱ـ اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، ص ۱۰۳ و مستوفی، احمد. سفر دریایی نئارخ در سواحل عمان و خلیج فارس، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران، سال ۳، شمارهٔ ۴، تیر ۱۳۳۵، ص ۵۴
۱۲ـ دهقان، ابوالحسن. نامهای ایرانی جزایر و بنادر خلیج فارس، مجموعهٔ سخنرانیهای دومین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی، جلد دوم، ص ۱۰۸
۱۳ـ ابن‌بلخی. فارس‌نامه، ص ۱۱۳ ـ ۱۱۴
۱۴ـ ویلسن، همان کتاب، ص ۱۱۱
۱۵ـ حسینی فسایی، حاج‌میرزا حسن. فارس‌نامهٔ ناصری، جلد دوم، ص ۱۵۸۷ ـ ۱۵۸۸
۱۶ـ امام شوشتری، سیدمحمدعلی. فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی، ص ۵۵۱
۱۷ـ هدایت، رضاقلی‌خان. تاریخ روضة‌الصفای ناصری، جلد دهم، ص ۱۸۹

۱۸ـ آیتی، عبدالحمید. تحریر تاریخ وصاف، ص ۱۰۵، و ستوده، حسینقلی. تاریخ آل‌مظفر، جلد دوم، ص ۵۳ ـ ۵۴
۱۹ـ ابن‌بطوطه. سفرنامهٔ ابن‌بطوطه، جلد اول، ص ۳۰۶
۲۰ـ معصومی، غلامرضا. سیراف، بندر طاهری، ص ۱۱
۲۱ـ مستوفی، حمدالله. نزهةالقلوب، ص ۲۳ ـ ۲۴
۲۲ـ نورزادهٔ بوشهری، اسماعیل. نظری به ایران و خلیج فارس، ص ۱۰۰
۲۳ـ رایین، اسماعیل. دریانوردی ایرانیان، جلد اول، ص ۳۳۷، به نقل از سفرهای پدرو تئیکسئیرا، لندن، ۱۹۰۲ م، به‌کوشش سینکلر.
۲۴ـ ابوالفداء. تقویم‌البلدان، ص ۴۲۵
۲۵ـ گابریل، آلفونس. تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ص ۵۳
۲۶ـ همان کتاب، ص ۷۴
۲۷ـ حسینی فسایی، همان کتاب، جلد اول، ص ۱۷۷
۲۸ـ سدیدالسلطنه، محمدعلی خان. سفرنامهٔ سدیدالسلطنه، ص ۵۱۶
۲۹ـ آبادی باویل، محمد. ظرائف و طرائف، ص ۵۶۸
۳۰ـ قبادیانی، ناصرخسرو. سفرنامهٔ ناصرخسرو، ص ۱۵۲
۳۱ـ آیتی، عبدالمحمّد. تحریر تاریخ وصاف، ص ۱۰۵
۳۲ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ کیش و دریای پارس، ص ۲۶۶
۳۳ـ جناب، محمدعلی. خلیج فارس، نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی، ص ۱۲ ـ ۱۳
۳۴ـ طاهری، ابوالقاسم. تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس و ایران، جلد اول، ص ۱۱۱ ـ ۱۱۲
۳۵ـ رزم‌آرا، علی. جغرافیای نظامی ایران، جزایر ایران در خلیج فارس، ص ۲۹
۳۶ـ رایین، اسماعیل. دریانوردی ایرانیان، جلد دوم، ص ۷۹۶
۳۷ـ همان کتاب، ص ۸۸۱
۳۸ـ افشار سیستانی، همان کتاب، ص ۱۹۳ ـ ۱۹۹

۳۹ـ مؤسسهٔ توسعهٔ سیاحتی کیش. کیش مروارید خلیج فارس، تهران، تابستان ۱۳۷۳، ص ۲

۴۰ـ مقتدر، غلامحسین. کلید خلیج فارس، ص ۱۰ ـ ۱۱

۴۱ـ قزوینی، زکریا. آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۵۳

۴۲ـ نورزادهٔ بوشهری. همان کتاب، ص ۱۰۰

۴۳ـ افشار سیستانی، همان کتاب، ص ۲۰۵ ـ ۲۲۳

فصل سوم

جایگاه اجتماعی

۱ـ مردمان پیشین و امروز

پژوهشگران سرچشمهٔ پیدایی انسان و کامل شدن او را، در افریقا جست‌وجو کرده‌اند. با توجه به مدارک به دست آمده، فرضیهٔ کوچ انسان را عنوان نموده‌اند. یکی از نقاطی که در مسیر مهاجرت انسان از افریقا به جنوب خاوری آسیا قرار دارد، بندرها و جزیره‌های خلیج فارس، از جمله جزیرهٔ کیش است.

مردمان پیشین بندرها و جزیره‌های خلیج فارس، از جمله جزیرهٔ کیش، عبارت بودند از: دراویدی، سومری، نوردیک، سیاه‌پوست، سامی، عیلامی.

مردمان کنونی جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از: عرب‌ها، شیرازی‌ها، لنگه‌ای‌ها، لارستانی‌ها، چارکی‌ها، بلوچها، و . . .

تیره‌های سرشناس امروزی جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از: فضلی، دریابر، شمس، صمدی، وطن‌خواه، خانه‌شیر، رحمانی، کیان، حسینی، ابراهیمی، سعیدی، بوشهری، و . . .

۲- ویژگیهای جمعیتی

۲-۱- جمعیت جزیره

جمعیت جزیرهٔ کیش در ۱۳۳۵ هـ. ش، ۸۱۶ نفر، در ۱۳۴۵ هـ. ش، ۸۸۵ نفر، در ۱۳۵۵ هـ. ش، ۴۳۱۱ نفر و در ۱۳۶۵ هـ. ش، ۲۸۵۸ نفر و در ۱۳۷۵ هـ ش، ۸۰۴۷ نفر بوده است.

تراکم جمعیت در جزیرهٔ کیش، در ۱۳۶۵ هـ. ش، ۳۱/۴ نفر در کیلومتر مربع بوده است.

۲-۲- آموزش و پرورش

امکانهای آموزشی جزیره کیش، شامل ۴ باب مدرسه است، که یک دبستان درهم و یک مدرسه راهنمایی پسرانه در صفین نو، یک دبستان درهم و یک مدرسهٔ راهنمایی دخترانه در پایگاه نظامی است. دیگر آبادیهای جزیرهٔ کیش، مکانهای آموزشی ندارند.

بررسی نسبت با سوادی ۱۳۶۵ هـ. ش، در جزیرهٔ کیش نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از جمعیت کیش بی‌سواد هستند، شاید آموزش و پرورش در این جزیره به دلیل جایگاه کناره‌ای آن از کشور، با مشکل همراه است.

۲-۳- بهداشت و درمان

جزیرهٔ کیش با حدود ۳۰۰۰ نفر جمعیت، از مکانها و سطح خدمات بهداشتی محدودی برخوردار است. جز عوامل زیربنایی، چون کمبود مراکز درمانی، خدماتی، و . . . عوامل زیادی نیز تابع شرایط جغرافیایی، فرهنگی و وضع ناسالم زیست محیطی در سطح جزیره است.

بیماریهای عفونی، کم‌خونی، انگلی، مفصلی و چشمی در این جزیره دیده شده است. امکانهای بهداشتی و درمانی جزیرهٔ کیش، شامل سه مرکز درمانی و یک بیمارستان مجهز است.[۱]

۲ـ٤ـ مسکن

مسکن در جزیره کیش از لحاظ استقرار، به شرح زیر است:

۲ـ٤ـ۱ـ مسکن سنّتی

معماری سنّتی جزیرهٔ کیش دارای ویژگیهای خود می‌باشد و مصالح به‌کار رفته در این مسکن‌ها، بیشتر سنگهای مرجانی موجود در جزیره است.

خانه‌ها، دارای دالانی در میانه هستند که دو سوی آن، در جهت جریان باد، باز است. در برخی خانه‌های توانمندان تا چند سال پیش بازماندهٔ بادگیرهای هوایی دیده می‌شد، که ضمن تأمین نور، هوای خنک شده را نیز به درون اتاقها می‌فرستادند.

از ویژگیهای خانهٔ سنّتی، پایین بودن پنجره‌ها و ایجاد آنها در ۲۰ ـ ۴۰ سانتی‌متری کف اتاق است، که برای کوران‌زدگی ایجاد شده‌اند.

سقف این‌گونه خانه‌ها بیشتر گِلی است. درون حیاط خانه‌ها، بالکنی بی‌سقف وجود دارد، که شبها از آن استفاده می‌شود.

در معماری سنّتی جزیره، سکونت از تمرکز فضایی برخوردار است. به همین دلیل بیشتر کوچه‌های نواحی پیشین جزیره تنگ و باریک است. خانه‌ها با یک درب چوبی کنده‌کاری ساده، از حیاط به کوچه باز می‌شوند.

۲ـ٤ـ۲ـ مسکن‌های نو

ساختمانهای نو جزیره کیش متأثر از معماری سنّتی و بومی جزیره بوده و نمونهٔ آن، در صفین نو ساخته شده است و تفاوت چندانی با معماری سنّتی ندارد.

برخلاف معماری سنّتی جزیره، که اتاقها در پیرامون حیاط ساخته می‌شود، در معماری نو تنها یک سوی حیاط به اتاقها اختصاص دارد و در برابر آن، آشپزخانه، حمام و آبریزگاه ساخته شده است.

تیرهای چوبی به کلفتی ۱۰ × ۱۰ سانتی‌متر و به اندازهٔ پهنای اتاقها، پوشش سقف اتاقِ خانه‌های سبک نو را تشکیل می‌دهد. تنها تفاوت خانه‌های سنّتی و نو، پراکندگی نسبی و تنوع بلندی است، که در چندین نمونه، شماری خانهٔ دو طبقه ساخته شده است.

تأسیسات موجود جهانگردی نیز سبک معماری ویژهٔ خود را دارا بوده و هیچ‌گونه پیوندی با معماری سنّتی جزیره ندارد.

وضعیت کیفی مسکن در جزیره کیش، چندان قابل توجه نیست، زیرا به دلیل شدت عمل فرسایش بر روی سنگهای مرجانی و خاکهای استفاده شده در خانه‌ها، به هنگام ریزش بارشهای شدید و رگبار، دیوارهای بیرونی ویران می‌شوند. به همین جهت خانه‌های سنتی بیش از ۳۰ سال عمر مفید ندارند.[۲]

۳ـ نژاد

پیش از ورود و استقرار آریاییان در دریای پارس، از جمله جزیرهٔ کیش، نژادی محلی در این جزیره می‌زیسته است و آثار باستانی برجای مانده، مشخص می‌سازد، که علاوه بر نژاد مدیترانه‌ای، نژادهای دیگر، چون دراویدی، سیاه‌پوست، سفیدپوست، سامی، عیلامی، سومری، و . . . در کرانه‌های شمالی دریای پارس و جزیرهٔ کیش می‌زیسته‌اند.[۳]

سامی‌ها در کرانهٔ عربستان می‌زیسته‌اند که بعدها به خلیج فارس آمدند و در نقاط گوناگون آن، ساکن شدند. سامی‌ها به بابلی، آشوری، عرب، فنیقی و یهودی سرشناس هستند.

عرب‌های جزیرهٔ کیش، از نقاط کرانه‌ای جنوب ایران، چون لنگه، چارک، گاوبندی، عسلویه، و . . . به این جزیره مهاجرت کرده‌اند. اینان از اولاد عرب‌های محلی مستقر در ایران هستند.

یکی از مأموران چینی روزگار خاندان «سونگ» به نام chao jukua گفته است، که ساکنان کیش سفیدپوست و از نژاد خالصی هستند و خوراکشان نان،

گوشت گوسفند، ماهی و خرما است و برنج نمی‌خورند.[۴]

بنیامین‌بن جناح، خاخام یهودی ساکن شهر تودلا در اسپانیا، که در ۱۱۶۴، رهسپار خاور شد و این سفر تا ۱۱۷۳ م، به درازا کشید، از دریای پارس و جزیرهٔ کیش نیز دیدن کرده است، می‌گوید: جمعیت آن‌جا (جزیرهٔ کیش) ترکیبی از یهودی، ایرانی (شیرازی - سیرافی) بود».[۵]

٤ـ زبان

ساکنان محلی جزیرهٔ کیش به زبان فارسی و عربی سخن می‌گویند. به سبب پیوند پیشین و پردامنه‌ای که مردم خلیج فارس و جزیرهٔ کیش با نواحی عرب‌نشین کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و شبه جزیرهٔ عربستان، هندوستان و کرانه‌های افریقا و خاور داشته‌اند، واژگان عربی، هندی، زنگباری، حبشی و افریقایی نیز در لهجهٔ ساکنان کرانه‌ها و جزیره‌های خلیج فارس وجود دارد.[۶]

۵ـ دین

مردم جزیرهٔ کیش مسلمان و بیشتر آنها پیرو مذهب شیعهٔ جعفری می‌باشند. شماری از آنها پیرو مذهب سنی هستند. پیروان مذهب سنی، از فرقه‌های: شافعی و حنبلی و شمار اندکی مالکی و زیدی تشکیل شده‌اند. شمار زیادی شیعهٔ اثنی‌عشری در جزیره زندگی می‌کنند و مساجد آنان در صفین نو به نام مسجد شیعه‌ها، مسجد علی‌ابن ابیطالب علیه‌السلام و شماری دیگر در نقاط گوناگون جزیره است. یک باب حسینیه نیز دارند. امام جمعهٔ جزیرهٔ کیش حجت‌الاسلام آقای عزت‌الله صالحی بود. پیروان اهل تسنن ۲ باب مسجد دارند که در صفین نو و صفین کهنه قرار دارند. سرشناس‌ترین مسجد آنان، مسجد جمعه است، که امامت آن را در گذشته شادروان حاج ملّاعبدالرحمان فضلی به عهده داشته‌اند و اکنون امامت آن، با جناب مولوی شمس است.

۶ـ ویژگیهای قومی

۶ـ۱ـ اخلاق و عادتها

ساکنان جزیرهٔ کیش، مردمانی دین‌دار، درست‌کار، سخت‌کوش، میهمان‌نواز و مهربان‌اند. از دیرباز در دادوستد بسیار ساده و پای‌بند گفتار بوده و هیچ‌گاه دروغ نمی‌گویند.

ابن‌مجاور در کتاب تاریخ مستنصری خود، که بین سالهای ۱۲۲۶ ـ ۱۲۲۴ م، نوشته شده است، می‌گوید:

«اهالی کیش ماهی را با خرما می‌خورند و عادت آنها این است که غذای خود را همیشه با دست راست تناول می‌نمایند و اگر کسی نان را با دست چپ پاره کند، بی‌تربیت محسوب می‌شود».[۷]

۶ـ۲ـ عیدها

مردم کیش، به‌ویژه ساکنان محلی آن، به عیدهای قربان و فطر اهمیت می‌دهند و عید نوروز را نیز گرامی می‌دارند.

در روز عید فطر، پس از خواندن نماز عید، به گورستان می‌روند و برای درگذشتگان فاتحه خوانده، سپس به خانهٔ درگذشته رفته و به بازماندگان او تسلیت می‌گویند.

در این روز به خانه‌های یکدیگر رفته عید فطر را به هم تبریک گفته صبحانهٔ عید، شامل: شیرینی، چای، برنج و گوشت می‌خورند. سالها پیش، در روز عید فطر جشنی برپا می‌نمودند و همراه با نواختن دُهُل و ساز، شادی می‌کردند. در این روز لباس نو می‌پوشند و با سوختن عود و عطر و گلاب، پوشاک خود را خوش‌بو می‌کنند. پس از روز عید فطر، پیرمردان و پیرزنان، شش روز روزه می‌گیرند.

در روز عید قربان، گوسفند و گاو قربانی می‌کنند. نماز عید قربان را به جای آورده، سپس به گورستان می‌روند و همانند عید فطر فاتحه می‌خوانند و دیگر

مراسم را نیز انجام می‌دهند. تنها روز نهم، یعنی روز پیش از عید قربان، روزه می‌گیرند.

ساکنان محلی جزیره به عید نوروز اهمیت کمتری می‌دهند و از میهمانان غیرمحلی خود، با شربت و شیرینی پذیرایی می‌کنند و سال نو را به آنان تبریک می‌گویند.

۶ـ۳ـ باورها

۱) شنبه و چهارشنبه، روزهای خوبی نیستند.

۲) اگر شخصی آمادهٔ سفر باشد و کسی عطسه زد، به سفر نمی‌روند.

۳) مردم جزیرهٔ کیش عطسه را نشان رحمت و خیر، ولی خمیازه را نمونهٔ شر و شیطان می‌دانند.

۴) صدقه دادن پیاپی نزد خدا، همانند طفلی است که از کوچکی اندک اندک بزرگ شود.

۵) اگر دو زائو در یک منزل باشند، نبایستی تا ۴۰ روز با یکدیگر دیدار کنند تا هر دو زن، چلّه را پشت سر بگذارند

۶) اگر زنی زایید، تا هفت روز نباید به دیدارش رفت.

۷) اگر کسی بیمار شود یا سفر رفته باشد، که خبری از او نباشد، می‌گویند: اگر خداوند او را نجات دهد، سه روز یا بیشتر روزه می‌گیرم. یا برنج و گوشت برای او نذر می‌کنند.

۸) اگر مرغی بالهایش را تکان دهد، میهمان می‌رسد.

۶ـ٤ـ ضرب‌المثل

۱) «قوم‌الساعدت ما ذلت»

برگردان: مردمی که با یکدیگر مساعدت و همکاری کنند، ذلیل نمی‌شوند.

۲) «لوصلمه لو اسرایین»

lu salma lu esraiin.

برگردان: یا تاریک است یا دوتا چراغ دارد.

این ضرب‌المثل، برای کسانی گفته می‌شود، که در کارها افراط کنند.

۳) «مکروهه او یا بت بت»

makruhe - o ya bat bat.

برگردان: کسی چشمش را ندارد، دختر هم زایید.

۴) «یطلب من الحافی النعال»

ytlob menalhafy alenal.

برگردان: از پابرهنه دمپایی می‌خواهد.

۵) «راوانی حنطه بایعنی الشعیر»

ravany hanta bayani ešeir.

برگردان: گندم نشانم داد، جو به من فروخت.[۸]

۶ـ ۵ـ نذورات و اجرای سنّتهای مذهبی

مردم محلی جزیرهٔ کیش شافعی مذهب‌اند و باور زیادی به اجرای نذورات و مراسم سنّتی مذهبی و زیارتگاهها دارند. یکی از مراسم نخستین مردم، ادای قربانی در عید قربان، دو دیگر ادای عقیقهٔ خود و فرزندان است، که در عمرشان یک بار و از روی شمار فرزندان، اگر گاو، شتر، بز، و گوسفند لازم باشد اجرا می‌شود.

رفتن به زیارتگاهها نیز از عادتهای مردم این جزیره است، که با توجه به نذری که نیّت می‌شود، ادا می‌کنند. در بندر نخیلو زیارتگاهی وجود دارد که به نام شیخ حسن مدنی سرشناس است. مردم کیش پس از اندیشهٔ نیّت و برآورد حاجتها و نیازمندیهای عقیدتی خود، به زیارت شیخ حسن مدنی می‌روند.

یکی از فرزندان سیف‌الله القتال، سرشناس به قتال ولی نیز در نخیلو مدفون

است، که مورد اعتقاد و احترام مردم جزیرهٔ کیش و منطقه است.[۹]

مردم محل می‌گویند آرامگاه دو تن از عارفان صاحب کرامت در جزیرهٔ کیش است که مورد احترام ساکنان محلی جزیره هستند. یکی از آنان، در ناحیه کمپ رحیمی و دیگری در ناحیه پردیس به خاک سپرده شده‌اند.[۱۰]

نذوراتی که می‌دهند، تنها فدای روح رسول اکرم ﷺ می‌شود. بانوان نذرهای خود را به زهرای بتول سلام‌الله علیهما تقدیم کرده و به هنگام ادای آن، مراسمی دارند.

۶-۶-ازدواج

پس از انتخاب دختر، بزرگان خانوادهٔ پسر، برای خواستگاری به خانهٔ پدر دختر می‌روند. اگر با این پیوند موافقت شد، در همان مجلس، جهیزیه و پوشاک دختر و هزینه‌های سه روز جشن عروسی تعیین می‌شود.

سه روز پس از موافقت دو خانواده، در خانهٔ پدر دختر، اتاقی را تزیین می‌کنند، که به گویش محلی «فرشه» نامیده می‌شود، که همان حجله است.

سه شبانه‌روز جشن برپا کرده و با نواختن دهل و ساز به رقص و پای‌کوبی می‌پردازند. در این روزها همهٔ میهمانان به صرف ناهار و شام دعوت می‌شوند. پس از ظهر روز سوم، مراسم عقد انجام می‌شود. در بین ساکنان محلی جزیرهٔ کیش، مهریه معمول نیست، ولی هنگام جاری شدن صیغهٔ عقد، ۱۷ ـ ۱۹ سکّهٔ بهار آزادی در تعهد داماد گذاشته می‌شود.

پس از انجام مراسم عقد، بزرگان دو خانواده، داماد را به حجله می‌برند و یکی از بزرگان، دست عروس را در دست داماد می‌گذارد و همه حجله را ترک می‌کنند و زفاف انجام می‌شود.

سه روز پس از زفاف، زنان برای گفتن مبارک باد، نزد عروس رفته و در آنجا با شیرینی، چای و قهوه پذیرایی می‌شوند. دختران نیز در یک شب از پیش تعیین شده نزد عروس رفته و به او تبریک می‌گویند.

پس از هفت روز تزیینات حجله برچیده می‌شود و شب هشتم، زنان محل به خانهٔ پدر عروس دعوت شده و شادی‌کنان عروس را به خانهٔ داماد می‌برند و پس از صرف شام به خانه‌های خود بازمی‌گردند.

دختران در ۱۵ سالگی و پسران در ۱۶ ـ ۱۷ سالگی ازدواج می‌کنند. بیشتر ازدواج‌ها با خویشان نزدیک صورت می‌گیرد. اگر کسی را بشناسند که دین‌دار و زحمت‌کش است، به او زن می‌دهند.

دختران تا زمانی که شوهر نکرده‌اند و یا به خانهٔ شوهر نرفته‌اند، نزد خویشان خود، با روی باز ظاهر می‌شوند، ولی از زمانی که شوهر کردند، برقع بر چهره می‌گذارند.

۶ ـ ۷ ـ تولد و نامگذاری

نخستین نوزاد برای پدر و مادر عزیز است. مادر در انتظار تولد دختر است، که در بزرگی در انجام کارهای خانه به او کمک کند. پدر هم می‌گوید، اگر نخستین فرزند آنان، پسر باشد، او را در کارها یاری خواهد داد.

از نام بزرگان درگذشتهٔ طایفه، برای نامگذاری نوزادان استفاده می‌کنند.

۶ ـ ۸ ـ طلاق

اگر بین زن و شوهر اختلاف افتاد و هر دو حاضر به گذشت نباشند، طلاق صورت می‌گیرد و شوهر ۱۷ یا ۱۹ سکّهٔ طلا را که در تعهد اوست، به زن تحویل می‌دهد.

طلاق در بین محلیان جزیرهٔ کیش به ندرت روی می‌دهد، زیرا این کار را ننگ می‌دانند. درگذشته، بعضی مردان جزیره تا چهار همسر انتخاب می‌کردند، ولی امروزه بعضی از آنان، دارای دو زن هستند.

۶ـ ۹ـ ختنه‌سوران

در گذشته پسران را در ۵ ـ ۷ سالگی ختنه می‌کردند. پس از انجام ختنه، پدر پسر در یک روز از پیش تعیین شده، مراسم مولودخوانی برگزار می‌کند. در این روز مردم محل برای خوردن شام و شیرینی دعوت شده و با گوشت، برنج، چای، قهوه و شیرینی پذیرایی می‌شوند.

پس از درمان زخم، بچه را به حمام برده، سپس نزد ملای محل می‌برند، تا درسهای قرآن را فراگیرد. پس از ختم قرآن، دیگر درسها را نیز نزد روحانی دیگری می‌آموزد.

۳ ـ ۱۳ـ عزاداری

ماه محرم برای محلیان سُنّی و شیعهٔ جزیرهٔ کیش یکسان است. سُنّی‌ها، روز نهم محرم روزه می‌گیرند و روز دهم در مراسم عزاداری شیعیان شرکت می‌کنند، ولی سینه نمی‌زنند.

۶ـ ۱۰ـ سوگواری

هنگام درگذشت زن یا مرد، همهٔ نزدیکان و همسایگان گِرد آمده، نخست مراسم غسل و به خاک سپاری انجام می‌شود، سپس فاتحه می‌خوانند و به خانه‌های خود بازمی‌گردند.

روز دوم، ملایی را به مسجد یا مجلس و به گویش محلی مُضیف، آورده تا قرآن بخواند. مردم تا سه روز به مسجد یا مضیف آمده قرآن و فاتحه می‌خوانند.

از روز دوم تا سه روز، زنان به خانهٔ درگذشته رفته و مردان به مجلس یا مسجد می‌روند و به فاتحه‌خوانی و سوگواری می‌پردازند. پس از سه روز که قرآن خوانی پایان یافت، عصر روز سوم، خوراکی از برنج و گوشت می‌پزند و به مسجد برده و به نام «صواب میت» بین مردم پخش می‌کنند.

در بین محلیان جزیرهٔ کیش، مراسم هفت، چهل و سال، معمول نیست، تنها روزهای عید فطر و عید قربان، به گورستان می‌روند و فاتحه می‌خوانند.

سَرِ گور رفتن، نوحه خواندن و زاری کردن در بین مردم جزیره معمول نیست، زیرا بر این باورند که هرکس درگذشت، در ذمت خداست (فی ذمة الله) و خوب و بد او بستگی به کارها و گفتار وی در دنیا داشته و تنها طلب آمرزش او، با دعای همراه با نماز یا با دعای ویژهٔ بین خودشان و خالقشان صورت می‌گیرد، که بیشتر حالت پنهانی و بی‌ریایی دارد.

۶ـ۱۱ـ شعر، موسیقی و رقص

در مراسم مولود، که در نذرها، عروسی و ختنه‌سوران، به‌ویژه ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول (مولود حضرت محمّد ﷺ) اجرا می‌شود، شعرهایی در مدح حضرت نبی‌اکرم سروده می‌شود.

در مراسم عروسی و ختنه‌سوران، در زمین بازی گرد آمده و دایره‌وار همراه با نواختن ساز و دهل و آهنگهای شاد سنّتی به رقص می‌پردازند. در هنگام رقص، پاها را محکم به زمین کوبیده، شانه و سینه‌های خود را می‌لرزانند و یک یا دو نفر هم میداندار هستند. در این هنگام، که مردان یزله (گونه‌ای رقص) می‌کنند. زنان هم با هلهله، شادی و تکان دادن دستمالهای رنگارنگ و کف زدن، مردان را همراهی می‌کنند.

رقصهای عربی و افریقایی، مانند: رِزیف، کووایی، شابوری، فی‌ژیری، زینبی، لافت و ذاکری معمول است.

دهلهای بزرگ افریقایی، گرچه امروزه در بازیهای معمولی به‌کار گرفته نمی‌شود، ولی هنوز صدای دهلهای دوسر، با همان ضرب تند «سواحلی» شبها از کنار دریا و روستاها بلند است.

۶ـ ۱۲ـ داستان و خواندن کتاب

محلیان جزیرهٔ کیش در شبهای زمستان دور هم گرد آمده و به خواندن کتاب بوستان و گلستان سعدی و گفتن داستانهای محلی، می‌پردازند.

۶ـ ۱۳ـ دعای باران

هنگامی که باران نبارد، نماز استسقا می‌خوانند. در گذشته، همهٔ مردم جزیرهٔ کیش، در محوطه‌ای بیرون از خانه‌ها جمع می‌شدند و در یک‌سو مردم و در سوی دیگر دامها، مستقر می‌گردیدند. مردم نماز می‌خواندند و دامها هم به صدا درمی‌آمدند. بدین ترتیب از خداوند درخواست آب می‌کردند.

پس از برآمدن آفتاب، مردم نماز می‌خواندند، دامها به بیابان رفته و مردم به خانه‌های خود، بازمی‌گشتند و بر این باور بودند که رحمت خداوند، فرود خواهد آمد.

در گذشته پیرزنان بیلی را به شکل زنی درآورده و پارچه‌ای بر روی آن، می‌انداختند و ساعت ۷ پس از ظهر با شماری از بانوان و دختران، درب خانه‌ها را کوبیده و به آواز بلند، می‌گفته‌اند:

«این پیرزن آمده و خدا به شما باران می‌دهد».

صاحب‌خانه، سطل کوچک آب روی آنان می‌ریخت و دو کیلو یا بیشتر برنج، شکر یا خرما به آنان می‌داد. یکی از آنها الاغی همراه داشت، خرما، شکر و برنج را در خورجین الاغ ریخته و در محل مناسبی، بین خودشان بخش می‌کرده‌اند.[۱۱]

۶ـ ۱۴ـ پزشکی سنّتی

ساکنان محلی جزیرهٔ کیش نیز همانند دیگر ساکنان بندرها و جزیره‌های دریای پارس، از دیرباز بیماریها را با گیاهان دارویی و دیگر روشهای سنّتی درمان می‌کردند. در زیر به برخی از درمانها، اشاره می‌شود:

۶-۱۴-۱- دل درد

دل درد را با روشهای زیر درمان می‌کنند:

۱) گیاه تلخی به نام جعده را در اندکی آب ریخته می‌کوبند، سپس آب آن را گرفته به بیمار می‌خورانند.

۲) تخم گیاه زموته را کوبیده و می‌خورند.

۳) جوشاندهٔ برگ هُوشه (آبشن یا آویشن) را به بیمار می‌خورانند. برگ آویشن برای درمان استخوان درد، سردرد، خستگی و بخشهای بادگرفته نیز دستور داده می‌شود.

۶-۱۴-۲-سردرد

برای درمان سردرد، گل سرخ را آب کرده و روی پیشانی بیمار می‌مالند تا خشک شود، در صورت درد زیاد، با پارچه‌ای سر را می‌بندند تا درمان یابد.

۶-۱۴-۳-گوش درد

روغن گوسفند را گرم می‌کنند و در گوش، به‌ویژه گوش کودکان ریخته، سپس گیاهی به نام یاس را آرد کرده و روی روغن می‌ریزند تا گوش پر شود و درد گوش درمان یابد. گیاه جعده را نیز آب کرده و در گوش می‌چکانند، تا درد برطرف گردد.

۶-۱۴-۴-دندان درد

در گذشته برای درمان دندان درد، پنبه را به نفت زده و در روی دندان می‌گذاشتند. اگر دندان سوراخ باشد، می‌گویند کرم دارد. برای درآوردن کرم دندان، آهن باریکی را داغ کرده و تخم پیاز و اندکی پیه گوسفند را روی آن، نهاده و با قیف چوبی، دود را درون دهان هدایت کرده و به بیمار می‌گویند سرفه کن. در زیر قیف یا دهان، کاسهٔ آبی می‌گذارند تا کرم به درون آن بیافتد.

۶-۱٤-۵-سرماخوردگی

برای درمان سرماخوردگی، گیاهی به نام «زعتَر» را دم کرده و به بیمار می‌خورانند. اگر سرماخوردگی شدید و همراه با سینه درد باشد، دارویی به نام «بواخ» که از درخت گز به دست می‌آید، با کاه آمیخته و در دیگی می‌جوشانند، سپس دیگ را برابر بیمار گذاشته و پتویی بر روی بیمار و دیگ انداخته و او را بخور می‌دهند. بیمار عرق می‌کند و درمان می‌یابد. این کار را دو تا سه بار انجام می‌دهند تا بیمار درمان شود.

۶-۱٤-۶-اسهال

برگ درخت لور را کوبیده و خشک می‌کنند، سپس آن را آرد کرده و کمی از آن را به بیمار می‌خورانند تا اسهال درمان شود.

لیموعمانی را نیز اندکی در آتش گذاشته تا نیمه سوخته شود، سپس آن را آرد کرده می‌خورند تا اسهال درمان شود.

۶-۱٤-۷-زردی

برای درمان یرقان یا زردی، برگ درخت کُنار را می‌کوبند و آب آن را می‌خورند.

بعضی‌ها نیز تسبیح کهربایی را به گردن بیمار می‌آویزند. وی هرچند دقیقه یکبار، آن را به هم می‌مالد و بو می‌کند تا درمان شود.

برای درمان یرقان، هفت تا هشت ماهی گین یا طوطی ماهی به وزن ۴۰۰ گرم را پاک کرده و در دیگی می‌جوشانند، سپس بیمار را در یک سینی یا طشت نشانده و او را با آب این ماهی می‌شویند. این کار سه بار انجام می‌شود تا درمان یابد.

۶ـ۱۴ـ ۸ ـ نازایی

زنی را که صاحب فرزند نمی‌شود، از راه دریا به یکی از بندرها یا جزیره‌های خلیج فارس می‌برند. بر این باورندکه چون از روی دریا عبور کرده است، دارای فرزند می‌شود.

۶ـ۱۴ـ ۹ ـ زایمان سخت

در گذشته، زنی که دیر می‌زایید، سنگ پهنی را روی آتش داغ می‌کردند و روی شکمش می‌گذاشتند تا با حرارت سنگ، وضع حمل آسان شده و خون درون شکم زن خارج گردد. در این هنگام از دادن آب زیاد به زائو خودداری می‌شود.

برخی نیز داروی محلی که از آمیختن گیاهانی، مانند: مُسوفَه یا مرو تلخ و گیسون یا مرو شیرین و جعده تهیه می‌شود، جوشانده و به زن سخت‌زا می‌خورانند تا زایش انجام شود.

۶ـ۱۴ـ۱۰ـ تب

گیاه جعده یا یاس را می‌کوبند و آب آن را به بیمار می‌خورانند تا تب برطرف گردد. اگر تب ادامه داشت، بیمار را نزد ملای محل برده، می‌گویند تب او را ببند. ملا، سه کاغذ دعا می‌نویسد و می‌گوید کاغذها را زیر بدن بیمار بسوزانید تا دود آن، به بدن او بخورد و درمان یابد.

۶ـ۱۴ـ۱۱ـ سیاه‌سرفه

برای درمان سیاه‌سرفه و به گویش محلی بُوحمیر، خرچنگی به نام شینو را در دیگ با آب نمک جوشانده تا پخته شود. بیمار گوشت خرچنگ را می‌خورد تا درمان یابد. از شیر الاغ نیز به بیمار می‌خورانند تا سرفه درمان شود.

۶-۱٤-۱۲- دررفتگی استخوان

جا انداختن دررفتگی استخوانهای بدن در بین ساکنان محلی جزیرهٔ کیش، توسط افراد با تجربه و کارآزموده انجام می‌شود. بدین ترتیب که محل دررفتگی را مالش داده، می‌کشند تا سر جای خود، قرار گیرد. سپس انذروت چسب مانند یا تخم گروط را در آب جوشانده تا به صورت مادهٔ چسبناکی درآید، سپس آن را روی محل شکستگی می‌مالند و با پارچه می‌بندند.

۶-۱۵ پوشاک مردان

پوشاک سنّتی مردان جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از:

۶-۱۵-۱- کلاه و دستمال سر

کلاه مردان از پارچهٔ کتان سفید است، که زنان محلی می‌دوزند، روی کلاه، دستمالی از پارچهٔ وال یا کتان سفید می‌بندند که آن را «غِتره» گویند. در گذشته به جای غتره، از لنگی به نام «اوزار» یا عمامه استفاده می‌شد.

۶-۱۵-۲- پیراهن و زیرپیراهن

زیرپیراهن مردان را «زنجفرهَ» گویند، که از پارچهٔ کتان سفید دوخته می‌شود. پیراهن را «کَندورَ» یا «ثوب» گویند.

۶-۱۵-۳- شورت و لنگ

شورت مردان از پارچهٔ کتانی دوخته می‌شود، که به آن «هاف» می‌گویند. روی شورت، لنگی یا اوزار می‌پوشند.

۶ـ ۱۵ـ ٤ـ کفش

کفش مردان را جوتی گویند. در گذشته که کفش نبود، از پاپوشی به نـام «اِنعال» که از چرم گوسفند ساخته می‌شد و به شکـل دمـپایی بـود، اسـتفاده می‌کردند.

۶ ـ ۱۶ ـ پوشاک بانوان

۶ ـ ۱۶ ـ ۱ ـ روسری، حجاب، چادر

روسری زنان از پارچهٔ کتان یا وال مشکی است، که به آن «مِلفع» گویند.

حجاب یا بَطوله یا برقع بر روی صورت بانوان قرار می‌گیرد و از پوشاک سنّتی مردم جزیرهٔ کیش و دیگر جزیره‌های خلیج فارس است.

شیله یا چادر زنان محلی جزیره، از پارچهٔ کتانی یا وال مشکـی دوخـته می‌شود.

۶ ـ ۱۶ ـ ۲ ـ زیرپیراهن

زیرپیراهن بانوان از چیت یا جُرجِت (ژُرژِت) به رنگهای گوناگون دوخته می‌شود، و بلندی آن، تا مچ پاست.

پیراهن زنان، گشاد دوخته می‌شود. در گذشته از پشت، دُمی به نام «زیل» داشته، که زنان در زیر عبا، آن را روی دستشان می‌انداختند. به این زنان، زن اصیل می‌گفتند.

۶ ـ ۱۶ ـ ۳ ـ شلوار

شلوار بانوان «صور وال» نامیده می‌شود، از پـارچـهٔ کـتان یـا چـیت، در رنگهای گوناگون دوخته می‌شود. بین ۱۰ ـ ۱۵ سانتی‌متر پایین شلوار زنان، زری‌دوزی می‌شود، که به آن «بادِله» گویند.

۶ـ۱۶ـ٤ـ صندل

دمپایی یا صندل یا «ثُبات» همانند گیوه می‌باشد، که مورد استفادهٔ بانوان محلی جزیرهٔ کیش است.

۶ـ ۱۷ـ زینت‌آلات بانوان

زینت‌آلات بانوان محلی جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از:

گوشواره، از طلا ساخته می‌شود و «اشقاب» نام دارد. وسیلهٔ تزئینی دیگری به نام «زَمام» را از طلا می‌سازند و در سوراخ بینی تعبیه می‌کنند.

گردن‌بند را از طلا، نقره و چینی می‌سازند و در محل «مرّیه» می‌نامند.

النگو نیز از طلا، نقره و چینی ساخته می‌شود. بانوان توانمند، از النگوهای طلا استفاده می‌کنند.

انگشتر یا خاتم از طلا و نقره ساخته می‌شود. توانمندان به انگشت بزرگِ پاهای خود، وسیله‌ای مانند انگشتر به نام «فِتحه» که از طلا یا نقره ساخته می‌شود، می‌گذارند.

۶ـ ۱۸ـ خوراک

۶ـ۱۸ـ۱ـ جِریش

گندم را به اندازهٔ لازم با آسیاب دستی (دستاس)، خُرد کرده همراه ماهی، روغن، زردچوبه و فلفل می‌پزند. این خوراک بسیار خوشمزه است.

۶ـ۱۸ـ۲ـ مضروبه

تهیهٔ این خوراک، همانند جِریش است، تنها پیاز به آن، می‌افزایند.

۶ـ۱۸ـ۳ـ قلیه

برای پختن قلیه یا «مُزَگ» اندکی آب، فلفل، پیاز، زردچوبه، هل، میخک و

ماهی یا گوشت را در دیگی ریخته و می‌پزند. این خوراک را قلیه ماهی یا قلیهٔ گوشتی گویند.

۶ـ۱۸ـ٤ـکباب

برای تهیهٔ ماهی کباب یا «اُم گله» ماهی را کباب کرده و با برنج سفید، خرما، سبزی و پیاز می‌خورند. برای تهیه کباب گوشت، گوشت گوسفند یا بز را کباب کرده، می‌خورند.

۶ـ۱۸ـ۵ـمالحه

برای پختن این خوراک، ماهی گُباب شور را نمک زده و در حلب و در آفتاب می‌گذارند. سپس در آب گرم انداخته و روی آتش می‌گذارند تا پخته شود. سپس آن را با برنج مُحَمّر و آبلیمو می‌خورند. این برنج و ماهی شور را «مالحه» گویند.

۶ـ۱۸ـ۶ـمَرگوگ

نان خشک شده، آب و گوشت را در دیگ ریخته و می‌پزند. گاهی با ماهی نیز پخته می‌شود.

۶ـ۱۸ـ۷ـسِمَج مَشوْی

ماهی را روی آتش کباب کرده و با خرما می‌خورند. در گذشته این خوراک، غذای بیشتر مردم جزیرهٔ کیش بود.

۶ـ۱۸ـ۸ـهریسه

برای تهیهٔ هریسه، از گندم، گوشت، آب و نمک استفاده می‌کنند. این خوراک بیشتر در عروسیها پخته می‌شود. در ماه مبارک رمضان، برای افطار آماده می‌سازند.

۶-۱۸-۹-صبحانه

صبحانه یا ریؤگ محلیان جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از:

۱) **عصیده:** از آرد، دوشاب خرما، روغن و آب تهیه می‌شود.

۲) **خبیصه:** از آرد، روغن، شکر و آب تهیه می‌شود.

۳) **ساگویه:** از نشاسته، زردچوبه، روغن، شکر و آب تهیه می‌شود.

۴) **نِشه:** از زردچوبه، روغن، شکر و آب درست می‌شود.

۵) **لِگِمات:** آرد و روغن را سرخ کرده، آب به آن می‌افزایند تا بجوشد، سپس می‌خورند.

۶) **خنفروش:** از آرد، تخم‌مرغ، زردچوبه، روغن و آب تهیه می‌شود.

۷) **فرنی:** از نشاسته، آب، شکر و زردچوبه می‌پزند.[۱۲]

۷-بزرگان کیش

۷-۱-شمس‌الدین محمد کیشی

مولانا شمس‌الدین محمّدبن احمد، حکیم کیشی، از حکما و عرفای بزرگ اواخر سدهٔ ۷ هـ. ق است. وی دانشمندی صوفی مشرب و عارفی نیکوسیرت و جامع معقول و منقول بود. مولانا قطب‌الدین مصلح شیرازی (متولد ۶۳۴ در گذشته ۷۲۰ هـ. ق) نویسندهٔ کتاب درةالتاج شرح کلیات قانون ابن‌سینا . . . از شاگردان او بوده و در شرح کلیاتش، از او با احترام یاد کرده است.

شمس‌الدین، از اهالی جزیرهٔ کیش بود، ولی تمامی عمر را در عراق، اصفهان و شیراز به سر برده است. با خاندان جوینی نزدیک و دوست بود و با خواجه نصیرالدین طوسی، معاصر بوده و با وی نامه‌نگاری داشته و از او در مسائل حکمت، پرسشهایی کرده است.[۱۳]

در نامه‌ای به عنوان خواجهٔ توس، می‌نویسد:

«مخدوم ولی الانعام صاحب الایات العظام زبدة مخمّصه والاعوام خلاصة علماء الانام قبلة المحصلین و قدوة الفاضلین

رئیس المحققین نصیرالملة والدین حجت‌الاسلام ولمسلمین...»

در پاسخی که خواجه نصیرالدین طوسی، به این نامه داده است، می‌نویسد:

«تاذکر مناقب و فضایل ذات شریف و نفس خداوند ملک الحکماء والعلماء سیدالاکابر والفضلاء قدوة المبرزین والمحصلین».[۱۴]

ابوالفضل عبدالرزاق فوطی (درگذشته ۷۲۳ هـ. ق) نویسندهٔ کتاب الحوادث الجامعة والتجارب النافعه فی‌المائة السابعه، ضمن شرح حوادث ۶۶۵ هـ. ق، نوشته است:

«در این سال شمس‌الدین محمدبن الکیشی، به بغداد رسید و به تدریس در مدرسهٔ نظامیه معین گردید و حکام و علماء در مجلس درس او حاضر شدند و در این مقام بود، تا آن که به خیال پیوستن به خدمت بهاءالدین[۱۵] بن صاحب شمس‌الدین جوینی، به نزد او حرکت کرد».[۱۶]

نویسندهٔ کتاب شدّالازار، می‌نویسد:

«کیشی به مکّهٔ معظم مشرف شد و در بغداد خدمت شیخ جبرئیل کُردی رسیده و به امر او مدتی در خلوت به سر برده و ریاضت کشید».

کیشی در شعر و شاعری استاد بود و به زبانهای عربی و فارسی شعر می‌سرود، و کتابی به نام الهادی فی‌النحو، که مختصر و مفید است، نوشته است. رساله‌ای نیز در شرح گفتهٔ حسن‌بن منصور حلاج بیضاوی اقتلونی یا ثقاتی ـ ان فی قتل حیاتی، نوشته است و نیز رساله‌ای به نام روضة‌المناظره، که در شرح رسالهٔ نفس‌الامر خواجه نصیر است و نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی موجود است، از آثار اوست.

حاج میرزاحسن حسینی فسایی، نویسندهٔ کتاب فارس‌نامهٔ ناصری، نوشته

است:

«*مولانا شمس‌الدین احمد کیشی، از افاضل علما و عرفا بوده و عمری را در ممارست علوم و درس فروع و اصول تصنیف کتب معقول و منقول بسر برد، و در حدود سال ۶۶۰ هـ. ق،*[۱۷] *در شیراز به رحمت ایزدی پیوست، و در خانهٔ خود، در محلهٔ دزک، مدفون گردید، و علامه علی‌الاطلاق مولانا قطب‌الدین شیرازی، در شرح کلیات قانون شیخ‌الرئیس ابوعلی، خود را از تلامذه مولانا شمس‌الدین کیشی شمرده است*».[۱۸]

از شمس‌الدین محمد کیشی است:

دی مرا گفت رفیقی که فلان در حق تو
ناسزا گفت درین هفته به هرجا که نشست
زجر آن ابله‌دون گر نکنی جایز نیست
دفع آن سفله فریضه است به هر چاره که هست
گفتم ای دوست بدینها دل خود خسته مدار
که ز بیهودهٔ دونان دل پرمایه نخست
بگذار این همه را گر به تکلیف شنوی
نکته‌ای بشنو و می‌دار به خاطر پیوست
شهسوار دل من آنکه به تائید خرد
نوبت پنجم خود بر نهمین چرخ ز دست
نظم از این‌سان و سخن خوبتر آغاز کند
چرخ گوید به از این نثر به نتوان پیوست
درسی از علم حقایق چو کند او املا
بردش روح ملک تحفه صفت دست به دست
قلم فتوی شرعی چو بگیرد به بنان
جان نعمان و محمد شود از نازش مست

کـی کـند گـوشهٔ خـاطر سـوی بـهتان عـوام
لشکیی (پاره) خر خرد سگ صفت دیوپرست

عـامه دیـوند بـه مـعنی و بـه صـورت مـردم
جـز بـلا حـول یـقین از کـفشان نـتوان رست

جـاهلان در حـق یـزدان بـه سـرودن گـفتند
دختر و صورت گـاو ایـن هـمه در قـرآن هست

انـبیا را بـه کـهانت هـمه نسـبت کـردند
مـصطفی نـیز از ایشـان بـه سـلامت نـبرست!

حـق تـعالی چـو زبـانهای عـوام از پـی خـود
و انبیا هیچ نبسته است ز مـن خـواهـد بست؟

غزل از اوست:

گـلشن تـا خـط زنگـاری بـرآورد — عقیقش سر بـه خـونخواری بـرآورد
چـو کـافورش ز عـنبر حـله پـوشید — دمـار از مشک تـاتاری بـرآورد
چو عکس سبزه دید آن نرگس مست — فـغان از جـان بـه هشـیاری بـرآورد
مـرا آن چشـم جـادو آشکـارا — بکشت و سـر بـه بـیماری بـرآورد
رخش جانم ببرد و طرفه ایـن است — کـه گـوید خـط بـیزاری بـرآورد
مـرا گـفتا کـه جـانت بـر لب آمـد — خطش جـا نـیست پـنداری بـرآورد
نصیب شمس کیشی خـار غـم شـد — گـلشن تـا خـط زنگـاری بـرآورد

شمس‌الدین محمد کیشی در ۶۹۴ هـ. ق، در شیراز درگذشت و در خانه‌اش که در کوی سردزک بود، به خاک سپرده شد.

۷ـ۲ـ سعدالدین ارشد

امام سعدالدین ارشد، از مردم کیش بود. در آغاز ایجاد حکومت خاندان بنی‌قیصر (حدود ۴۳۳ هـ. ق) امامت جزیرهٔ کیش را داشت و خاندان وی نیز سالها این سمت را برعهده داشته‌اند.

امام سعدالدین، از دانشمندان و نویسندگان آن دوران بود و تاریخ خاندان بنی‌قیصر را در کتابی به نام «قرآن السعدین» نوشته است.

۷ـ۳ـ ملک قطب‌الدین تهمتن

ملک قطب‌الدین تهمتن، پسر گردان‌شاه، امیر کیش و هرموز بود. وی پس از درگذشت پدرش در ۷۱۷ هـ. ق، به حکومت کیش، دست یافت.

ملک قطب‌الدین از امیران مدبر، مدیر، نیک‌سرشت و خیرخواه بود، و به خوبی حکومت کرد. ابن‌بطوطه در سفرنامهٔ خود، از وی به نیکی یادکرده و او را متواضع و نیک‌خوی دانسته و گفته است، هرگاه فقیه یا صالح یا سیدی به جزیرهٔ کیش وارد می‌شد، ملک قطب‌الدین به دیدارش می‌رفت و با هرکس، درخور قدر و منزلتش رفتار می‌کرد. قطب‌الدین تهمتن در ۷۴۷ هـ. ق، درگذشته است.[۱۹]

۷ـ٤ـ سایر بزرگان

در حال حاضر، در جزیرهٔ کیش، بزرگان و سفیدریشان دین‌دار، سخت‌کوش، خیرخواه و وطن‌دوست بسر می‌برند، که بعضی از آنها، عبارت‌اند از: فضلی، مولوی شمس، محمد دریابر، صمدی، بوشهری، ابراهیم سعیدی، حسینی، یوسفی، وطن‌خواه، خانه شیر، حاج عبدالعزیز خردمند، و . . .

در کنگرهٔ خلیج فارس در ادب پارسی (۳۱ اردیبهشت ـ ۲ خرداد ۱۳۷۵ هـ. ق،) در جزیرهٔ کیش آگاه شدم که ملاعبدالرحمان فضلی، امام جمعهٔ جزیره به رحمت ایزدی پیوسته است. شادروان فضلی از مردان بزرگ و فاضل جزیرهٔ کیش بود. وی علاوه بر امامت جمعهٔ کیش، به راهنمایی و ارشاد مردم این جزیره و جزیره‌های پیرامون کیش می‌پرداخت و مورد احترام مردم این ناحیه بود.

پی‌نوشتهای فصل سوم

۱ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیره کیش و دریای پارس، ص ۲۴۴ ـ ۲۵۵
۲ـ روابط عمومی سازمان عمران کیش. بررسی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جزیرهٔ کیش، ص ۳۴ ـ ۳۸
۳ـ افشار سیستانی، ایرج. نگاهی به بوشهر، جلد اول، ص ۴۱۹
۴ـ بختیاری، حسین. پیشینه جزیرهٔ کیش، بررسیهای تاریخی، سال ۱۳، شمارهٔ ۴، ص ۵۵
۵ـ ریکس، توماس. دریانوردی در خلیج فارس و رابطه با افریقای شرقی، فرهنگ ایران‌زمین، جلد ۱۸، ص ۴۱۵
۶ـ افشار سیستانی، همان کتاب، جلد دوم، ص ۶۳۲
۷ـ ویلسن، سرآرنولد. خلیج فارس، ص ۱۱۴
۸ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ کیش و دریای پارس، ص ۲۶۷ ـ ۲۷۵
۹ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ هندرابی و دریای پارس، ص ۱۲۴ ـ ۱۲۵
۱۰ـ گفتگوی حضوری ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۵ هـ . ش، با حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌آقا دُریاب در دفتر مرکزی سازمان منطقهٔ آزاد کیش، تهران.
۱۱ـ افشار سیستانی، همان کتاب، ص ۲۷۶ ـ ۲۸۲
۱۲ـ همان کتاب، ص ۲۸۳ ـ ۲۹۵
۱۳ـ رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین. دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد سوم، ص ۳۱۲
۱۴ـ نفیسی، سعید. شمس‌الدین کیشی، مجلهٔ ارمغان، سال ۱۵، شمارهٔ ۶، شهریور ۱۳۱۳، ص ۴۰۸
۱۵ـ بهاءالدین محمدبن خواجه شمس‌الدین جوینی، در دوران آباقا، حاکم اصفهان و بزرگ عراق عجم بوده، و در ۶۷۸ هـ . ق، در زنده بودن پدرش شمس‌الدین جوینی، درگذشته است.

۱۶ـ قزوینی، محمد. شمس‌الدین محمد کیشی، مجلهٔ یادگار، سال ۲، شمارهٔ ۲، ص ۶۱ ـ ۶۲

۱۷ـ فسایی، در فارس‌نامهٔ ناصری، درگذشت شمس‌الدین کیشی را ۶۶۰ هـ . ق، نوشته است، که ۶۹۴ هـ . ق، درست است.

۱۸ـ حسینی فسایی، میرزاحسن. فارس‌نامهٔ ناصری، جلد دوم، ص ۱۵۸۹

۱۹ـ افشار سیستانی، ایرج. همان کتاب، ص ۳۰۹ ـ ۳۱۱

فصل چهارم

اقتصاد جزیرهٔ کیش

۱ـ کشاورزی

۱ـ۱ـ کشاورزی پیشین کیش

بنیامین‌بن جناح از مردم تودلای اسپانیا، که در حدود ۵۶۶ هـ. ق / ۱۱۷۰ م، از جزیرهٔ کیش بازدید کرده است، می‌نویسد:

«کیش با داشتن مروارید، مزارع حاصلخیز، تاکستان، برای زندگی، جای مناسب‌تری از سیراف بود. باغها و آب‌انبارهای آن، بیشتر احتیاجات ساکنان آن‌جا را رفع می‌کرد».[1]

ابن‌مجاور، نویسندهٔ تاریخ مستنصری (۶۲۳ ـ ۶۲۱ هـ. ق)، می‌گوید:

«در جزیرهٔ کیش، نخلستان زیاد یافت می‌شود و هر نقطهٔ زمین آن را با دست بکنند، آب خارج می‌شود. یک قنات تحت‌الارضی که پادشاهان قدیم، آن را حفر کرده‌اند، از میان باغ امیری می‌گذرد».[2]

یاقوت حموی، در کتاب برگزیدهٔ مشترک خود، نوشته است:

«جزیرهٔ قیس، که آن را کیس می‌نامند، جزیره‌ای است در وسط

دریا میان عمان و فارس، جایی خوش منظر و زیبا و پر از بوستانها و نخلستانها است».[۳]

زکریا قزوینی، در کتاب آثارالبلاد و اخبار العباد (۶۷۴ هـ. ق) نبشته است:

«مرکز جزیره، شهری است بسیار خوش منظر و زیبا، باروی مستحکم دارد. باغات میوهٔ زیاد در پیرامون شهر هست».[۴]

ابوالفداء، نویسندهٔ تقویم‌البلدان (۷۲۱ هـ. ق) دربارهٔ جایگاه کشاورزی جزیرهٔ کیش، می‌گوید:

«جزیرهٔ کیش میان هند و بصره است، از آن‌جا مروارید صید کنند. به تازگی نخلهایی در آن‌جا کاشته‌اند. درختان کوهستانی نیز دارد، شرب مردمش از چاه است».[۵]

حمدالله مستوفی، در نزهة‌القلوب (۷۴۰ هـ. ق) دربارهٔ کشت کیش، می‌نویسد:

«بر آن جزیره (کیش)، زرع و نخل است و در آن‌جا غوص مروارید است. هوایش به غایت گرم است و آبش از باران که در مصالح جمع شود . . .».[۶]

ابن‌بطوطه، در سفرنامهٔ خود (۷۵۰ هـ. ق) دربارهٔ باغها و وضع آب کیش، نوشته است:

«کیش شهری است بزرگ و نیکو . . . باغهای عالی دارد، که انواع گلها و درختان سرسبز در آن به عمل می‌آورند. آب خوردنی کیش، از چشمه‌هایی است».[۷]

محمد ابراهیم کازرونی، نویسندهٔ کتاب بنادر و جزایر خلیج فارس (۱۲۵۰ ـ ۱۲۶۴ هـ. ق)، دربارهٔ زراعت و باغداری کیش، می‌گوید:

«در قدیم در جزیرهٔ کیش، قنوات و عیون و آب، جاری بوده . . . در جزیره انواع سبزیها و خیارکاریها می‌شود و معادل پنج شش هزار نخل در آن جزیره است».[۸]

در اواخر سدهٔ ۱۹ م، در کرانهٔ شمالی جزیرهٔ کیش، زراعت می‌شده و شماری نخل و درختان میوه در آن‌جا وجود داشته است.[۹] رزم‌آرا، نویسندهٔ کتاب جغرافیای نظامی ایران (۱۳۲۰ هـ. ش)، می‌نویسد:

«زراعت گندم، جو، پیاز، سیفی‌جات، فقط برای تأمین معاش و ارتزاق اهالی بوده و صادراتی ندارد. صیفی‌جات، عبارت‌اند از: خربزه، هندوانه، کدو، بادمجان، خیار، پیاز، گوجه‌فرنگی.
تعداد ۴۷۰۰ نخل در این جزیره موجود است، که محصول سالیانه‌اش ۱۲۰۰۰ کیلو می‌شود، که نصف آن، صادر می‌گردد.
سابقاً تنباکو نیز کشت می‌شد و یک رقم بزرگ صادرات جزیره را تشکیل می‌داده است».[۱۰]

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، در جزیرهٔ کیش، پیاز مرغوب و فراوان به عمل می‌آمده، که برای فروش به شیخ‌نشین دوبی صادر می‌شده است.[۱۱]

۱ـ۲ـ کشاورزی کنونی کیش

چنان که گفته شد، کشاورزی کیش در گذشته از شکوفایی خوبی برخوردار بوده است، ولی در حال حاضر در سطح محدودی کشت انجام می‌شود. جز سه باغ بزرگ، که دارای درختان میوه و نخل همراه با اندکی سبزی و صیفی‌کاری است، کشت دیگری در این جزیره معمول نیست. به همین دلیل تنها ۳ درصد از کل شاغلان جزیره، در بخش کشاورزی، باغداری و دامداری تلاش می‌کنند.

ویران شدن شماری از باغها و کشت‌زارهای موجود و از میان رفتن چاههای آب و کاریزها، از جمله عوامل قطع علاقهٔ مردم از فرهنگ کشاورزی جزیره است.[۱۲]

در ۱۳۶۷ هـ. ش، ۸۰۰۰ اصله نخل توسط سازمان عمران کیش در دو نخلستان کاشته شده و در حال گسترش است. آبیاری این نخلستانها به

صورت قطره‌ای انجام می‌شود.[۱۳]

آبیاری در حوزه‌های زیر کشت موجود، به روش سنتی انجام می‌شود. کشت برخی محصولات، دیمی است. وزارت کشاورزی در جزیرهٔ کیش فعالیتی ندارد و از این لحاظ کشاورزی کیش، با وجود استعدادهای بالقوه، در تنگناها و محرومیتهای بسیاری قرار دارد. از کل زمینهای زیر کشت جزیره، حدود ۳۰ هکتار به باغها و نخلستانها و ۲۰ هکتار به کشت صیفی‌جات اختصاص دارد، که در آنها محصولاتی، مانند: پیاز، گوجه‌فرنگی، خربزه، هندوانه، سبزیجات و توتون به‌طور پراکنده کشت می‌شود.[۱۴]

۲ـ دامداری

دامداری و پرورش دام نیز در جزیرهٔ کیش معمول می‌باشد و شیوه دامداری به روش سُنّتی است و محدود می‌شود به نگاهداری بز، گوسفند و شماری گاو.

جزیرهٔ کیش در ۱۳۶۸ هـ. ش، حدود ۲۵۰۰ رأس بز و گوسفند و ۲۰ ـ ۴۰ رأس گاو بوده است. شمار دام این جزیره در حال حاضر حدود ۳۰۰۰ رأس تخمین زده می‌شود.

پرورش طیور در جزیرهٔ کیش تنها در حد خانگی معمول است و شامل مرغ، خروس و چندگونه اردک و بوقلمون است، که با محیط سازگار شده‌اند.

جزیرهٔ کیش دارای استعداد دامداری و دامپروری است، ولی به سبب محدود بودن زمینهای قابل کشت و آب، بخش بزرگ زمینهای بالقوهٔ مساعد، از مدار استفاده از مقاصد کشاورزی و دامداری خارج شده است.[۱۵]

۳ـ شیلات

شیلات از بخشهای مهم اقتصاد جزیرهٔ کیش است، ولی این بخش نیز با وجود تواناییهای بسیار، دارای تولید اندکی است.

حوزهٔ صید در پیرامون جزیرهٔ کیش در فاصلهٔ ۱۰ ـ ۱۵ کیلومتری است،

زیرا امکان تهیهٔ ابزار صید تعقیبی، برای صیادان جزیره بسیار گران تمام می‌شود.

واحد صیادی جزیرهٔ کیش، وابسته به سازمان منطقهٔ آزاد کیش است و تأسیسات آن، شامل سردخانهٔ ۳۸۰۰ تنی و کارخانهٔ یخ ۱۲۰ قالبی در روز، همراه با کارخانه‌های پودر ماهی و کنسرو است.

در ۱۳۷۰ هـ. ش، بیشترین توان صید روزانه حدود ۴ تن در روز بوده است. حدود ۱۱۰ نفر صیاد با سازمان عمران کیش، همکاری داشته‌اند و با استفاده از امکانهای سازمان، ماهی صید شده را به آن می‌فروخته‌اند.

ماهیان صید شده، شامل ماهیان ممتاز و درجهٔ یک تا درجهٔ ۴ است. ماهیان درجهٔ یک را بیشتر شیرماهی تشکیل می‌دهد. ماهیان درجهٔ دو، عبارت‌اند از: هوور، زرده، شعری، کافر، سرخو، جاش (کیش)، طوطی، سوری و صافی.

صید ماهی در جزیرهٔ کیش توسط قلاب، تور، گرگور، و . . . انجام می‌شود، که هریک به دلیل گرانی قیمت، برای صیادان مشکلاتی به دنبال دارند.

٤ـ مروارید

گوهر پاک بباید که شود قابل فیض
ورنه هر سنگ و گِلی لؤلؤ و مرجان نشود
«حافظ»

مروارید گوهری است، که از دیرباز در ایران شناخته شده و شاید انسان برای نخستین بار از مرواریدهای دریای پارس، استفاده کرده باشد.

در دل آبهای گرم و نیلگون خلیج فارس و پیرامون جزیره‌ها، و در صدفهای رنگارنگ و زیبای آن، گوهری بی‌نظیر و نایاب به نام «مروارید» نهفته است.

مروارید آبهای جزیرهٔ کیش، همانند مروارید دیگر نقاط خلیج فارس،

نامور و گیرایی ویژه‌ای داشته و با رنگهای گوناگون، عمر بسیار و درشتی، از بهترین مرواریدهای جهان به‌شمار می‌رفته است.

از گونه‌های گوناگون مروارید خلیج فارس، بهترین آن، در صیدگاههای جزیره‌های کیش، لاوان. قشم. بُستانه و بندرهای ناحیهٔ شیب کوه، در پیرامون جزیرهٔ خارگ، مجمع‌الجزایر بحرین، قطر، و . . . یافت می‌شود.

کارشناسان و خبرگان، بر این باورند، که محصول مروارید این نواحی مرغوب و بهتر از مروارید پیرامون جزیره‌های سیلان و خلیج مکزیک است.

مروارید دراثر مبارزهٔ یک گونه حلزون در برابر مواد بیرونی به‌وجود می‌آید. چنان‌چه مکان این حلزون در نقاطی از دریا باشد که آب آن، آهک بیشتری دارد، امکان ایجاد مروارید بیشتر است. بهترین مروارید خلیج فارس، از جزیرهٔ کیش، از حلزونی به نام Meleagrina Margartitifera به‌وجود می‌آید.

جزیره‌ها و بندرهای خلیج فارس، بازار مروارید دنیای پیشین خاور زمین بوده است. صید مروارید به عنوان یکی از کارهای جانبی صیادان کیش، امروزه نیز معمول است، ولی به دلیل پرورش مصنوعی مروارید در ژاپن و دیگر نقاط، از رونق بازار مروارید کاسته شده و ارزش و اعتبار گذشتهٔ خود را از دست داده است. با این حال مروارید از کالاهای صادراتی و نفیس کیش و خلیج فارس به شمار می‌رود.

صید مروارید در خلیج فارس از جمله جزیرهٔ کیش، ضمن آثار نویسندگان پیشین اسلامی، چون مسعودی، محمّدبن نجیب بکران، خواجه نصیر طوسی، و . . . نیز پیشینه داشته است.

در حال حاضر صید صدف که به گویش محلی «غوصی» نامیده می‌شود، توسط ۱۰ نفر صیاد، با ابزار سنّتی صورت می‌گیرد. صیادان تا ژرفای ۲۰ متری آب، پایین رفته و صدف را از کف دریا جدا می‌کنند.

مرواریدهای ریز به واحد مثقال خرید و فروش می‌شود، ولی مرواریدهای

درشت، با غربال ویژه‌ای، که سوراخهایی دارد و به «طوافی» سرشناس است و هر سوراخ دارای قطر و استاندارد مشخصی است، عرضه می‌شود.

علاوه بر درشتی مروارید، عوامل دیگری، چون درجهٔ گردی، روشنی، شفافیت، صاف بودن سطح بیرونی و نداشتن لکهٔ سطحی، در تعیین ارزش آن، مؤثر هستند.

مروارید جزیرهٔ کیش چهارگونهٔ «یکه»، «گُلْوِه»، «بَدَلَه» و «ناعِم» است.

۵ـ صدف

صدفهایی که در پیرامون جزیرهٔ کیش و دیگر نقاط خلیج فارس، صید می‌شود، به دلیل شفافی و زیبایی رنگ و نقش و نگار درون آن، امتیاز ویژه‌ای دارند و همه ساله صدف زیادی به بهای ارزان به صادرکنندگان فروخته می‌شود و در خارج از کشور به اشیاء زینتی و گرانبها، تبدیل می‌شوند.

۶ـ مرجان

صید مرجان نیز در پیرامون جزیره کیش معمول است. صیادان مرجانهای صید شده را پس از خشک و تمیز کردن با مواد شیمیایی پاک‌کننده، به چند باب فروشگاه بازار صفین می‌فروشند.

مشتری مرجانها، مسافران و جهانگردانی هستند که از جزیره دیدن می‌کنند. بهای مرجانِ باز و چتری، گرانتر از گونهٔ خوشه‌ای آن است، بزرگی و رنگ روشن آن، در تعیین بهای مرجان تأثیر دارد.[۱۶]

۷ـ صنایع

۷ـ۱ـ صنایع دستی

گسترش هنرهای دستی در جزیرهٔ کیش با توجه به فراوانی مواد اولیه، چون صدف، استخوان ماهی، لاک‌پشتهای دریایی، مرجان، ستارهٔ دریایی و

دیگر پوسته‌های نرم‌تنان دریایی، از جمله کارهایی است که می‌توان در آینده به هنرهای دستی جزیرهٔ کیش سامان داد.

۷-۲-صنایع دریایی

صنایع دریایی جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از: کارخانهٔ کنسرو ماهی، کارخانهٔ پودر ماهی، سردخانه، کارگاه تولید قایقهای فایبرگلاس، کارخانهٔ کشتی‌سازی، و ...[۱۷]

۷-۳-جهانگردی

در بند یکم قطعنامهٔ کنفرانس جهانگردی سازمان ملل، روم، آمده است:

«جهانگردی، مسالمت‌آمیزترین جنبش خانوادهٔ بشری است، که در پیشرفت دانش، فرهنگ و اقتصاد جوامع، اثر مستقیم می‌گذارد و می‌تواند به عنوان مؤثرترین عامل در ایجاد تفاهم میان ملل و استوار نمودن مبانی صلح جهانی، نقش اساسی ایفا نماید».

پژوهشگران و کارشناسان در امور صنعت جهانگردی، جهانگرد و جهانگردی را به شکلهای گوناگون تعریف کرده‌اند، در زیر به برخی از آنها، اشاره می‌شود:

جهانگرد، کسی است، که به‌طور موقت مسافرت نماید و در کشور مورد نظر حداقل ۲۴ ساعت بسر برد. به بیان دیگر کسانی که در یک دورهٔ ۲۴ ساعته یا بیشتر به یک کشور خارجی مسافرت می‌کنند، توریست خوانده می‌شوند. جهانگردی یک پدیدهٔ نوین در دادوستدهای بین‌المللی است، که در اندک زمانی با رشد و گسترش تند، توانسته است اقلام بزرگی از دادوستدهای جهانی را به خود اختصاص دهد.

به باور کراپف و هون سیکر، استادان و پژوهشگران جهانگردی، توریسم،

عبارت است از:

«مجموع روابط و اموری که در اثر تغییر محل و اقامت اشخاص در بیرون از محل اقامت همیشگی خودشان انجام گیرد، به صورتی که این اقامت و تغییر محل، هدفش فعالیتی سودآور نباشد».

واژه جهانگردی در برابر واژهٔ انگلیسی توریسم، به فرهنگ ایرانیان وارد شده است، اگر بخواهیم برای کسانی که در درون ایران از شهری به شهر دیگر می‌روند، واژهٔ جهانگرد به‌کار ببریم، درست نیست و به همین جهت در سالهای اخیر، واژه ایرانگرد و ایرانگردی رواج یافته و مسافران داخلی را «ایرانگرد» نامیدند.

در دایرةالمعارفهای بزرگ جهان، توریست را به کسانی اطلاق کرده‌اند، که محل دایمی خود را برای ۲۴ ساعت ترک می‌کنند، چه برای اقامت در شهری در همان کشور یا برای ترک کشور و اقامت در کشوری دیگر.

بنابراین واژگان توریست و توریسم، جامع‌تر و در گیرندهٔ کسانی است، که محل زندگی خود را موقتاً ترک می‌کنند.

توریسم، یکی از بهترین وسایل برای خشنود کردن حس کنجکاوی و به دست آوردن آگاهیها و گسترش پیوندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. به علاوه ایجاد تنوع و رفع خستگی هم می‌کند. حتی بعضی از مردم، کاربرد اصلی توریسم را رستن از قید و بندهای زندگی در چارچوب ملی می‌دانند.

جاذبه‌های دیدنی ایران در کرانه‌های آبهای نیلگون خلیج فارس، که از اهمیت جهانگردی بسیاری برخوردار است، در زمستان و بهار، شمار زیادی از ایرانگردان و جهانگردان را به سوی خود می‌کشاند.

کناره‌های آبی خلیج فارس در هرمزگان، به‌ویژه جزیرهٔ کیش، که از مظاهر طبیعت به شمار می‌روند، از لحاظ صنعت جهانگردی در این منطقه به اقتصاد این نواحی کمک خواهد کرد.

جزیرهٔ کیش به دلیل جایگاه ویژهٔ جغرافیایی، طبیعی و اقلیمی خود، و داشتن کرانه‌های زیبا و مناسب، برای ۷ ـ ۸ ماه از سال، آمادهٔ استفاده از طرحها و برنامه‌های جهانگردی است. در حال حاضر با توجه به ویژگیهای طبیعی پیرامون جزیره، جایگاه برتر، امکانهای رفاهی و خدماتی جزیرهٔ کیش در میان شیخ‌نشینهای دریای پارس، بیش از یکصد میلیارد ریال سرمایه‌گذاری، این جزیره به صورت یکی از مراکز تفریحی و جهانگردی منطقه درآمده است.[18]

در سالهای اخیر، گامهای بسیار بلندی در راه بازسازی و نوسازی مجموعهٔ سیاحتی ـ تفریحی جزیره برداشته شده است. کاخها و بناهای فراموش شدهٔ در حال ویرانی بازسازی شده‌اند. مهمانسراها، ویلاها، بازارها و مراکز تفریحی بسیاری ساخته شده و با ایجاد تأسیسات زیربنایی توزیع آب شیرین، برق، مخابرات و خدمات گستردهٔ حمل‌ونقل زمینی، هوایی، دریایی، جزیرهٔ کیش با سرعت به سوی دوران شکوه گذشتهٔ دور خود، گام برمی‌دارد.

برای گسترش جزیرهٔ کیش، تاکنون یکصد میلیارد ریال هزینه شده است. در ۱۳۷۵ هـ . ش، نیز برای اجرای طرحهای گسترش کیش، یکصد میلیارد ریال اعتبار تعیین شده است. یکصد میلیارد ریال نخست طی ۳۶ ماه گذشته در اجرای ۱۲۶ طرح زیربنایی، شامل ایجاد تأسیسات، اماکن فرهنگی، بازرگانی، ورزشی، و فضای سبز هزینه شده است.

در طرح جامع جزیرهٔ کیش، ۵۵ درصد از زمینهای جزیره به بخش جهانگردی و بقیه به بخشهای صنعتی، بازرگانی، مسکونی و خدماتی اختصاص یافته است.

برای پذیرش مسافران و میهمانان در کیش، بیش از ۶ هزار تخت در هتلها و مکانهای اقامتی تهیه شده است و به‌طور میانگین سالانه ۶۰۰ هزار نفر از کیش دیدن می‌کنند.[19]

نقاط دیدنی و جاذبه‌های جهانگردی جزیرهٔ کیش، عبارت‌اند از:

۷-۳-۱- مراکز تفریحی وگردشی

۱) کرانه‌های کیش: کرانه‌های بی‌نظیر این جزیرهٔ مرجانی، زیبا و طرب‌انگیز در فصلهای سال و ساعتهای گوناگون روز دارای جلوه‌های بدیع و زیبایی از شاهکارهای طبیعت است. کرانهٔ خاوری و شمال خاوری و جنوبی جزیرهٔ کیش از زیباترین کرانه‌های جهان است. در کرانه‌های جنوب باختری می‌توان شاهد زیباترین غروب خورشید بود.

۲) مرکز پرورش مروارید: چنان که گفته شد، مروارید از گوهرهای باارزش است و خلیج فارس از سرشناس‌ترین مراکز تولید این گوهر گرانبهاست. بازدید از مرکز پرورش و کشت مروارید را بایستی از جذابترین خاطره‌های سفر به کیش دانست.

۳) پارک جنگلی: در گوشهٔ خاوری جزیره، پارک طبیعی ایجاد گردیده، که آهوان زیبا آزادانه در آن، زندگی می‌کنند. بسیاری از گونه‌های گیاهی کمیاب را نیز در این پارک می‌توان یافت.

٤) اکواریوم بزرگ کیش: این مجموعه در بخش خاوری جزیره قرار دارد و با ترکیب زیبایی از هنر معماری، گونه‌های گوناگون ماهیان و آبزیان پیرامون جزیره را به بازدیدکنندگان ارائه می‌دهد.

۵) گشت هوایی و دریایی: پرواز با هلی‌کوپتر بر فراز جزیرهٔ کیش و سفر به جزیرهٔ زیبای هندرابی یا پردیس خلیج فارس و نیز قایقرانی در آبهای کرانه‌ای کیش از خاطراتی است، که هرگز فراموش نمی‌شود.

۶) اسکلهٔ تفریحی: در این اسکله که در کنار ساختمان کرانه و در نزدیکی هتل شایان قرار دارد، قایقهای تفریحی و وسایل غواصی، ماهیگیری و اسکی روی آب موجود است.

۷) پارک کودک: این پارک که در برابر هتل شایان قرار دارد، محیط شادی‌بخشی برای کودکان به‌شمار می‌رود.

۸) آثار تاریخی: چنان که گفته شد، در جزیرهٔ کیش آثار تاریخی بسیاری

وجود دارد، که در حال حاضر بازسازی برخی از آنها به پایان رسیده است. از جملهٔ این بناها می‌توان از بازماندهٔ شهر تاریخی حریره، مسجد حضرت امیر(ع) با معماری محلی، لنگرگاه، پلکانهای سنگی و دالان تعبیه شده از کرانه تا کاخ حریره، و . . .

۹) پلاژ: با ایجاد دو پلاژ زیبا و مجهز برای بانوان، محیط مناسبی برای تفریح و ورزش بانوان فراهم آمده است. پلاژ بزرگ آقایان با امکانهای مناسب برای شنا و دیگر ورزشهای دسته جمعی آبی، یکی از مراکز کشیدن مسافران به کیش است.

۱۰) مجموعهٔ درخت سبز: در پیرامون یکی از کهنسال‌ترین درختان کیش، مجموعه‌ای تفریحی و دیدنی بنا گردیده، که از زیباترین و پُرجاذبه‌ترین مراکز جزیره است، که جهانگردان و ایرانگردان را به خود، فرا می‌خواند.

۷ـ۳ـ۲ـ بازارها و مراکز خرید

۱) بازار پردیس: این بازار از زیباترین و بزرگترین مجموعه‌های بازرگانی کیش است، که با برخورداری از سیستم تهویهٔ مطبوع در همهٔ روزهای سال، هوایی دلنشین دارد.

۲) بازار مریم: این بازار دارای معماری ویژه‌ای است و در نزدیکی بازار کیش ایجاد شده است.

۳) بازار کیش: این مرکز خرید با فروشگاههای بسیار دارای معماری زیبا و آب‌نماهای دیدنی است.

۴) بازار ساحل: این بازار در طبقهٔ همکف ساختمان ساحل قرار دارد. بازاری زیباست، که از سیستم تهویهٔ مطبوع نیز برخوردار است.

۵) بازار صفین: در بخش باختری جزیره قرار دارد و توسط بازرگانان محلی اداره می‌شود و دارای معماری جالب توجهی است.

۶) بازار پارس خلیج: این بازار در فضای باز و در بخش جنوب باختری جزیره بنا شده است.

۷) مرکز بازرگانی بین‌المللی کیش (کیش الیت): این مجموعهٔ فروشگاهها، که در کرانهٔ خاوری جزیره قرار گرفته است، دارای معماری ویژه و دیدنی است. کرانهٔ برابر آن نیز بسیار تماشایی است.

۸) بازار دریا: این بازار در کنار ساختمان ساحل قرار دارد و مجهز به سیستم تهویهٔ مطبوع است.

۹) مجموعهٔ بازرگانی سیاحتی مرجان: این مجموعه در بخش خاوری جزیره قرار گرفته و دارای آکواریوم‌های طبیعی و آب‌نماهای زیبا و فضای سبز و دیدنی با فروشگاههای بسیار است.

۱۰) بازار مروارید: این بازار به سبک معماری باستانی تخت جمشید ساخته شده که در نزدیکی شهر صدف قرار دارد و کالاهای صادراتی ایران، در این بازار عرضه می‌شود.

۷-۳-۳- مهمانسراها

۱) هتل بزرگ شایان: این هتل در کرانهٔ دریا بنا گردیده و دارای ۱۵۱ اتاق لوکس و ۴۴ واحد ویلایی خوش منظر به نام کابانا و رستورانی بسیار زیبا به نام قارچ است. اتاقهای این هتل، چشم‌انداز بسیار زیبایی بر کرانهٔ کیش دارند.

۲) هتل گلدیس: این هتل دارای ۷۸ باب اتاق و سرویس کامل و یک رستوران بسیار جالب است.

۳) هتل ساها: این هتل دارای ۱۰۴ اتاق و سرویس است. یک چایخانه نیز در این هتل دایر است.

٤) مهمانسراهای صحرا: این دو واحد مهمانسرا، که با مدیریت جداگانه توسط بخش خصوصی اداره می‌شود، طرح و نمایی یکسان دارد. این واحدها نسبت به دیگر مراکز ارزانتر بوده و همه‌گونه امکانهای لازم برای آن، درنظر گرفته شده است.

۵) دیگر مراکز اقامتی کیش: علاوه بر میهمانسراهای یاد شده، مجموعه‌های ویلایی دیگری نیز برای اسکان میهمانان جزیره ایجاد شده است، که عبارت‌اند از: ویلاهای تات تورز، دیدنیها، ارم، دلفین، ونوس، کیش الیت، سالار کیش.

۷-۳-٤-تالارهای خوراک‌خوری

۱) رستوران گلدیس: در طبقه همکف هتل گلدیس، رستوران جالبی دایر می‌باشد، که یکی از مراکز مناسبِ صرف خوراک در سطح جزیره است.

۲) رستوران قارچ هتل شایان: هتل شایان دارای رستورانی بسیار زیباست، که در طبقهٔ زیرین هتل قرار دارد و با معماری و ویژگیهای خود، دارای محیطی دلپذیر است.

۳) رستوران میرمهنا: این رستوران، که به نام یکی از سرداران رشید منطقهٔ بوشهر به نام میر مهنا بندر ریگی، که هلندیان را از جزیره خارگ و خلیج فارس فراری داد، نامگذاری شده است. این رستوران با الهام از داخل کشتیهای دزدان دریایی طراحی و تزیین شده است. درون آن، بسیار زیبا و محیطی آرام بوده و در کرانهٔ خاوری جزیره قرار گرفته است.

٤) رستورانهای ساختمان ساحل: در ساختمان ساحل، سه رستوران و چایخانهٔ جداگانه وجود دارد، که رستوران طبقهٔ همکف به لحاظ دسترسی آسان برای مشتریان غرفه‌های بازار ساحل، دارای اهمیت است. رستوان چشم‌انداز و چایخانهٔ افسانه با معماری و تزئینات بسیار زیبا در طبقهٔ بالا قرار دارند.

۵) رستوران کاخ: این رستوران زیبا با چشم‌اندازی بزرگ بر آبهای نیلگون خلیج فارس، خوراکهای ایرانی و دریایی را به میهمانان ارائه می‌دهد.

۶) چایخانهٔ سنّتی و رستوران درخت سبز: این چایخانه با بافت طبیعی در محدودهٔ بخش شمال باختری جزیره در مسیر صفین قرار دارد، و دارای چشم‌اندازی بسیار زیباست.

۷) رستوران پدیدهٔ مرجان: این رستوران در کنار مجموعهٔ مرجان کیش و روبروی دریا، قرار دارد، که با خوراکهای گوناگون آمادهٔ پذیرایی از میهمانان است.

۸) رستوران پارس خلیج: در مرکز بازار پارس خلیج، رستوان ساده و راحتی قرار گرفته، که از خوراک‌خوریهای مناسب در جزیره است.

۷ـ۳ـ۵ـ زیستگاه جانوران وحشی

جزیره کیش، زیستگاه گونه‌هایی از جانوران، پرندگان، آبزیان دریایی و محل رشد گیاهان گوناگونی، همانند نخل خرما، موز و نارگیل است. جز آهو، که گروهی از آنان در ۱۳۶۳ هـ. ش، در جزیره رها شدند، گونه‌های جانوران دیگری نیز در جزیره یافت می‌شوند، از جمله سوسمارهای گوناگون، گونه‌های لاک‌پشت، موش سیاه، راسو، موش خرما.

جزیرهٔ کیش زیستگاه دهها گونه پرندهٔ کرانه‌ای یا غیر کرانه‌ای، مانند: عقاب، حواصیل، کبوتر، سبزقبا، بلبل خرما، و . . . است.

گوناگونی آبزیان دریایی به شکل شگفت‌انگیزی در پیرامون جزیره دیده می‌شود، از جمله می‌توان به دهها گونه لاک پشت دریایی، ماهیان بسیار زیبا و آبزیان دیگر، مانند: ستارهٔ آبی، مرجان، عروس دریایی، شاه میگو، و . . . اشاره کرد.

۷ـ۳ـ۶ـ نکات بایسته

نکاتی که میهمانان جزیرهٔ کیش بایستی به آن دقت کنند تا لحظاتی شیرین، آرام و خاطره‌انگیز در کیش داشته باشند.

۱) بلیط برگشت را در مبدأ تهیه فرمایید تا در کیش نگران تهیهٔ آن، نباشید.

۲) از حمل مواد خوراکی به کیش به لحاظ مشکلات نگهداری و پخت و امکان ایجاد مسمومیت، خودداری فرمایید.

۳) از حمل وجه نقد به جزیره خودداری و با گرفتن چکهای بانکی نظیر «کیش چک» بانک ملت یا حسابهای در گردش سایر بانکها، نیازهای خود را تأمین کنید.

۴) دقت فرمایید در هنگام خرید، سقف قانونی معافیت کالا برای جلوگیری از مشکلات بعدی کاملاً رعایت شود.

۵) نظر به این که کشیدن سیگار در اماکن عمومی جزیره ممنوع است، به این نکته توجه فرمایید.

۶) مقررات راهنمایی و رانندگی در کیش به‌طور جدی اعمال می‌شود، چنان‌چه برحسب ضرورت رانندگی نمودید، مقررات رانندگی را رعایت فرمایید و نسبت به بستن کمربند ایمنی و خودداری از سوار کردن سرنشین اضافی، دقت لازم را داشته باشید.

۷ـ۳ـ۷ـ آگاهیهای بایسته

تلفنهای ضروری و مورد احتیاج مسافران، عبارت‌اند از: [۲۰]

کد کیش	۰۷۶۵۳
سازمان منطقهٔ آزاد کیش	۲۱۴۱ ـ ۲۱۴۲
مؤسسهٔ سیاحتی کیش	۲۴۳۴ ـ ۲۴۳۵
اطلاعات فرودگاه	۲۱۰۰ ـ ۲۴۶۰
بیمارستان	۲۲۱۸
تاکسی تلفنی	۲۲۰۰ ـ ۲۴۰۰
انتظامات	۲۳۳۵
گمرک فرودگاه	۲۵۷۷
گمرک اسکله	۲۹۵۵
اورژانس	۲۲۱۱

۸ـ معادن

معادن گوگرد و زرنیخ در جزیرهٔ کیش وجود دارد، که در گذشته شرکتهای گوناگونی به استخراج و صادر کردن آنها، می‌پرداختند.

۹ـ بازرگانی

۹ـ۱ـ بازرگانی کیش در گذشته

پیشینهٔ تاریخی جزیرهٔ کیش نشان می‌دهد، که شکوفایی بازرگانی این جزیره، از روزگاری شروع می‌شود، که مرکز دادوستد کالا در کرانه‌های جنوبی ایران در سده ۶ هـ. ق، از سیراف به جزیرهٔ کیش منتقل گشت.

به دنبال این جابه‌جایی، شهر حریره در شمال جزیره، که جایگاه بندرگاهی مناسبی داشته است، گسترش یافته و در روزگار غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان و مغولان تا زمان چیرگی پرتغالیان، مرکز پیوند بازرگانی بین ایران، هندوستان و بین‌النهرین و بزرگترین مرکز دادوستد و بندرگاهی دریای پارس بوده است.

بنیامین‌بن جناح، بازرگان و خاخام یهودی شهر تودلا در اسپانیا، می‌نویسد:

> *«تجار هند و سایر جزایر، کالا و اجناس خود را برای فروش بدان‌جا می‌آورند و تجار بین‌النهرین و یمن و ایران، انواع پارچه‌های ابریشمی و ارغوانی وکتان و پنبه و شاهدانه و ماش وگندم و جو و برنج و غیره به آن‌جا صادر می‌کنند. تجار هندی، ادویه وارد می‌کنند و شغل اهالی جزیره، دلالی کالای خارجی است».*

از کالاهای مهمی که از راه خلیج فارس به کشورهای خاور دور صادر می‌شده، اسبان گرانبها بوده است. این اسبان در دشتهای خوزستان پرورش می‌یافته و صدور آنها از خلیج فارس، از راه جزیرهٔ کیش به کشورهای دیگر تا

سده‌های اخیر رایج بوده است.

عبدالله‌بن فضل‌الله، نویسندهٔ کتاب تاریخ وصاف، نوشته است، که همه ساله از جزیرهٔ کیش، ۱۴۰۰ اسب به هندوستان و کشور مَعبَر (شبه جزیرهٔ مالایا) صادر می‌شده است.

بارتولد، در تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ایران (۱۳۰۸ هـ. ش) دربارهٔ بازرگانی هرمز و کیش، نوشته است:

«*در قرن دهم میلادی، هرمز بندرگاه کرمان بود. بعدها قسمت عمدهٔ تجارت بحری با هندوستان، در دو نقطه تمرکز یافته بود، که یکی هرموز و دیگری کیش بود... اهمیت تجارتی هرموز و کیش، در زمان مغول‌ها نیز برقرار بود. بنا به گفتهٔ مارکوپولو، صادرات عمدهٔ هرمز و کیش و نقاط دیگر به هندوستان، در مقابل امتعهٔ هند، اسب بود...*».

بنابراین بایستی گفت، که جایگاه تاریخی و بازرگانی جزیرهٔ کیش مدیون جایگاه جغرافیایی آن بوده و تبدیل به یکی از بزرگترین مراکز مهم تولید و دادوستد کالا در خلیج فارس بیشتر به سبب همین جایگاه جزیره‌ای آن می‌باشد، که در نزدیکی خشکی است.

۹ـ۲ـ بازرگانی کنونی کیش

از سدهٔ ۱۸ م، با وجود کوششهای زیادی که انجام گرفت، جزیره‌های خلیج فارس، نتوانستند جایگاه بازرگانی گذشتهٔ خود را به دست آورند. فرو شدن بازرگانی جزایر، از جمله کیش، تا دهه‌های اخیر کماکان ادامه داشت. تا پایان جنگ جهانی دوم و تثبیت جایگاه کشورهای کناره خلیج فارس از یک‌سو و اهمیت یافتن نفت به عنوان یک کالای مهم و استراتژیک، بار دیگر جزیره‌های خلیج فارس مورد توجه حکومت مرکزی ایران قرار گرفتند.

تا پیش از ایجاد سازمان عمران کیش، بازرگانی به صورت آزاد در کیش

جریان داشت، حوزهٔ رخنهٔ خدمات بازرگانی جزیرهٔ کیش، از جنوب، امارات عربی متحده و از شمال، تا بندرهای کرانه‌ای ایران بود. بدین ترتیب بازرگانان جزیرهٔ کیش، واسطه‌ای میان ایران و امارات عربی متحده بودند، که با توجه به نیاز، کالاهای خارجی را به بازارهای داخلی حمل کرده و از درآمد حاصل از فروش آن، بهره‌مند می‌شدند.

با ایجاد سازمان عمران کیش، برای گسترش بازرگانی، طرح تازه‌ای به اجرا گذاشته شد. بدین ترتیب که در برابر تخلیهٔ بخشهای خاوری جزیره که در محدودهٔ طرح بودند، امتیاز بازرگانی آزاد به محلیان واگذار شد. آنان اجازه یافتند با استفاده از ارز دولتی، برخی کالاها را وارد کرده و بفروشند و کالاهای صادراتی، شامل: فرش، خرما، مرکبات، خشکبار، از لنگه، چارک و بندرعباس گرفته و به امارات عربی متحده حمل می‌کردند.

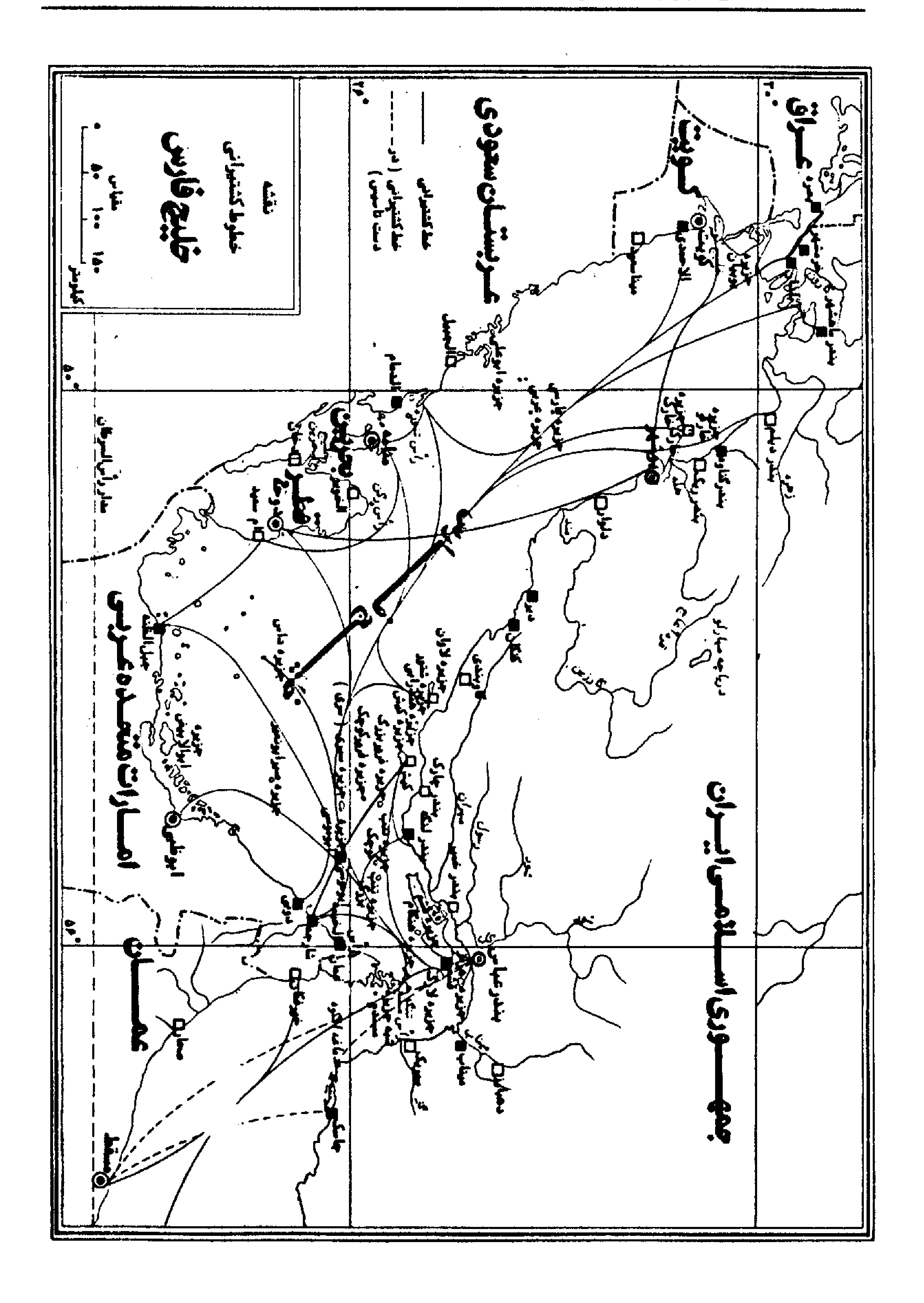
سیستم حمل‌ونقل کالا بیشتر دریایی بود و توسط لنج یا کشتیهای کوچک انجام می‌گرفت. کالاهایی که بازرگانان کیش وارد می‌کردند، عبارت بودند از: ابزار صوتی، آرایشی، عطر، الکتریکی، پوشاک، کفشهای ورزشی و سیگار.

با اعلام جزیره کیش به عنوان بندر آزاد، نخستین گام در راه ایجاد یک زمینهٔ فعالیت اقتصادی در سطح جزیره برداشته شد.

۱۰ـ راهها و حمل‌ونقل

۱۰ـ۱ـ اسکله و حمل‌ونقل دریایی

جزیرهٔ کیش دارای اسکله‌ای به درازای ۷۰۰ متر، پهنای ۵ ـ ۷ متر و آبخور ۵ متر، با توانایی سیصد هزار تن کالا در سال است. در این اسکله به دلیل آبخور کم، کشتیهای بزرگ قادر به پهلو گرفتن نیستند، ولی با شروع بهره‌برداری از اسکلهٔ تازه به درازای ۲۵۰ متر، پهنای ۳۰ متر و آبخور ۱۰ متر، این کشتیها خواهند توانست در کنار اسکلهٔ تازه پهلو بگیرند، که مراحل اجرایی خود را می‌گذراند.



نقشهٔ خط‌های کشتیرانی خلیج فارس

در حال حاضر روزانه کشتیهای والفجر ۸، مسیر لنگه و جزیرهٔ کیش را در ۵ ساعت، و یک روز در میان مسیر بندرعباس و جزیرهٔ کیش را ۱۶ ـ ۱۸ ساعت طی می‌کنند. قایقهای تندرو بین چارک و جزیرهٔ کیش ۳۰ دقیقه در رفت‌وآمد هستند. موتور لنجها نیز بین لنگه ـ بندرعباس ـ دوبی ـ شارجه و کیش به حمل‌ونقل دریایی می‌پردازند.

۱۰ـ۲ـ فرودگاه و حمل‌ونقل هوایی

فرودگاه بین‌المللی کیش در ۱۳۵۴ هـ. ش، ساخته شده است و دارای دو ترمینال است، که با بستن قراردادهایی در حال تجهیز و تکمیل است و گسترش پایانه‌های فرودگاهی مراحل اجرایی خود را می‌گذرانند. در این فرودگاه بیش از ۲۰ پرواز در هفته انجام می‌شود، که مسافر و کالا به شهرهای دیگر ایران، شیخ‌نشینهای خلیج فارس، آسیای مرکزی، و . . . حمل می‌کنند.[۲۱]

پی‌نوشتهای فصل چهارم

۱ـ ریکس، توماس. دریانوردی در خلیج فارس و رابطهٔ آن با افریقای شرقی، فرهنگ ایران‌زمین، جلد ۱۸، ص ۴۱۵

۲ـ ویلسن، سرآرنولد. خلیج فارس، ص ۱۱۴

۳ـ حموی یاقوت. برگزیده مشترک یاقوت حموی، ص ۱۵۶

۴ـ قزوینی، زکریا. آثار البلاد و اخبارالعباد، ص ۵۳

۵ـ ابوالفداء. تقویم‌البلدان، ص ۴۲۵

۶ـ مستوفی، حمدالله. نزهةالقلوب، ص ۱۳۶

۷ـ ابن‌بطوطه. سفرنامهٔ ابن‌بطوطه، ص ۳۰۶

۸ـ کازرونی، محمدابراهیم. تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس، ص ۱۱۱

۹ـ رزم‌آرا، تیمسارعلی. جغرافیای نظامی ایران، جزایر ایران در خلیج فارس، ص ۲۸

۱۰ـ همان کتاب، ص ۳۷ ـ ۳۸

۱۱ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ کیش و دریای پارس، ص ۳۲۱

۱۲ـ روابط عمومی سازمان عمران کیش. بررسی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، جزیرهٔ کیش، ص ۲۵ ـ ۲۶

۱۳ـ معاونت برنامه و بودجهٔ سازمان عمران کیش. گزارش اهم فعالیتهای سازمان عمران کیش و شرکتهای تابعه در ۱۳۶۷، ص ۲۷

۱۴ـ روابط عمومی سازمان عمران کیش، همان نشریه، ص ۲۶

۱۵ـ همان نشریه، ص ۲۶ ـ ۲۸

۱۶ـ افشار سیستانی، همان کتاب، ص ۳۲۶ ـ ۳۳۸

۱۷ـ همان کتاب، ص ۳۴۷ ـ ۳۵۵

۱۸ـ افشار سیستانی، ایرج. جهانگردی در ایران، زیر چاپ.

۱۹ـ یزدان‌پناه، مهندس محمدرضا. کنگرهٔ خلیج فارس در ادب پارسی، ۳۱ اردیبهشت ـ ۲ خرداد ۱۳۷۵ هـ . ش، جزیرهٔ کیش.

۲۰ـ مؤسسهٔ توسعهٔ سیاحتی کیش. کیش، مروارید خلیج فارس، ص ۴ ـ ۱۳

۲۱ـ افشار سیستانی، ایرج. جزیرهٔ کیش و دریای پارس، ص ۳۵۷ ـ ۳۶۹



فهرستها

نمایه:

۱ـ نام کسان

۲ـ نام مکان‌ها

نام کسان

نام مکان‌ها

فهرست منابع

۱ـ آبادی باویل، محمد. **ظرائف و طرائف**، تهران، انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۸

۲ـ آیتی، عبدالمحمد. **تحریر تاریخ وصاف**، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، خرداد ۱۳۴۶

۳ـ ابن‌بطوطه. **سفرنامهٔ ابن‌بطوطه**، جلد اول، ترجمهٔ دکتر محمدعلی موحد، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹

۴ـ ابن‌بلخی. **فارس‌نامه**، به اهتمام لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳

۵ـ ابوالفداء. **تقویم البلدان**، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، پاییز ۱۳۴۹

۶ـ اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. **تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران**، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳

۷ـ اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. **مرآة‌البلدان**، جلد اول، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۶۷

۸ـ افشار سیستانی، ایرج. **جهانگردی در ایران**، زیر چاپ

۹ـ افشار سیستانی، ایرج. **جزیرهٔ کیش و دریای پارس**، تهران، شرکت انتشارات جهان معاصر، تابستان ۱۳۷۰

۱۰ـ افشار سیستانی، ایرج. **جزیرهٔ هندرابی و دریای پارس و نگاهی به جزایر فارور و فارورگان**، تهران، بی‌نا، زمستان ۱۳۷۱

۱۱ـ افشار سیستانی، ایرج. **نگاهی به بوشهر**، جلد اول، تهران، مؤسسهٔ انتشاراتی و آموزشی نسل دانش، تابستان ۱۳۶۹

۱۲ـ امام شوشتری، سید محمدعلی. **فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی**، تهران، انجمن آثار ملی، تیر ۱۳۴۷

۱۳ـ بختیاری، حسین. **پیشینه تاریخی جزیرهٔ کیش**، بررسیهای تاریخی، سال ۱۳، شمارهٔ ۴، مهر ـ آبان ۱۳۵۷

۱۴ـ جعفری، عباس. **شناسنامهٔ جغرافیای طبیعی ایران**، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۶۳

۱۵ـ جلالی، محمدعلی. **صنعت ماهی در خلیج فارس**، تهران، بی‌نا، فروردین ۱۳۳۹

۱۶ـ جناب، محمدعلی. **خلیج فارس، نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۵۶

۱۷ـ حافظ‌نیا، محمدرضا. **خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگهٔ هرمز**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۷۱

۱۸ـ حسینی فسایی، حاج میرزاحسن. **فارس‌نامهٔ ناصری**، جلد دوم، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷

۱۹ـ حموی، یاقوت. **برگزیدهٔ مشترک یاقوت حموی**، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۴

۲۰ـ دورانت، ویل. **تاریخ تمدن**، مشرق‌زمین گاهوارهٔ تمدن، ترجمهٔ احمد آرام، پاشایی و آرین‌پور، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، شهریور ۱۳۶۵

۲۱ـ دهقان، ابوالحسن. **نامهای ایرانی جزایر و بنادر خلیج فارس**، مجموعهٔ سخنرانیهای دومین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی، جلد دوم، به کوشش حمید زرین‌کوب، مشهد، دانشگاه فردوسی ۱۳۵۲

۲۲ـ رزم‌آرا، حسینعلی. **جزایر خلیج فارس**، سمینار خلیج فارس، جلد اول، تهران، ادارهٔ کل انتشارات و رادیو، مهر ۱۳۴۱

۲۳ـ رزم‌آرا، علی. **جغرافیای نظامی ایران** ـ جزایر ایران در خلیج فارس، تهران، انتشارات ارتش، ۱۳۲۰

۲۴ـ رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین. **دانشمندان و سخن‌سرایان فارس**، جلد سوم، تهران، کتابفروشی خیام، خرداد ۱۳۳۹

۲۵ـ روابط عمومی سازمان عمران کیش. **بررسی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جزیرهٔ کیش**

۲۶ـ رهنمایی، محمدتقی. **جزیرهٔ کیش**، مجموعهٔ مقالات سمینار جغرافیایی، شمارهٔ ۳، به کوشش دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، مشهد، آستان قدس، آبان ۱۳۶۵

۲۷ـ ریکس، توماس. **دریانوردی در خلیج فارس و رابطه با افریقای شرقی**، فرهنگ ایران‌زمین، جلد ۱۸، تهران، ۱۳۵۰

۲۸ـ ستوده، حسینقلی. **تاریخ آل‌مظفر**، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، دی ۱۳۴۷

۲۹ـ سدیدالسلطنه، محمدعلی خان. **سفرنامهٔ سدیدالسلطنه**، تهران، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۲

۳۰ـ طاهری، ابوالقاسم. **تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس**، جلد دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶

۳۱ـ قبادیانی مروزی، ناصرخسرو. **سفرنامهٔ ناصرخسرو**، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار، ۱۳۶۳

۳۲ـ قزوینی، زکریا. **آثارالبلاد و اخبار العباد**، ترجمهٔ عبدالرحمان شرفکندی، تهران، مؤسسهٔ علمی اندیشهٔ جوان، ۱۳۶۶

۳۳ـ قزوینی، محمد. شمس‌الدین محمد کیشی، **مجله یادگار**، سال ۲، شمارهٔ ۲، مهر ۱۳۲۴

۳۴ـ کازرونی، محمدابراهیم. **تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس**، تصحیح و تحشیه دکتر منوچهر ستوده، تهران، مؤسسهٔ فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۷

۳۵ـ کامرون، جورج. **ایران در سپیده دم تاریخ**، ترجمهٔ حسن انوشه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵

۳۶ـ گابریل، آلفونس. **تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران**، ترجمهٔ فتحعلی خواجه نوری، تهران، انتشارات ابن‌سینا، آذر ۱۳۴۸

۳۷ـ گنجی، محمدحسن. **آب و هوای خلیج فارس**، سمینار خلیج فارس، جلد اول، تهران، ادارهٔ کل انتشارات و رادیو، مهر ۱۳۴۱

۳۸ـ گنجی، محمدحسن. **سی‌ودو مقالهٔ جغرافیایی**، تهران، مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۵۳

۳۹ـ مستوفی، احمد. **سفر دریایی نثارخ در سواحل عمان و خلیج فارس**، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران، سال ۳، شمارهٔ ۴، تیر ۱۳۳۵

۴۰ـ مستوفی، حمدالله. **نزهةالقلوب**، به اهتمام گای لسترنج، تهران، دنیای

کتاب، ۱۳۶۲

۴۱- معاونت برنامه و بودجهٔ سازمان عمران کیش. گزارش اهم فعالیتهای سازمان عمران کیش و شرکتهای تابعه در ۱۳۶۷، تهران، ۱۳۶۸

۴۲- معصومی، غلامرضا. **سیراف، بندر طاهری**، تهران، انجمن آثار ملی، اسفند ۱۳۵۲

۴۳- مقتدر، غلامحسین. **کلید خلیج فارس**، تهران، چاپ محمدعلی علمی، ۱۳۳۳

۴۴- مؤسسهٔ توسعهٔ سیاحتی کیش. **کیش مروارید خلیج فارس**، تهران، تابستان ۱۳۷۳

۴۵- مهندسین مشاور خدمات مهندسی مکانیک خاک. مطالعات زمین‌شناسی و زلزله و ژئوتکنیک . . . تهران، شهریور ۱۳۶۹

۴۶- میرزا طاهری، رضاحسین. حفاظت محیط زیست در خلیج فارس، مجموعهٔ مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران، مرکز مطالعات خلیج فارس وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸

۴۷- نطنزی، معین‌الدین. **تاریخ ملوک شبانکاره**، تصحیح ژان اوبن، تهران، خیام، دی ۱۳۳۶

۴۸- نفیسی، سعید. شمس‌الدین کیشی، **مجلهٔ ارمغان**، سال ۱۵، شمارهٔ ۶، شهریور ۱۳۱۳

۴۹- ویلسن، سرآرنولد. **خلیج فارس**. ترجمهٔ محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸

۵۰- هدایت، رضاقلی‌خان. **تاریخ روضةالصفای ناصری**، جلد دهم، تهران، کتابفروشی مرکزی، ۱۳۳۹

۵۱- یغمایی، اقبال. **خلیج فارس**، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲

آثار دیگر مؤلف

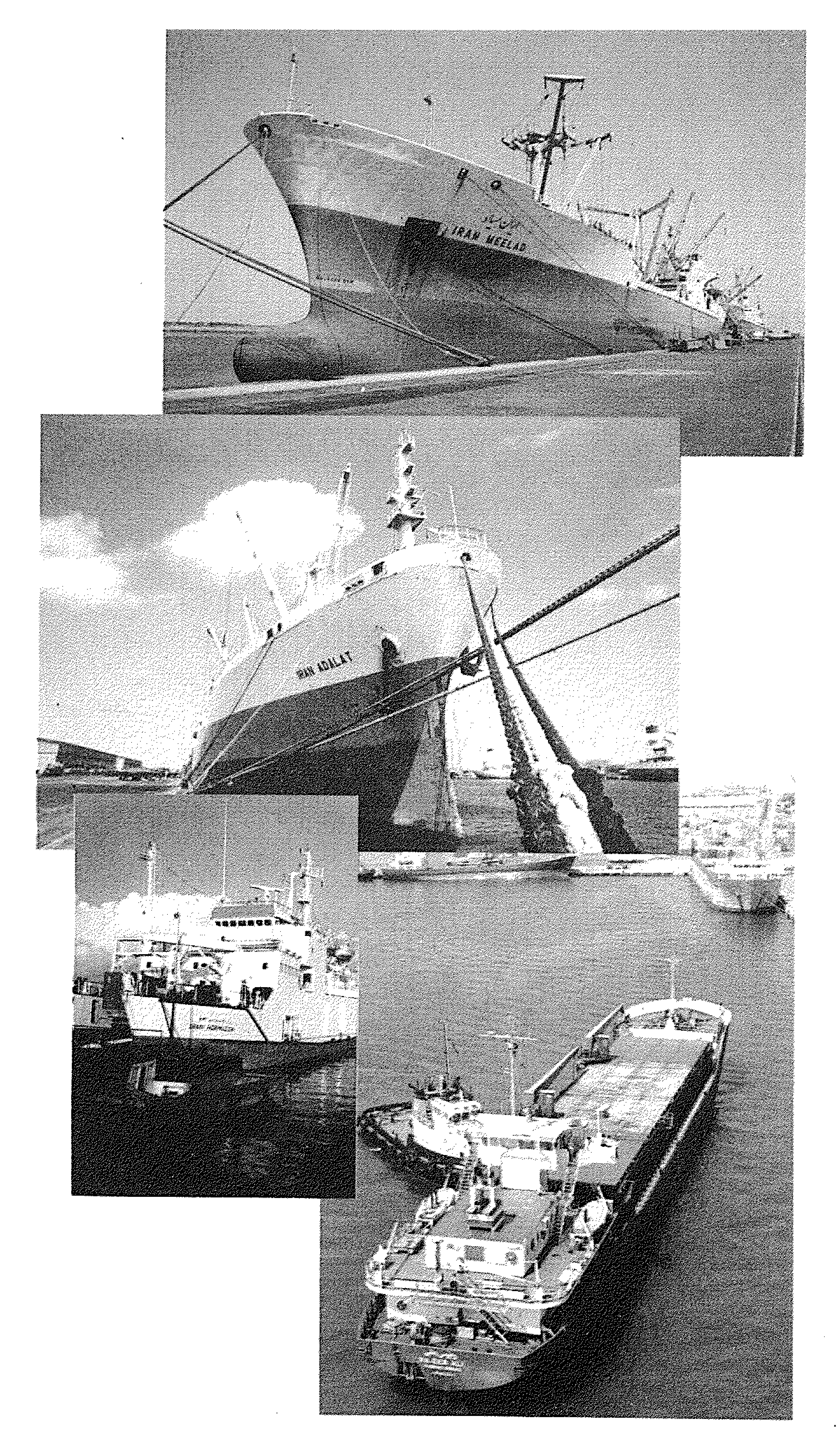
الف ـ آثاری که تاکنون چاپ و نشر شده‌اند:

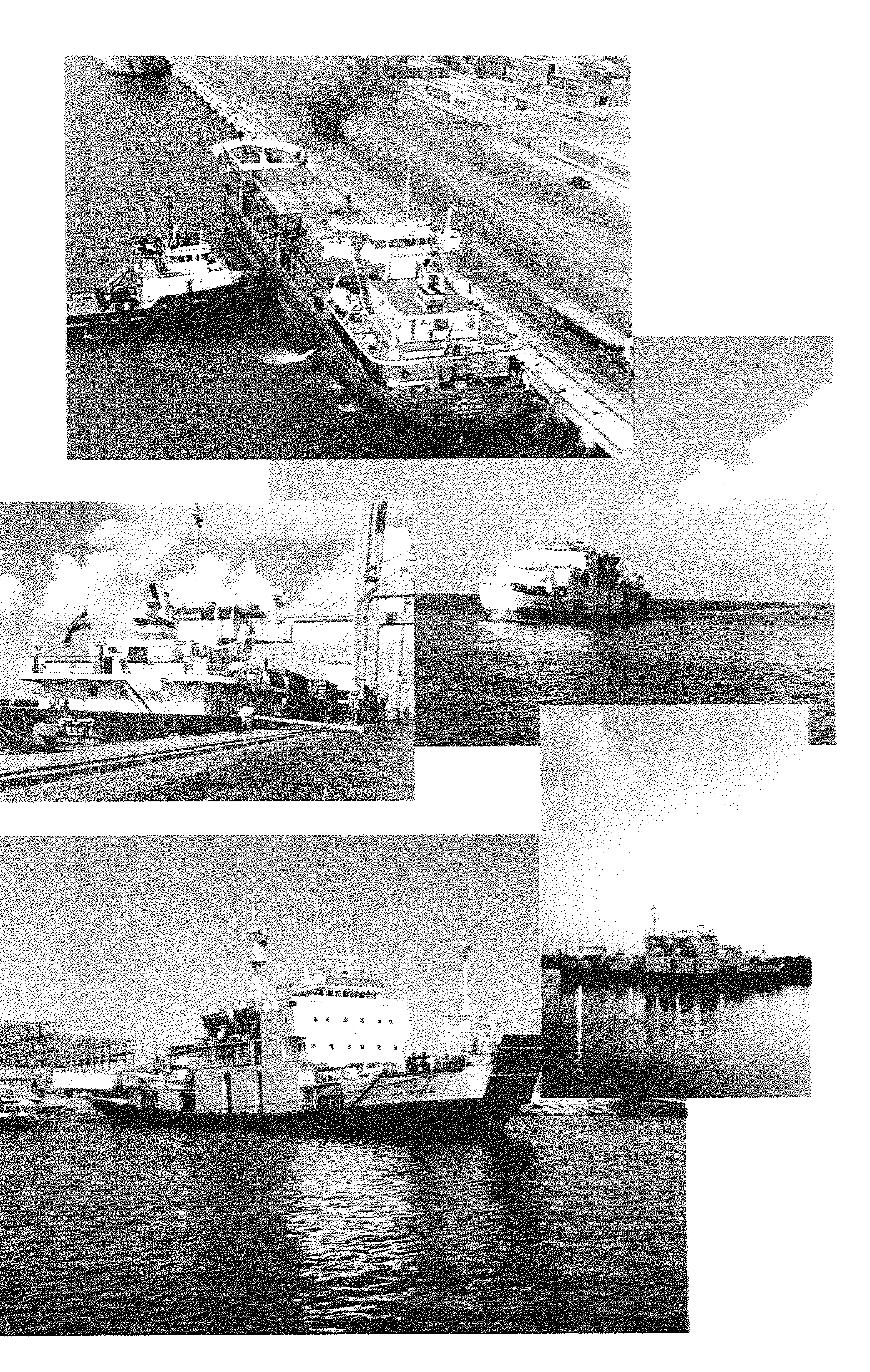
۱ـ نگاهی به سیستان و بلوچستان
۲ـ نگاهی به ایلام
۳ـ نگاهی به خوزستان
۴ـ واژه‌نامهٔ سیستانی
۵ـ سیستان‌نامه، جلد اول
۶ـ سیستان‌نامه، جلد دوم
۷ـ مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، جلد اول، کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶ هـ. ش.
۸ـ مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، جلد دوم
۹ـ مقدمه‌ای بر شناخت طوایف سرگلزایی و بارکزایی سیستان و بلوچستان
۱۰ـ بزرگان سیستان
۱۱ـ نگاهی به بوشهر، جلد اول
۱۲ـ نگاهی به بوشهر، جلد دوم
۱۳ـ نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد اول
۱۴ـ نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد دوم
۱۵ـ نگاهی به آذربایجان غربی، جلد اول
۱۶ـ نگاهی به آذربایجان غربی، جلد دوم
۱۷ـ مقالات ایران‌شناسی
۱۸ـ سفرنامه و خاطرات امیرعبدالرحمان‌خان یا تاریخ افغانستان، جلد اول
۱۹ـ سفرنامه و خاطرات امیرعبدالرحمان‌خان یا تاریخ افغانستان، جلد دوم
۲۰ـ عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان
۲۱ـ جزیرهٔ کیش و دریای پارس
۲۲ـ پزشکی سُنّتی مردم ایران، جلد اول
۲۳ـ پزشکی سُنّتی مردم ایران، جلد دوم
۲۴ـ جزیرهٔ هندرابی و دریای پارس و جزایر فارور و فارورگان
۲۵ـ جزیرهٔ بوموسی و جزایر تُنب بزرگ و تُنب کوچک
۲۶ـ کرمانشاهان و تمدّن دیرینهٔ آن، جلد اول
۲۷ـ کرمانشاهان و تمدّن دیرینهٔ آن، جلد دوم
۲۸ـ ایلام و تمدّن دیرینهٔ آن
۲۹ـ بلوچستان و تمدّن دیرینهٔ آن
۳۰ـ چابهار و دریای پارس

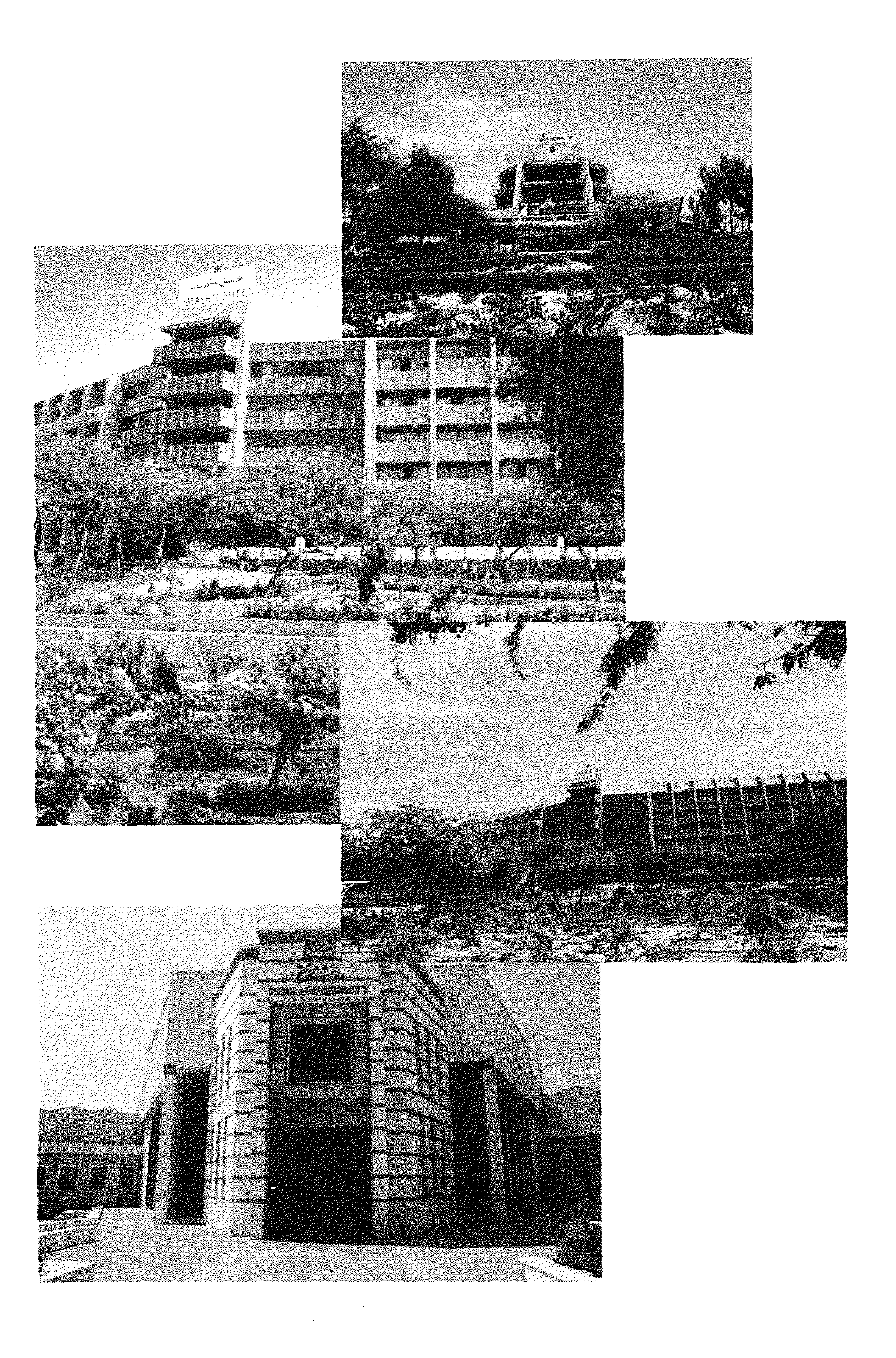
۳۱ـ خوزستان و تمدّن دیرینهٔ آن، جلد اول
۳۲ـ خوزستان و تمدّن دیرینهٔ آن، جلد دوم
۳۳ـ سیمای ایران
۳۴ـ نام دریای پارس و دریای مازندران و بندرها و جزیره‌های ایرانی
۳۵ـ جغرافیای تاریخی دریای پارس

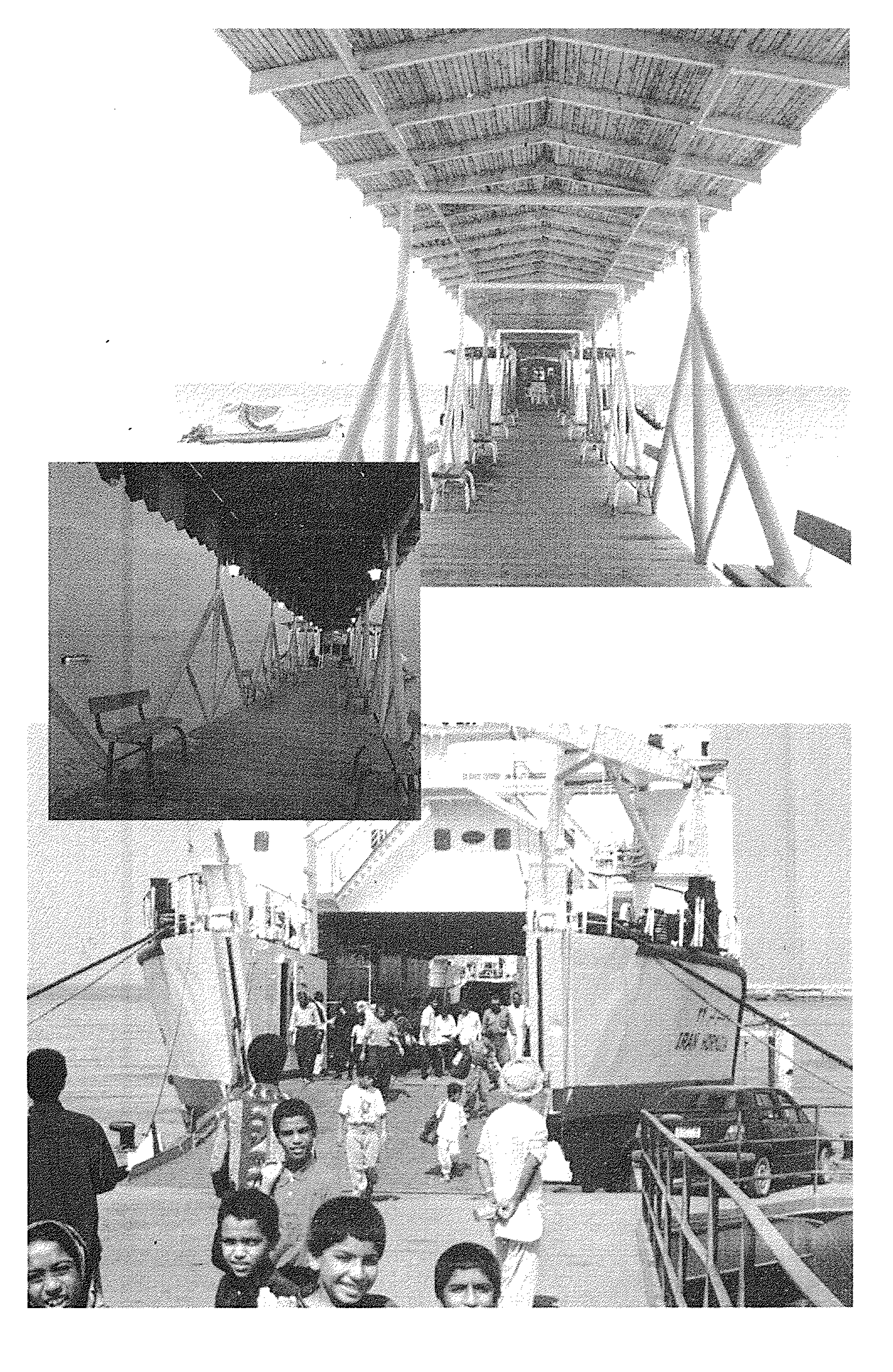
ب ـ آثار زیر چاپ

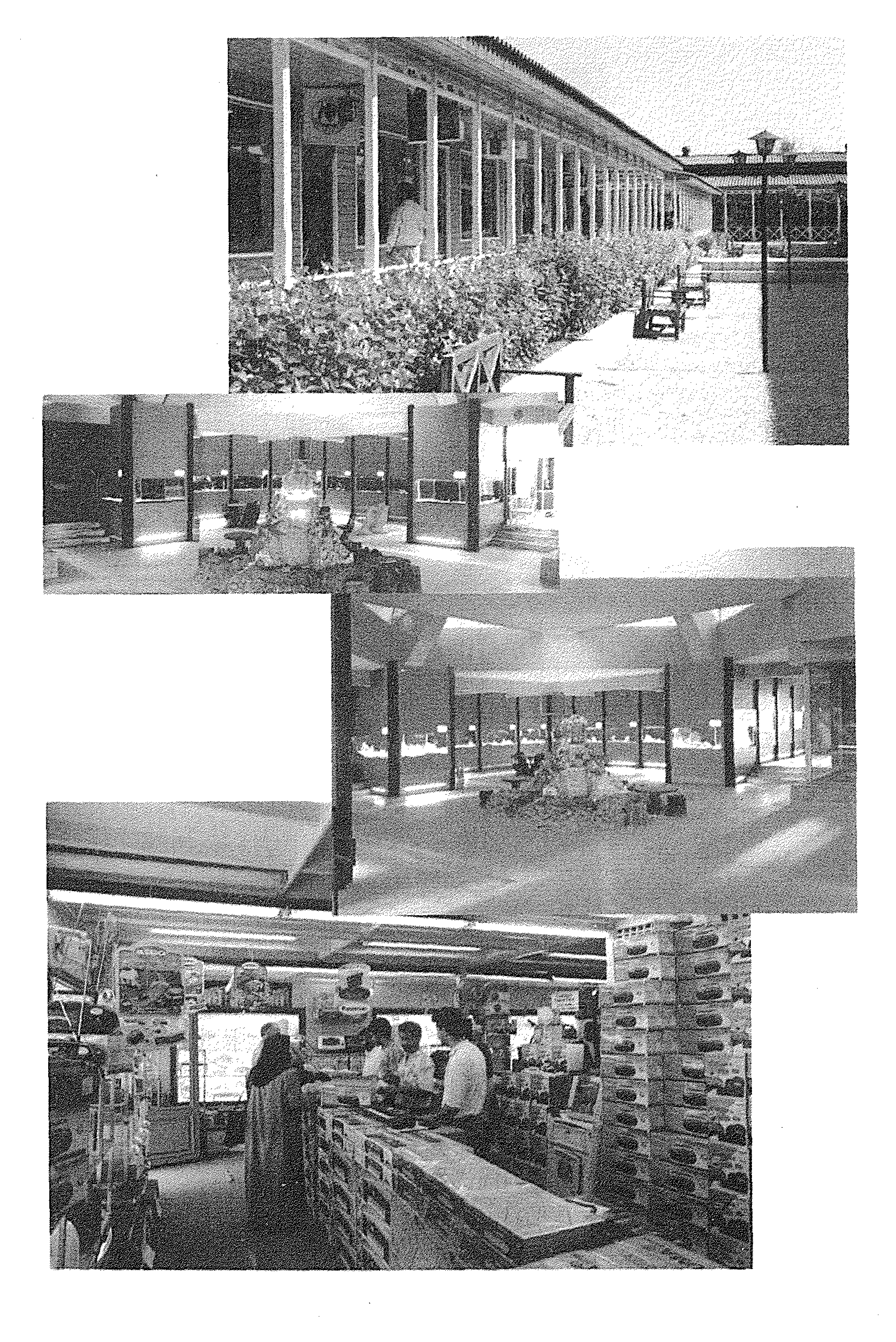
۳۶ـ مقالات ایران‌شناسی، جلد دوم
۳۷ـ آثار باستانی و بناهای تاریخی سیستان و بلوچستان
۳۸ـ آثار باستانی و بناهای تاریخی آذربایجان
۳۹ـ عشایر و طوایف آذربایجان
۴۰ـ کولیهای ایران و جهان
۴۱ـ خراسان و قرشمارهای آن
۴۲ـ فرهنگ مردم ایران، جلد اول
۴۳ـ فرهنگ مردم ایران، جلد دوم
۴۴ـ فرهنگ مردم ایران، جلد سوم
۴۵ـ فرهنگ مردم ایران، جلد چهارم
۴۶ـ فرهنگ مردم ایران، جلد پنجم
۴۷ـ فرهنگ مردم ایران، جلد ششم
۴۸ـ فرهنگ مردم ایران، جلد هفتم
۴۹ـ ایران و ایرانی (مقالات ایران‌شناسی)
۵۰ـ دریای پارس و پیرامون آن (مقالات خلیج فارس و دریای مکران)
۵۱ـ نگاهی به جهانگردی ایران
۵۲ـ نگاهی به کشورهای جنوبی خلیج فارس
۵۳ـ قطر، پژوهشی در زمینهٔ تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی سرزمین قطر
۵۴ـ بلوچستان مرکزی، پژوهشی در زمینهٔ تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی سرزمین مکران
۵۵ـ تاجیک‌ها
۵۶ـ آثار باستانی و بناهای تاریخی خوزستان
۵۷ـ نام شهرهای ایران
۵۸ـ بیش از یکصدوپنجاه مقالهٔ پژوهشی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و علمی در ماهنامه‌ها، فصلنامه‌های علمی و پژوهشی و سخنرانی در سمینارها و سمپوزیم‌های داخل و خارج از کشور، . . .

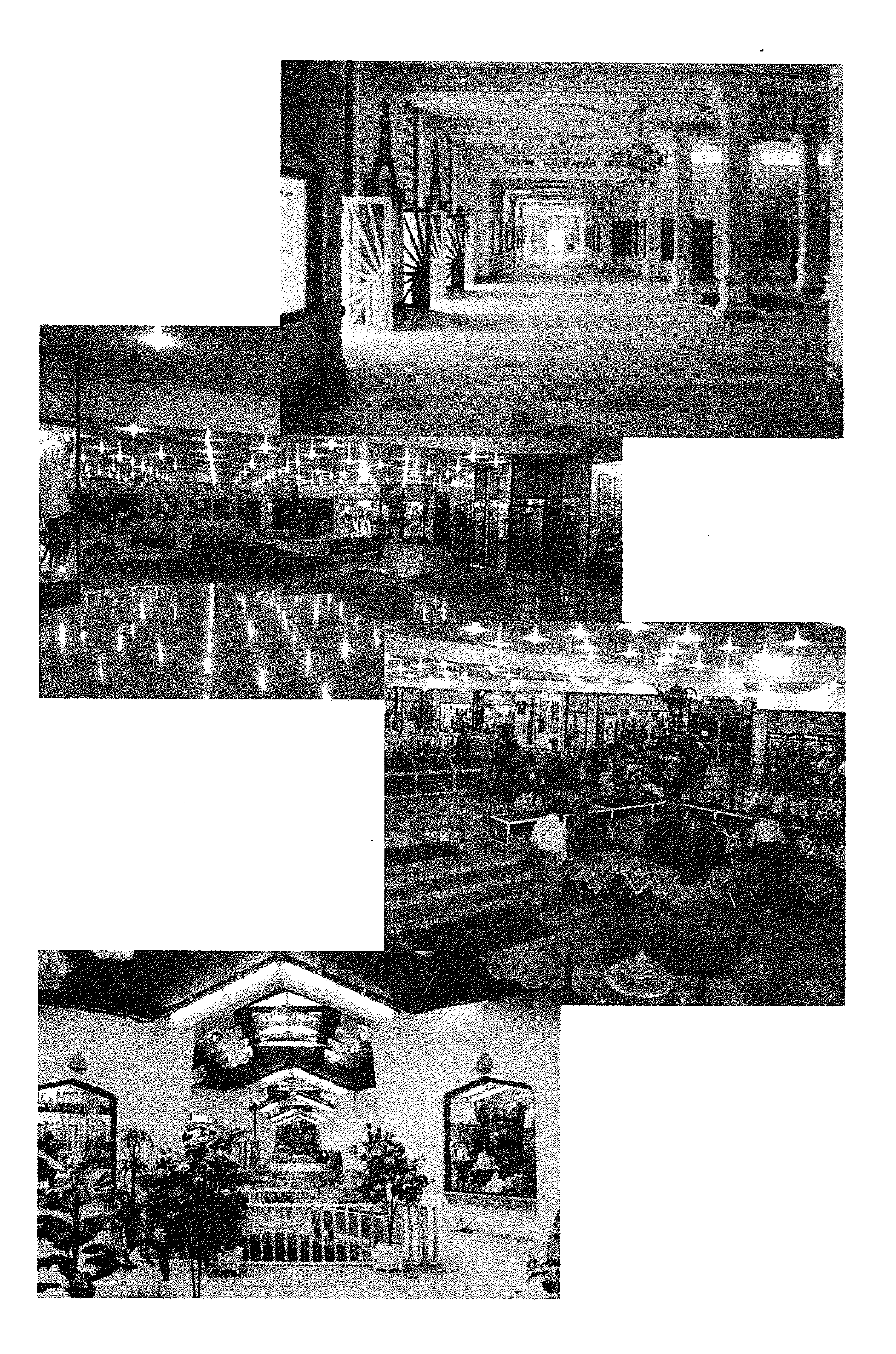

IRAN MEELAD
ADALAT

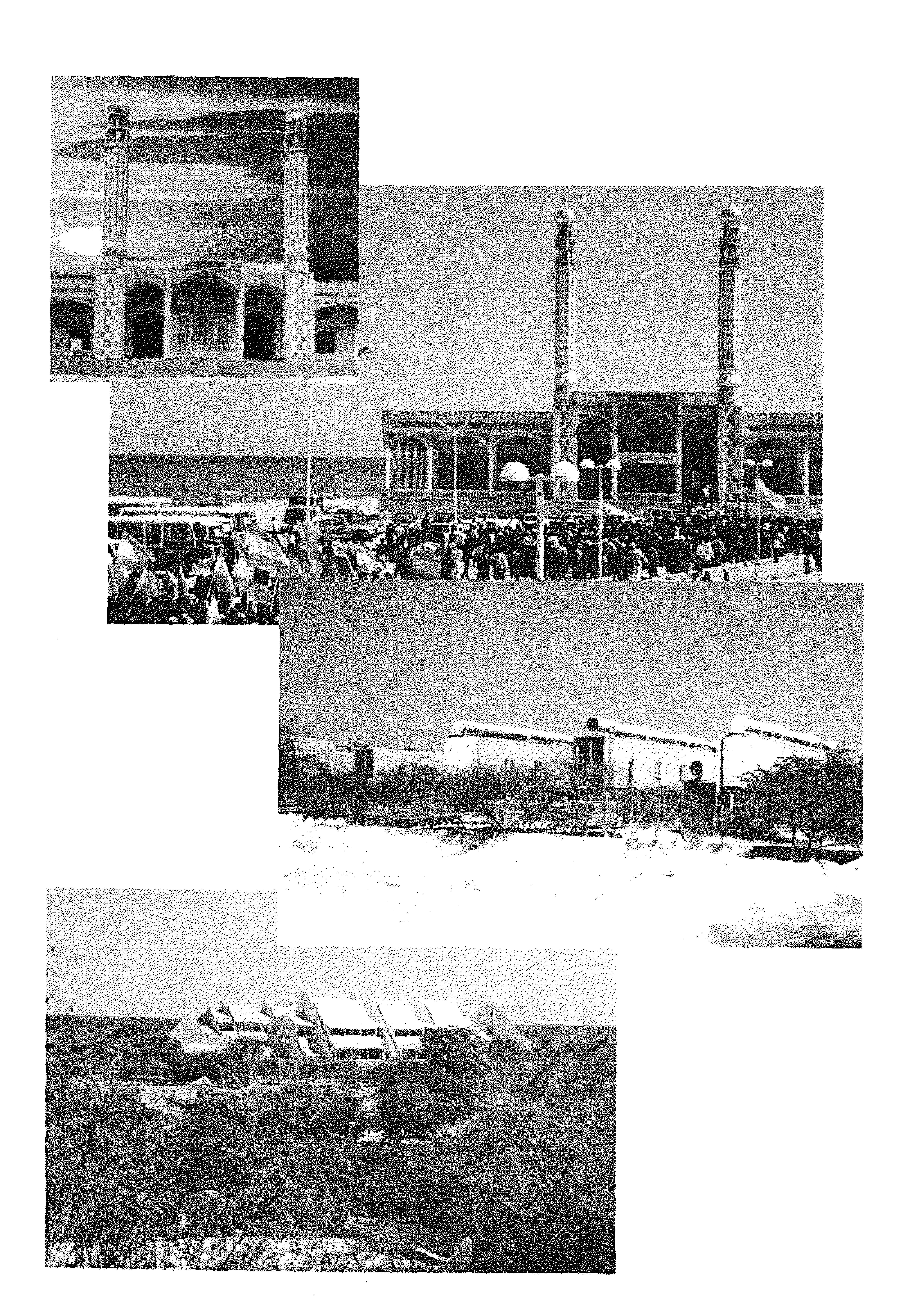


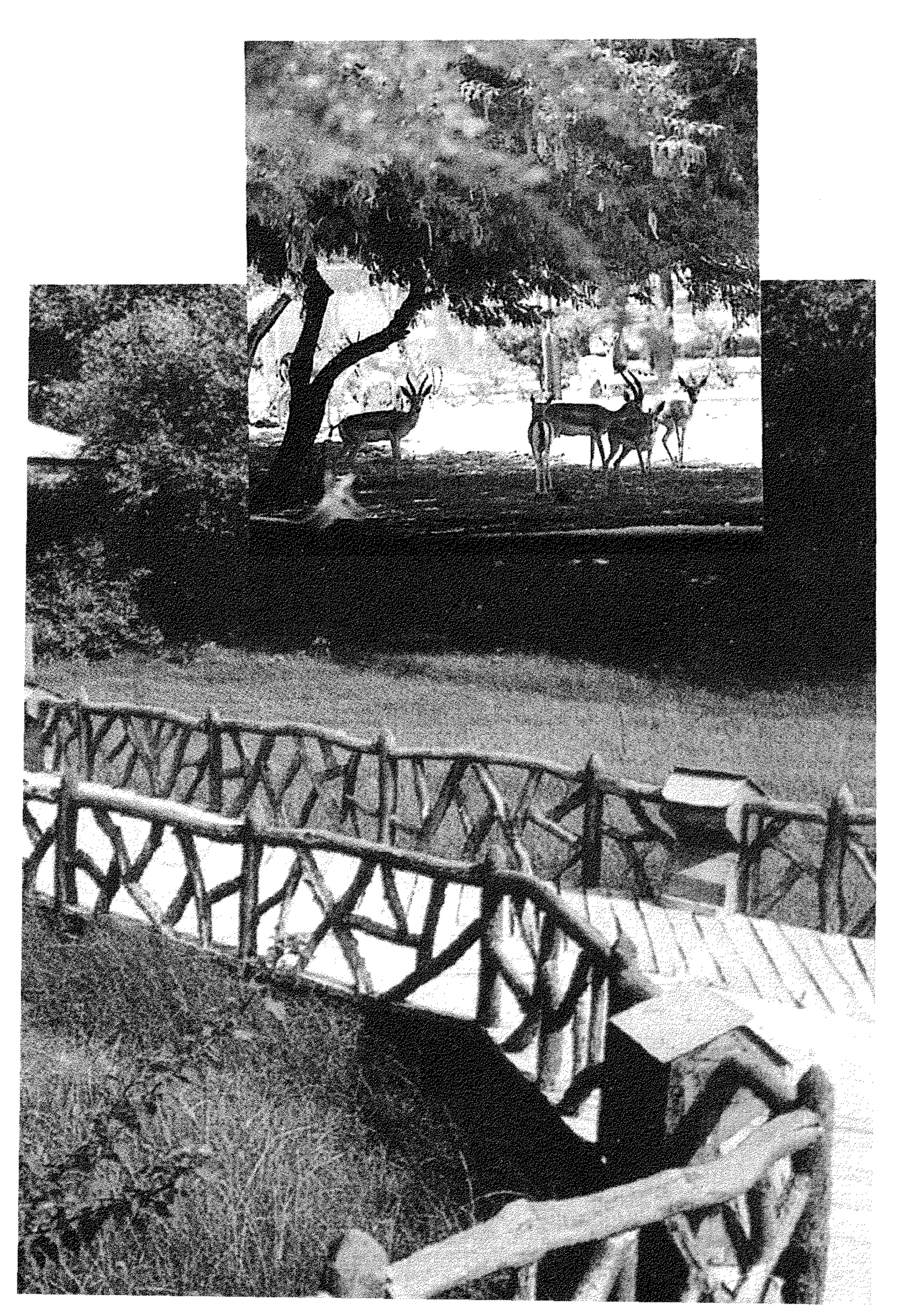


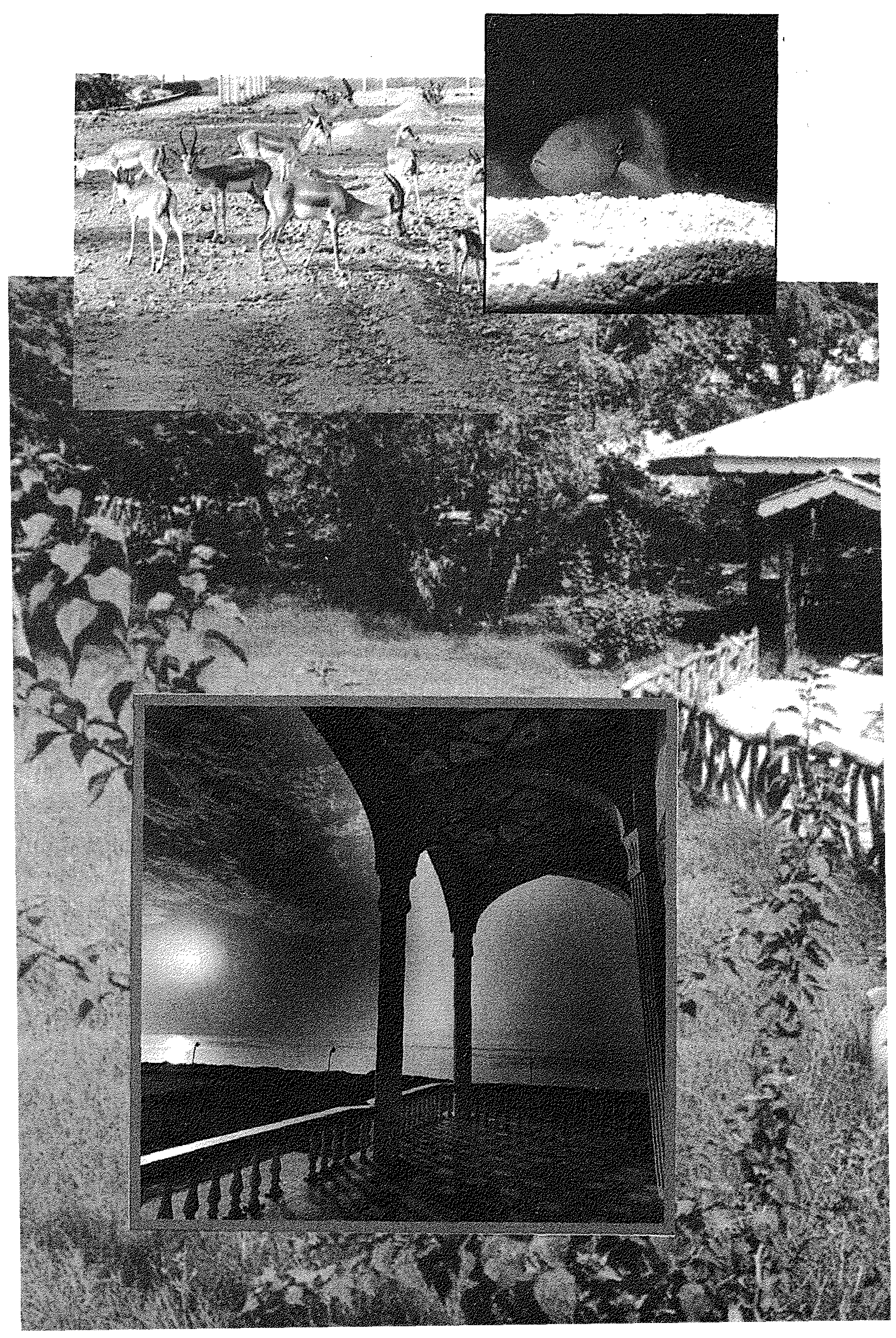


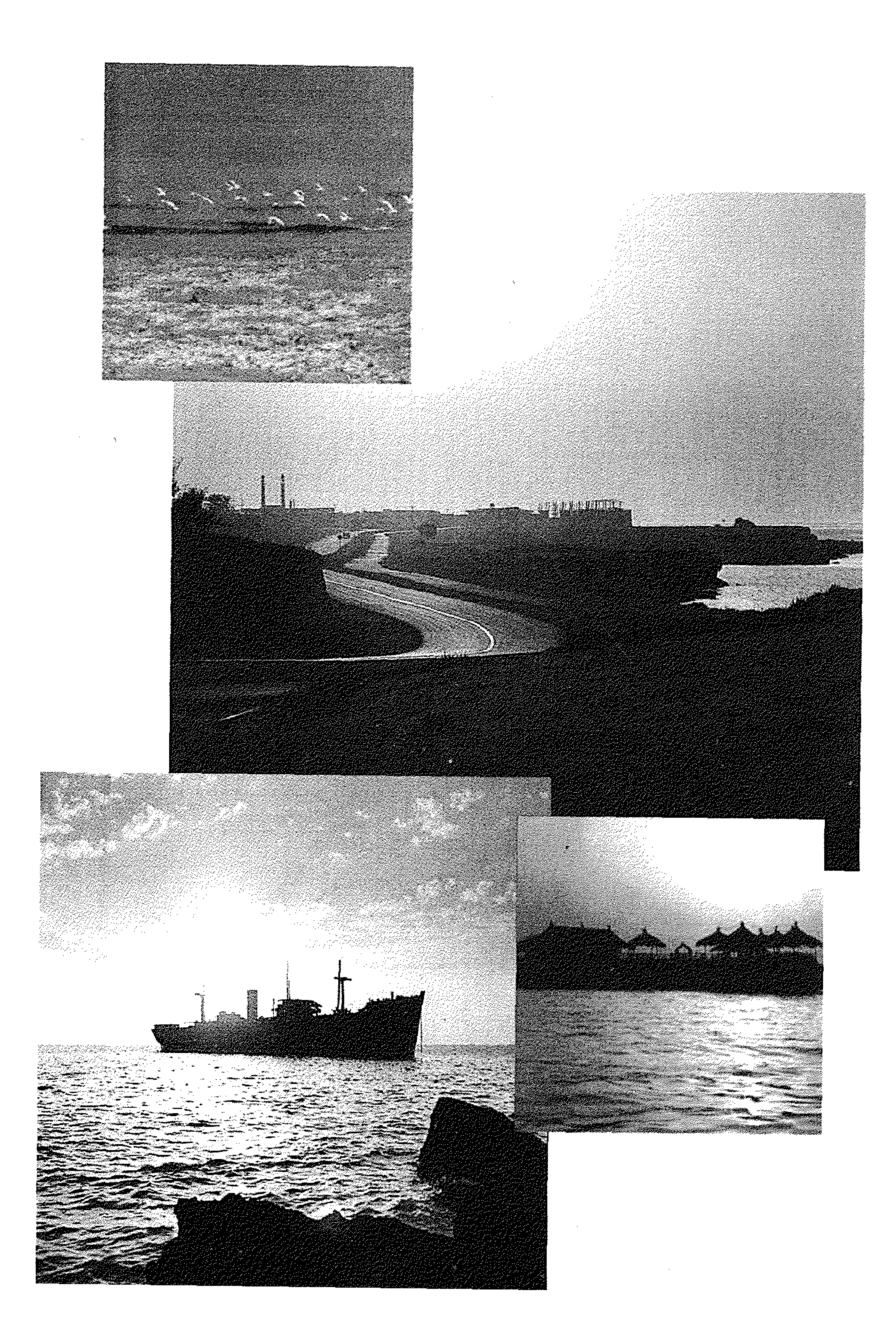


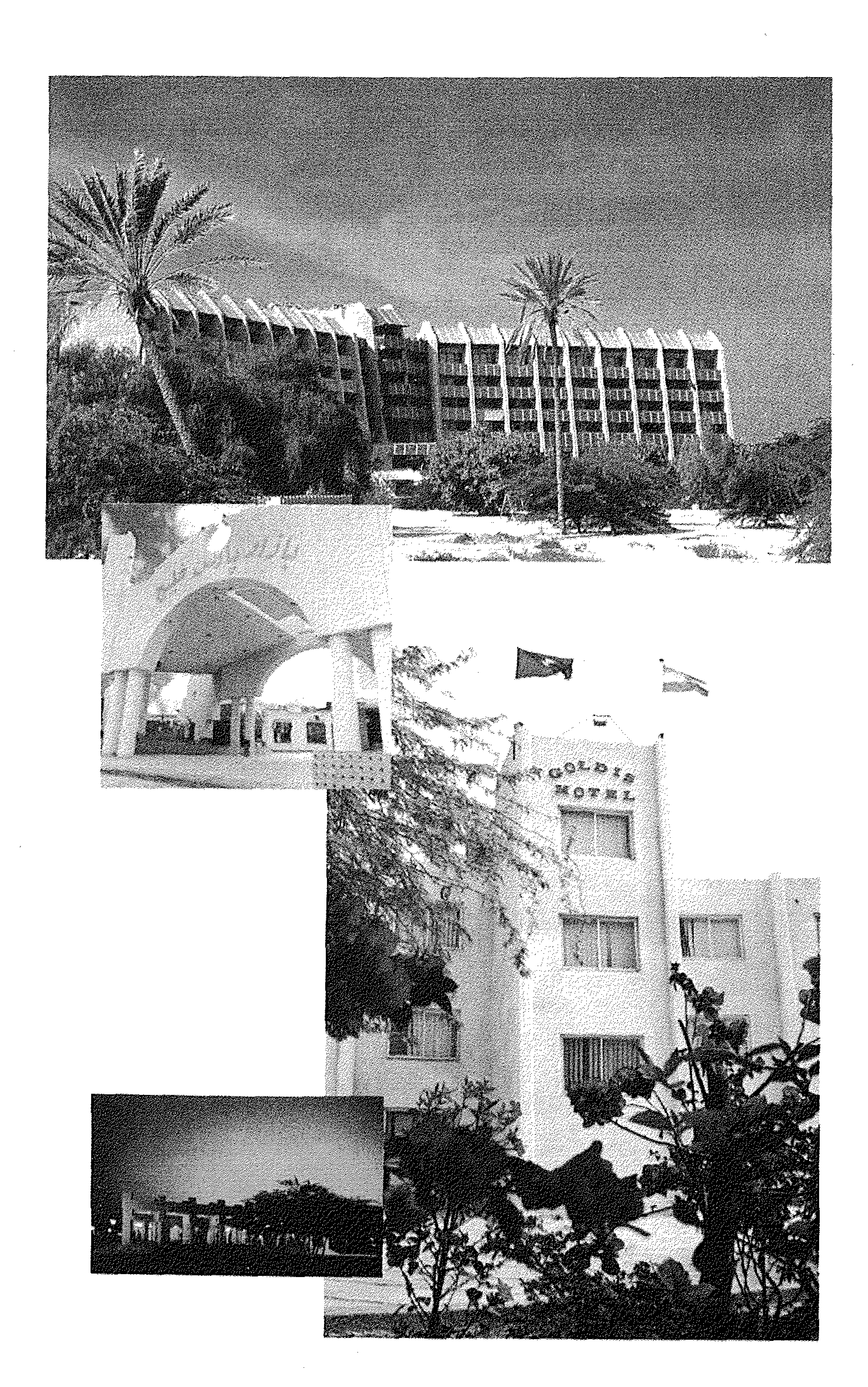


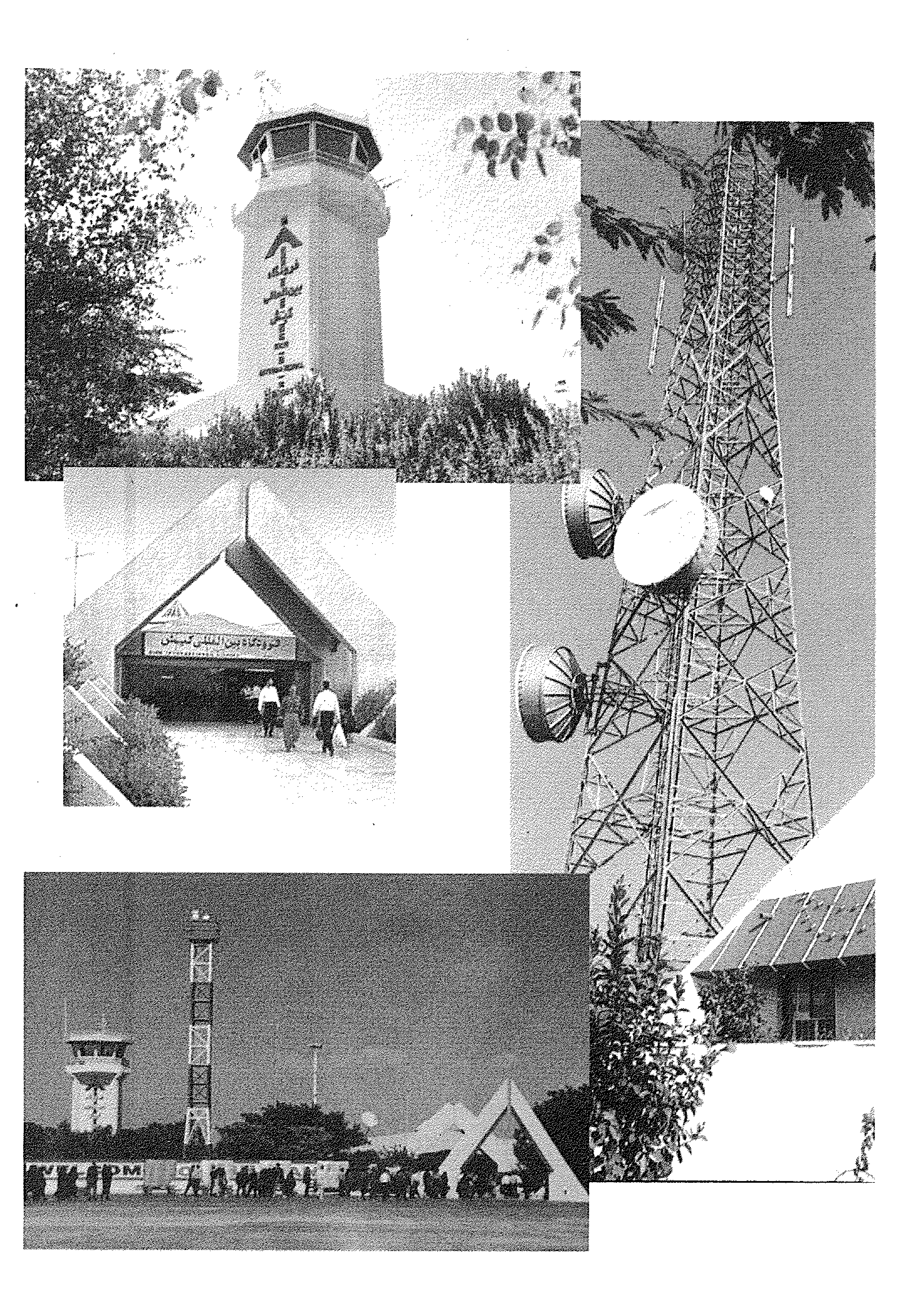




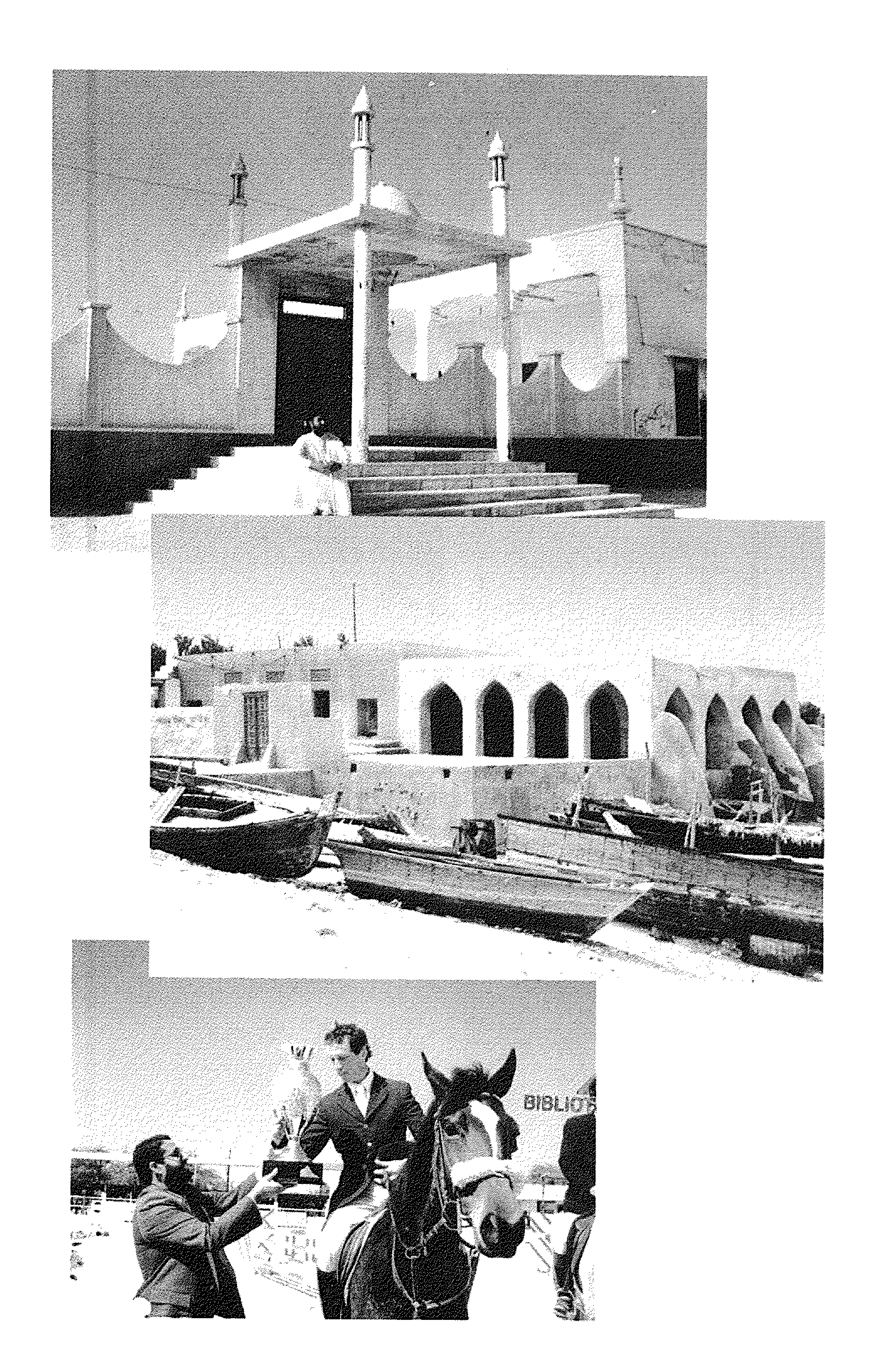


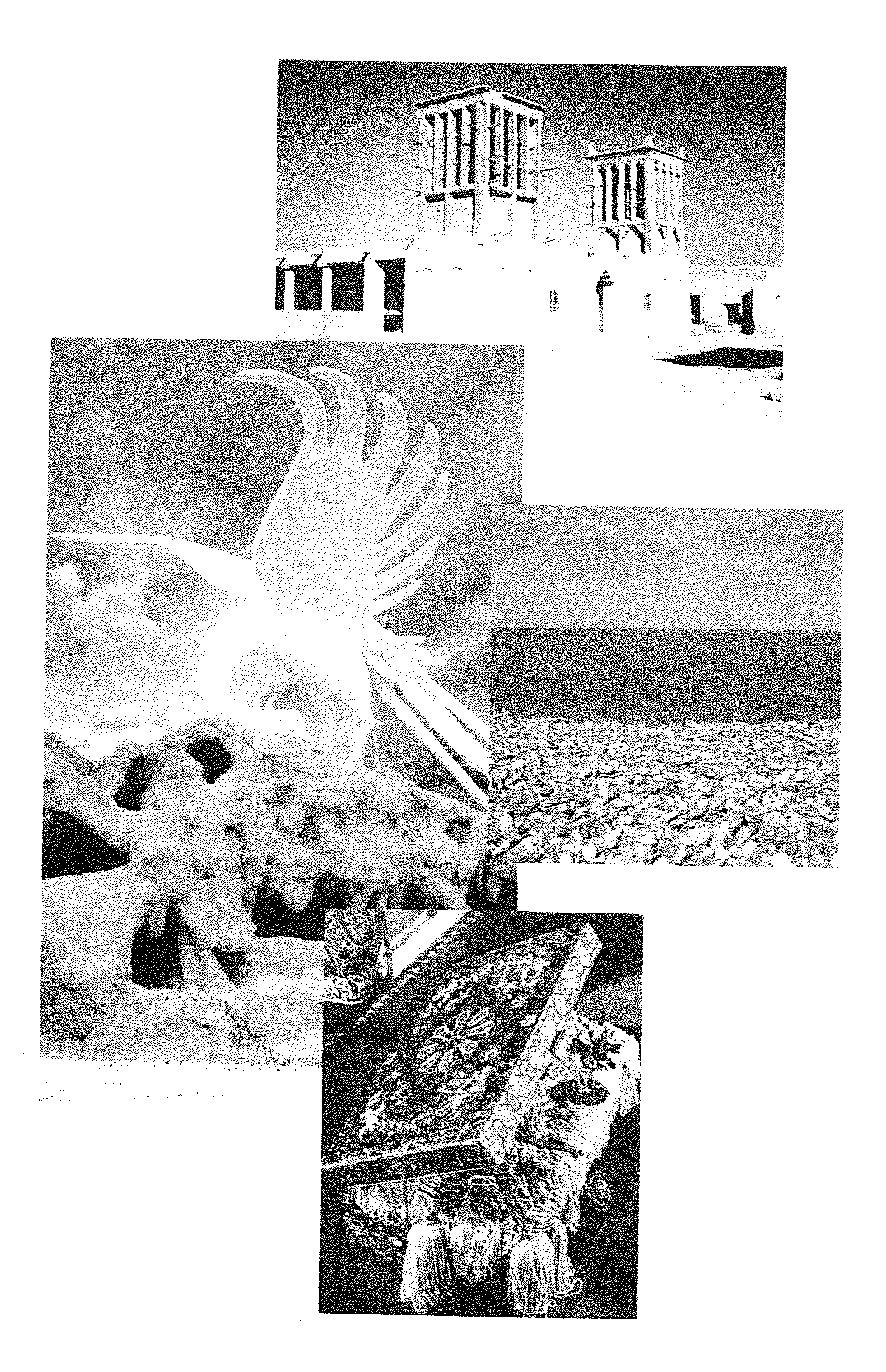



GOLDIS
HOTEL

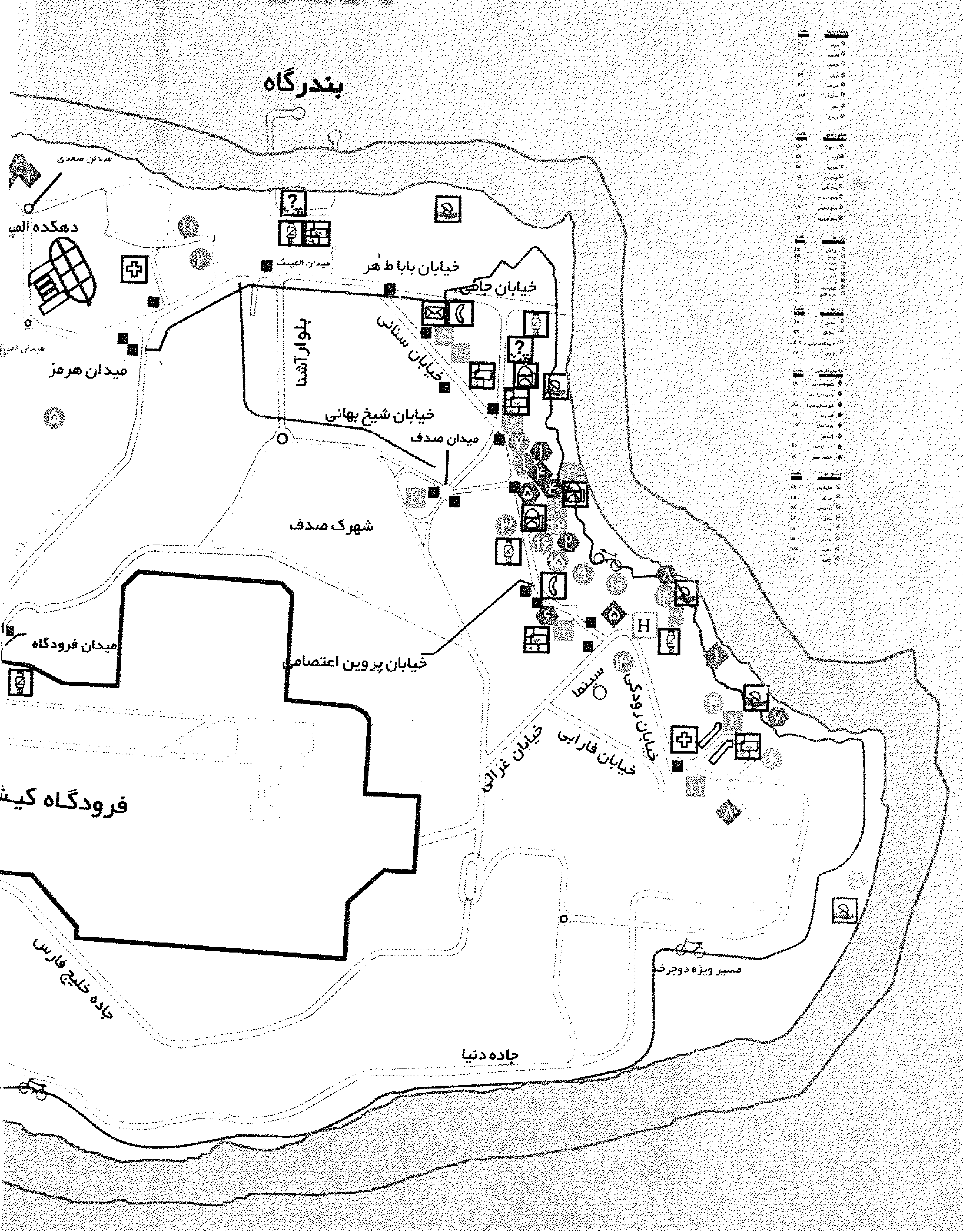


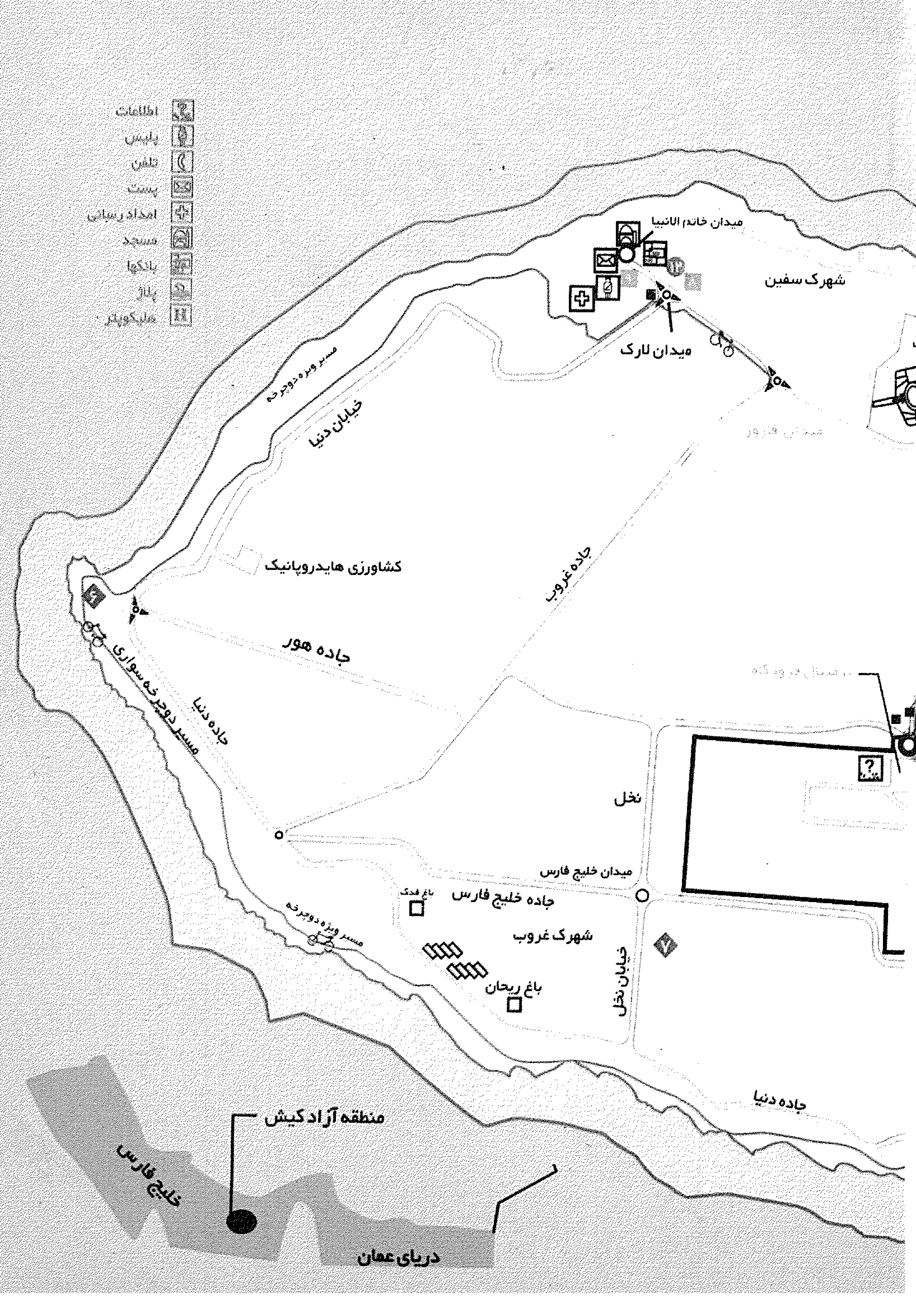






نقشه جزیره کیش





اطلاعات
پلیس
تلفن
پست
امداد رسانی
مسجد
بانکها
پلاژ
هلیکوپتر
میدان خاتم الانبیا
شهرک سفین
میدان لارک
مسیر ویژه دوچرخه
خیابان دنیا
کشاورزی هایدروپانیک
جاده غروب
جاده هور
جاده دنیا
مسیر دوچرخه سواری
نخل
میدان خلیج فارس
جاده خلیج فارس
باغ فدک
شهرک غروب
باغ ریحان
خیابان نخل
مسیر ویژه دوچرخه
جاده دنیا
منطقه آزاد کیش
خلیج فارس
دریای عمان





مجموعه
ایرانشناسی

کیش مروارید خلیج فارس، از هنگامی که در سال ۱۳۵۰ هـ. ش جزیره کیش مورد بازدید کارشناسان ایرانی و خارجی قرار گرفت و با توجه به جایگاه استراتژیک آن به عنوان یک قطب توریستی بازرگانی مورد توجه قرار گرفت مدت زمانی می گذرد.

امّا اکنون جزیره کیش به عنوان یکی از جاذبه های عمده توریستی ایران مطرح و روزانه ازطریق هوا ودریا به شهرهای مُهم کشورمان ونیز بعضی ازکشورهای همسایه پیوند می خورد.

جزیره کیش نه تنها از نظر جایگاه استراتژیک وژئوپولتیک ویژه آن درمنطقه خلیج فارس دارای اهمیت فراوانی است بلکه جاذبه‌های فراوانی نیز برای مسافران ورودی به آن دارد که از مهمترین آنها دریای بسیار آرام و کرانه های زیبایی است که مسافران خسته وگریزان از شهر هایدوروونزدیک را پذیرا می‌باشد.

در این کتاب کوشش شده است تا اطلاعات گوناگونی در زمینه های تاریخی، جغرافیایی ویژگیهای مردم شناسی، اقتصادی، بازرگانی، جهانگردی، حمل ونقل و ... را بعنوان یک کتاب دم دستی برای علاقه مندان و گردشگران جزیره کیش فراهم کند.



قیمت: ۶۵۰ تومان



گارگاه گرافیک ... ۰۵۰-۶۶۹۳۹۶